

زنان، حقوق، اجتماع

- سرمقاله: زمانی که از دست رفت! • اشرف گرامی زادگان ۳
- گفت و گوی اختصاصی با خانم دکتر شهلا معظمی:
همیشه در پی پاسخ این پرسش بودم که چرا آدم ها مجرم می شوند؟ • سیده سکینه موسوی ۴
- پدیده نوظهور کودک- بیوه (نقدی بر ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده) • شهیندخت مولوردی ۱۰
- اخبار ۱۶
- زنان ودولت تدبیر و امید • مریم جهانی ۱۸

۱

زنان در جهان

- گوناگون • میترا مشعوفی ۲۰
- تاثیر عرف و فرهنگ در حمایت از حقوق زنان • ابراهیم عسگری واشوری / نادر مختاری افراکتی ۲۴
- ملکه بناتریکس، ۳۳ سال خدمت به جامعه • مترجم: الهام مقدس ۳۲

۲

زنان در فرهنگ

- گفت و گوی اختصاصی با خانم آریا اقبال شکوهی:
مسیر زندگیم با نقاشی تغییر کرد • نسرین پاینده / آیدا آل طه ۳۴
 - داستان: سفر به اوترشت • نویسنده کریستینه بروکتر / مترجم الهام مقدس ۴۰
 - سینما: ستاره های دیروز، ادری هیپبورن. شمایللی از وقار، عطوفت و مهربانی • روفیا تیرگری ۴۴
- عمل جسورانه ستاره تحسین برانگیز
گذشته برنده بهترین بازیگر نقش اول زن جشنواره کن

۳

- زنان و سلامت ۵۵

۴

- بخش عربی • مهرداد علمداری ۵۷
- بخش انگلیسی • لیلا عنصری ۶۲

۵



حقوق زنان

حقوق زنان ■ نشریه اجتماعی
دوره جدید ■ تیرماه ۱۳۹۲
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: اشرف گرامی زادگان
مشاور حقوقی: شهیندخت مولوردی
مدیر امور مالی و اجرایی: همایون کوچکزاده
مدیر هنری: مریم فرزانی فرد
گرافیسیت: بهار محمدزاده
طراح لوگو: مرتضی ممیز ■ طراح بسم الله: بهار محمدزاده
چاپ: چاپ نظر ■ حروفچینی: حقوق زنان
■ نشانی: تهران - خیابان ایرانشهر جنوبی - کوچه مهزاد - پلاک ۱۱ - واحد ۴۰۱
■ تلفن: ۸۸۳۱۸۹۴۹ ■ تلفکس: ۸۸۳۱۸۶۳۷ ■ صندوق پستی: ۱۳۸۴ - ۱۵۸۱۵
■ پست الکترونیکی: h_q_zanan@yahoo.com ■ شماره سریال بین المللی: ۱۵۶۱-۳۶۷۴

توضیح:

- نویسندگان و مترجمان ارجمندی که مایلند آثارشان در مجله‌ی حقوق زنان انتشار یابد، به همراه مطالب، در باره تحصیلات، شغل، آثار پژوهشی و ترجمه‌ی خود توضیحی کوتاه ضمیمه کنند.
- مطالب تایپ شده و تنها بریک روی کاغذ نوشته شده باشد (همراه با سی دی) و یا از طریق ایمیل به مجله ارسال شود.
- مطالب ترجمه شده باید با یک نسخه از متن اصلی همراه باشد. مطالب ارسالی بازگردانده نمی شود.
- لطفاً نسخه ای از آن را در بایگانی خود داشته باشید.
- حقوق زنان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.
- هرگونه استفاده از مطالب و تصاویر اختصاصی نشریه حقوق زنان منوط به کسب اجازه از مدیرمسئول است.
- حقوق زنان در موضوع فعالیت های آموزشی، خدماتی و فرهنگی هنری آگهی می پذیرد.



حقوق زنان

برگ اشتراک

شماره‌ی اشتراک نام: نام خانوادگی:

سن: تحصیلات: شغل: نشانی:

یا صندوق پستی: تلفن:

به پیوست فیش بانکی به شماره‌ی مبلغ ریال بابت بهای اشتراک مجله‌ی حقوق زنان (برای ۶ شماره) فرستاده می‌شود. خواهشمند است مجله را برای شماره به نشانی بالا بفرستید.

■ برگ اشتراک را کامل و خوانا پر کرده و کد پستی را حتماً یادداشت کنید.

■ بهای اشتراک را به حساب جاری شماره ۰۱۰۵۶۸۸۱۲۰۰۰۸ بانک ملی ایران شعبه‌ی امیرآباد (کد ۱۲۸) به نام مجله‌ی حقوق زنان (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی ایران) واریز کرده و اصل فیش بانکی را همراه با برگ تکمیل شده‌ی اشتراک به آدرس: تهران - صندوق پستی ۱۳۸۴ - ۱۵۸۱۵ بفرستید.

■ لطفاً کپی فیش بانکی را تا زمان دریافت نخستین شماره‌ی اشتراک نزد خود نگاه دارید.

بهای اشتراک برای (۶ شماره) با پست عادی برای تهران و شهرستان ۳۱۵۰۰ تومان است. بهای اشتراک برای (۳ شماره) نصف مبلغ بالا خواهد بود.

■ در صورت هرگونه تغییر در نشانی، سریعاً دفتر مجله را آگاه کنید.

علاقه مندان اشتراک مجله می توانند تا اطلاع ثانوی از طریق دوستان و خویشاوندان خود در ایران اقدام کنند.



سرمقاله

زمانی که از دست رفت!

با نام خداوند مهربان آغاز می‌کنیم تا یاریمان دهد و کاممان را به عدالت، انصاف و ارزش های انسانی شیرین سازد. این دعایی است که هر انسانی از خداوند خود می‌طلبد. بی شک خداوند سختی‌ها را به شادی و امید تبدیل خواهد کرد. همگان آگاهند که قوانین و مقررات در هر جامعه‌ای برای ملت‌ها باید موجب امنیت خاطر و آسایش روح و روان باشد. اگر چنین نشود، با تنش‌های لحظه‌به‌لحظه - مردم نه آسایش خواهند داشت و نه امنیت خاطر. حال برخی از این ملت، دائم در اضطراب بسر می‌برند. بخشی از زنان جامعه - اگر نخواهیم بگوییم همه - بخصوص دختران جوان - یک نگرانی دائمی رنجشان می‌دهد که چه تغییر و تحولی در راه است؟ تغییراتی که بیشتر منفی می‌نماید. بسیاری از آنان هیچگاه مثبت نمی‌اندیشند چون تجربه‌های گذشته نشان داده است که آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌هایی که با نگاه شخصی ابلاغ می‌شود و بدون ملاحظه شرایط امروزی جامعه و بدون استفاده از دانش و تجربیات بشری واقع می‌شود، چقدر آینده‌آنان را در ابهام فرو برده و از برنامه‌ریزی برای آینده مأیوسشان کرده است. قانون برای چنین مواقعی وضع می‌شود. برای آن که به شما نوید دهد می‌توانید به آینده بیندیشید و برایش برنامه‌ریزی کنید. چون بنا بر این است که ثبات در جامعه حاکم و قانون‌پشتبان همه باشد. به نظر می‌رسد بیشترین یأس امروز بخشی از جوانان مربوط به آموزش است. تحمیل فرهنگی که بدون نظر کارشناسی توجیه شده و آینده‌ای ناخوشایند برایشان ترسیم کرده است. محدودیت در رشته‌های دانشگاهی از جمله تبعیض و تفکیک جنسیتی و یا مواردی که به هر شکل زنان را از جامعه دور می‌سازد، را شاهد هستیم. این خانه، خانه همه است. نفع همگان و انتفاع همه باید مورد توجه قرار گیرد. تفکیک‌هایی که با قانون اساسی ما مغایر است و بنا بر سلیقه شخصی اعمال می‌گردد، نباید مورد تأیید واقع شود. این خانه نباید جولانگاه کسانی شود که با آزمون و خطا و بنا به سلیقه شخصی، نفع همگانی و عمومی را قربانی می‌کنند و بی‌اعتنا به قانون هستند. سالهاست که از تدوین قانون اساسی گذشته و باید در این مدت بخش زیادی از حقوق زنان محقق می‌شد. علیرغم پیشرفتی که زنان در جامعه داشته‌اند و با تلاش خود در آموزش و میادین دیگر راه ترقی را طی کرده‌اند متأسفانه به جای آنکه راه آنها هموار گردد، این پیشرفت‌ها به اشکال مختلف مصادره شده است و همچنان مانع تراشی می‌شود. شاهدیم که در جامعه دیواری کشیده شده که به بخشی اجازه ورود می‌دهند و بخشی دیگر را ممنوع‌الورود می‌کنند.

سؤال این است: این جامعه دو پاره با این فرهنگ چگونه به توسعه خواهد رسید؟

چگونه همه نیروی انسانی‌مان را به قصد سازندگی و تثبیت استقلال بسیج کنیم؟

چگونه به سوی چشم‌انداز روشنی که مستند شده پیش برویم؟

آیا با این تفاسیر شخصی و نظریه‌های تحمیلی به وحدت و همدلی می‌رسیم؟

اگر بتوانیم از همه پتانسیل موجود در کشور - اعم از زن و مرد - بهره بگیریم و بی‌شعار به عمل بپردازیم، می‌توانیم پاسخ پرسشهایمان را به بهترین صورت بگیریم در غیراین صورت باز هم زمان را از دست خواهیم داد. تجربه‌های گذشته را مرور کنیم. دیگر قابل قبول نیست که زمان را از دست بدهیم. از جامعه مان عقب مانده ایم. باید این عقب ماندگی جبران شود و بپذیریم که زنان همسنگر مردان در جامعه هستند.

به امید روزی که حق و قانون در زندگی همه امان جاری و وساری باشد.



دکتر شهلا معظمی: همیشه در پی پاسخ این پرسش بودم که چرا آدم‌ها مجرم می‌شوند؟

به دیدار بانوئی فرهیخته و عملگرا آمده ام تا معرفی گوشه‌هایی از تجربیات و تلاش‌های علمی اش ادای دینی نسبت به اهتمام بی دریغش در مورد ارتقاء حقوق زنان باشد. دفتر کارش در دانشگاه تهران، میعادگاه دانشجویان مشغول به تحصیل و فارغ‌التحصیلان است که عاشقانه دوستش دارند و بر این باورند که او همیشه راهگشای مشکلات درسی و غیر درسی‌شان خواهد بود. زنگ گوشی همراهش قطع نمی‌شود و هراز گاه از آن سوی، صدای خسته زنی آزاد شده از زندان و در جستجوی کار یا وام و یا صدای فرزندی که مادرانشان دوران حبس را می‌گذرانند و نیازمند یاری هستند شنیده می‌شود، چرا که می‌دانند این تقاضاها بی‌پاسخ نمی‌ماند. از توانائی‌های تک‌تک دانشجویانش با خبر است و به فراخور حال هر کس، رسالتی را برایش تعیین می‌کند و دانشجویانی که هیچگاه از او پاسخ منفی نشنیده‌اند با جان و دل او را در پیشبرد اهداف انسان دوستانه اش یاری می‌کنند.

سیده سکینه موسوی ■

شهلا معظمی در خانواده‌ای پرجمعیت و فرهیخته متولد شد. دوران تحصیل را در اصفهان گذراند و در سال ۱۳۴۵ برای تحصیل در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شد. در سال ۱۳۵۰ فوق لیسانس خود را در همین رشته به پایان رساند و در سال ۱۳۵۲ با اولین گروه پذیرفته شده دکترای حقوق در رشته جزا و جرم‌شناسی به ادامه تحصیل پرداخت. همزمان با تولد اولین فرزندش در اداره حقوقی وزارت مسکن مشغول به کار شد. پس از انقلاب فرهنگی با تولد فرزند دوم در سال ۱۳۶۳ از موضوع پایان نامه خود با عنوان «حالت خطرناک» به راهنمایی دکتر محمد آشوری دفاع کرد. در سال ۱۳۶۷ با تقاضای او برای

تدریس در دانشگاه مخالفت شد اما در سال ۱۳۷۶ همزمان با دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی کار خود را به عنوان معاون مؤسسه جرم‌شناسی دانشگاه تهران به ریاست دکتر محمد آشوری آغاز کرد. از ایشان تاکنون پنج کتاب منتشر شده است:

- ۱- حقوق خانواده در اسلام، ۱۳۷۹، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی
- ۲- آموزش حقوق برای دختران، ۱۳۸۱، دانشگاه الزهرا
- ۳- آموزش حقوق برای نوجوانان، ۱۳۸۲، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی
- ۴- فرار دختران چرا؟ ۱۳۸۲، نشر گرایش
- ۵- جرم سازمان یافته، ۱۳۸۴، نشر

دادگستر
دکتر شهلا معظمی عضو هیأت تحریریه مجله علمی - پژوهشی مطالعات زنان ارگان انجمن ایرانی مطالعات زنان و فصلنامه علمی - ترویجی «مطالعات پیشگیری از جرم»، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی و مجله علوم جنائی ارگان مؤسسه جزا و جرم‌شناسی است.

دکتر معظمی در حال حاضر به عنوان استادیار در دانشگاه تهران به تدریس درس‌های: بزهکاری اطفال، دادرسی ویژه اطفال و جرم‌شناسی کیفری مشغول است. او طرح‌های پژوهشی فراوانی را اجرا کرده است که در طی گفت‌وگو با ایشان به آنان اشاره می‌شود.



از علاقه تان به رشته حقوق جزا بگویید.
- همیشه در پی پاسخ این سوال بوده ام که چرا آدم ها مجرم می شوند؟ به خصوص در مورد قتل حساسیت ویژه ای داشتم و برای پاسخ به این سوال دلم می خواست پلیس شوم اما در دوازده سالگی پس از دیدن یک فیلم در مورد یک وکیل زن ، تصمیم به تحصیل در رشته حقوق گرفتم.

به نظر می رسد که درصد زیادی از مقاله ها و طرح های شما در مورد زنان است. چرا؟

- همیشه وجود بی عدالتی مرا رنجانده است .

از طرفی فکر می کنم زنان مظهر بی عدالتی های مضاعف هستند اما صدایشان در جامعه کوتاه است و معمولاً شنیده نمی شود . خواستم صدائی رساتر برای زنان محروم جا معه ام باشم.

اولین طرح پژوهشی تان در مورد همسرکشی به چه صورت اجرا گردید و ره آورد علمی آن چه بود؟

- این طرح به مدیریت دکتر محمد آشوری عملیاتی گردید و در واقع از نظر تجربی پربرترین طرح پژوهشی ام به شمار می رود . این طرح به روش مصاحبه حضوری با مجرمین مرد و زن که همسران خود را کشته بودند و دوران حبس خود را در زندان می گذراندند ، در ۱۵ استان کشور انجام شد.

این طرح نشان داد که مسائل فرهنگی موجود در این شهرستان ها ، خلاء قانونی در زمینه خشونت علیه زنان و حق طلاق ، وجود فرزندان ، ازدواج های زودرس و اجباری ، تحمیل خشونت علیه زنان ، بی سوادی و کم سوادی ، هم چنین اعتیاد از جمله عوامل تأثیرگذار در شکل گیری این انحراف محسوب می شوند.

از طرفی به نظر می رسد شرایط زنان کم سواد از زنان بی سواد نامناسب تر بوده است . چرا که زنان کاملاً بی سواد معمولاً منفعلانه تر عمل می کنند و از زندگی بهتر و حقوق انسانی شان کمتر مطلع هستند اما زنان کم سواد با آشنائی ناکافی خود در ارتباط با سبک های زندگی خارج از زندگی خانوادگی خود و ضعف قدرت حل مسئله ، امکان یک انتخاب غیر عقلانی برایشان مهیاتر است که در علم جرم شناسی از آن به عنوان انتخاب عقلانی مجرمانه یاد می کنیم.

این قتل ها معمولاً در سنین ۳۰-۲۹ سالگی زنان که دوران رشد و شکوفائی عواطف جنسی آنهاست اتفاق افتاده است . معمولاً زن پس از یک ازدواج سنتی و گاهی اجباری و زاد و ولد های مرسوم فرصتی برای فکر کردن به عواطف و احساسات خود می یابد و

معمولاً این شروع نارضایتی های زندگی مشترکی است که در خطر تلاشی قرار دارند و در نبود راه حل های قانونی و مشروع با بدست آوردن فرصت های نامشروع ، همسرکشی را به عنوان راه حل نهائی انتخاب می کنند. از آن سوی ، تبدیل خانواده های گسترده به خانواده های هسته ای و کمبود مراکز مشاوره به شکل گیری این انحرافات به شکل «خود تصمیم گیری» دامن می زند.

بازتاب اساسی خشونت های رفته بر این زنان ، قتل های خشونت بارتر است. اما در مورد مردان ۹۲ درصد آنان نسبت به زنان خود سوءظن داشته و با توهم نسبت به خیانت همسرانشان ، آنان را به قتل رسانده بودند.

به نظر شما آیا این حالت های روانی سرمنشأ درونی دارند و یا عوامل خارجی از جمله عرف اجتماع و وجود قوانین نامناسب مثل ماده ۶۳۰ که به مرد حق کشتن زن را در فراش دیگری می دهد به این جسارت ها قوت می بخشد ؟

اولاً این قتل ها معمولاً در شهرهای سنتی تر که عرف جامعه تفوق و مالکیت مرد بر زن را پذیرفته اند ، صورت می گیرد و در واقع تهییج عرف جامعه در تصمیم گیری این مردان بی تأثیر نیست.

از طرفی این قتل ها معمولاً از طرف صاحبان مشاغل خاص که مدت طولانی تری در خانواده غیبت داشته اند و اصولاً فرهنگ خاص تری از جمله «تعصب» دارند صورت گرفته بود.

اما در مورد تأثیر موادی مثل ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی باید گفت وقتی قانون در این مواد به نوعی مرد را مالک زن قلمداد می کند و برای مرد حق مجازات خصوصی و رای وجود دادگستری عمومی قائل می شود ، در عمل مردان پا را فراتر نهاده و حق مضاعفی برای خود قائل شده اند و بی توجه به مختصات خاص این نوع علل موجه تصریح شده در قانون ، این نوع قتل ها نه در فراش بلکه براساس یک گمان بیمارگونه و به پشتوانه عرف جامعه و قانون مبهم در هر زمان و مکان و به منظور انتقام جوئی

شخصی صورت می گیرد.

ضمن این که هر کدام از این مجرمین دلایل و شرایط خاص خود را برای قتل ها داشته اند و این مسئله لزوم توجه به پرونده شخصیت و فردی کردن مجازات آنان را ضروری می سازد.

در مورد طرح جمع آوری منابع حقوق جزا و جرم شناسی چه کاربردی مورد نظر بود؟

- این طرح که در سال ۱۳۸۰ اجرا گردید به منظور معرفی آخرین ره آوردهای علمی به دانشجویان ، مراکز پژوهشی ، سازمان زندان ها و وزارت خانه های مربوط بود که می توانست در جهت برنامه ریزی های علمی مربوط به جرم شناسی و راه های پیشگیری از جرم مؤثر و مفید باشد که متأسفانه ادامه نیافت.

چه عاملی مشوق شما در اجرای طرح دختران فراری و چاپ کتابی با همین عنوان بوده است؟

- در دیدارهایی که با ستاد امر به معروف و نهی از منکر و زندان زنان شیراز و مسئولین این نهادها داشتم. آنان از فراگیر شدن این آسیب و لزوم ارائه راهکارهای پیشگیرانه و ضرورت بررسی آسیب شناسانه آن خبر می دادند. پس از طرح مطلب در دانشگاه به دلیل تابو بودن این نوع آسیب ها در سال های ۸۰-۷۹ پس از گذشت شش ماه با اجرای این طرح موافقت گردید. این طرح با جامعه آماری ، شامل ۱۰۰ دختر فراری مستقر در پارک های شهر تهران و به کمک دانشجویان به صورت مصاحبه کیفی انجام پذیرفت. در این طرح دانشجویان در قالب دختران فراری با سوژه ها ارتباط برقرار می کردند. از آن جایی که معمولاً این دختران از شهرستان ها به تهران می گریختند این طرح فقط در شهر تهران انجام پذیرفت. ره آورد کلی تان در این طرح در مورد پدیده دختران فراری چه بوده است؟

- علی رغم تبلیغات در مورد فروپاشی مفهوم خانواده در غرب در طرحی که از طرف سازمان ملل علیه خشونت صورت گرفت در ۱۵۰۰ پرسشنامه از کودکان پیش دبستانی خواسته شد که در یک

نقاشی خانواده را ترسیم کنند . از بین این تعداد ۱۴۰۰ کودک یک پدر ، یک مادر ، دو فرزند پسر و دختر و یک حیوان خانگی را در کنار شومینه ترسیم نموده بودند که نشانگر اهمیت مفهوم خانواده در میان کودکان است. هرچه خانواده ها به شکل منسجم تر و کاربردی تر نقش های خود را برای کودکان به نمایش بگذارند ، چنین آسیب هایی قابل کنترل تر خواهد بود.

عدم آگاهی خانواده ها از نقش والدگری ، بی توجهی نسبت به آموزش این نقش از طریق رسانه ها و مراکز آموزشی ، مسائل اقتصادی خانواده ها ، وجود تبعیض بین دختر و پسر در ارائه امکانات آموزشی و تفریحی ، عدم آموزش خودکنترلی و مهارت های نه گفتن به نوجوانان ، رفتار محدود کننده و تحکم آمیز پدر و برادر بزرگتر که از طرف خانواده حمایت می شود از جمله عوامل تأثیرگذار بر این پدیده هستند.

در یک جمع بندی کلی چه راه کارهایی را برای پیشگیری از این آسیب اجتماعی پیشنهاد می کنید ؟ - نقش تربیت خانواده در نهادینه کردن صبوری و خویشنداری در کودکان به آنان کمک می کند بدون توسل به خشونت و یا رفتارهای قهرآمیز به حل و فصل مسائل خود بپردازند.

عشق و محبت عمیق بین والدین و فرزندان می تواند مانعی برای ابراز خشم و خشونت فرزندان باشد.

از طرفی اصلاح راهبردهای مسائل کلان جامعه مثل به سامان ساختن وضعیت اقتصادی و فرهنگی ، ارائه راه کارهای حمایتی اجتماعی همچون وجود خانه های امن و مراکز مشاوره در محلات و آموزش خانواده ها در جهت ایفای صحیح نقش والدگری از جمله راه کارهای پیش روست.

طرح خشونت علیه زنان چگونه اجرائی شد و ره آورد آن چه بود؟

- این طرح توسط مرکز امور مشارکت زنان با ۳۰۰۰ پرسشنامه در چهار استان کردستان ، سیستان و بلوچستان ، بوشهر ، گلستان و جنوب شهر تهران عملیاتی شد که متأسفانه چون در آن



عدم آگاهی خانواده ها
از نقش والدگری
بی توجهی نسبت به آموزش
این نقش از طریق
رسانه ها و مراکز آموزشی،
مسائل اقتصادی خانواده ها
وجود تبعیض بین دختر
و پسر در ارائه امکانات
آموزشی و تفریحی
عدم آموزش خودکنترلی
و مهارت های نه گفتن
به نوجوانان، رفتار محدود
کننده و تحکم آمیز
پدر و برادر بزرگتر از جمله
عوامل تأثیرگذار بر پدیده
فرار دختران است.

- این طرح از طرف UNDP سازمان ملل به مرکز مطالعات بین الملل به ریاست دکتر نسرين مصفا پیشنهاد شده بود که بخش آموزش تجربی حقوق آن پس از یک دوره آموزشی در دانشکده کوازولو ناتال در دوربان آفریقای جنوبی در مؤسسه جزا و جرم شناسی توسط من اجرا گردید.

در سال ۸۸-۸۷ طرح کلینیک های حقوقی در مؤسسه جرم شناسی با همکاری دانشجویان آموزش دیده و مددکاران اجتماعی اجرا گردید.

آموزش کلینیکی حقوق با هدف اصلی آماده سازی دانشجویان برای کار عملی و ارتقاء مهارت ها و ارزش نهادن به

زنان از این موقعیت ها تشخیص داده بودند. در حالی که در کشورهای توسعه یافته علاوه بر اعلام هشدارهای لازم در مورد خشونت دیدگی در محل های عمومی و آموزش راه کارهای مقابله با خشونت از جمله رجوع به دادگاه و یا اورژانس های اجتماعی، خانه های امن نیز در مورد سکونت این زنان بسیار فعال عمل می کند. اجرائی شدن این طرح می توانست به نفع زنان آسیب دیده از خشونت خانگی باشد.

در مورد طرح تشکیل دادگاه های مجازی و کاربردهای آن توضیح بفرمایید.

زمان مسئولین وقت طرح مسئله را مناسب ندیدند، هیچ گونه اطلاعاتی از این طرح منتشر نگردید. اما مقاله راهکارهای پیشگیری از خشونت که در مجله رفاه اجتماعی چاپ شد، ره آورد آن طرح است که با دستور آقای خاشی در استان های دیگر نیز اجرا گردید.

آیا هیچ اقدام عملی در ارتباط با این طرح صورت گرفت؟

- اگرچه شهرداری هتل هایی را برای اسکان موقت زنان خشونت دیده معرفی نمود اما اقدامات شهرداری به شکل عمومی اعلام نگردید و وجود خانه امن ریحانه هم در سطح وسیع اطلاع رسانی نشد و ظاهراً دلیل آن را سوء استفاده



خدمات حقوقی و عدالت اجتماعی شروع به کار کرد. پیش فرض این نوع یادگیری این است که آموزش حقوق باید با مهارت های خاص و روش های تدریس ترکیبی و تعاملی صورت گیرد. در این روش آموزشی دانشجویان و اساتید راهنمایان به ایفای نقش می پردازند و عملاً با تجربیات وکالت و قضاوت واقعی آشنا می شوند. و ضمن تجربه کردن مهارت های وکالت با موکلین واقعی که از جمله محروم ترین افراد جامعه هستند، آشنا می شوند.

دانشجویان در این کلاس ها مهارت ها، ارزش ها و اخلاق کاری را می آموزند و این افراد آموزش دیده بدون هزینه مالی و تحت هر شرایطی، اجرای قانون را تضمین می نمایند.

علی رغم کاربرد ویژه این کلینیک ها در حال حاضر آموزش آن راکد مانده است اما مقاله آن در شماره ۲ بهار ۱۳۸۸ مجله حقوق و مصلحت ارگان مجمع تشخیص مصلحت نظام چاپ گردید.

در طرحی پژوهشی که مرتبط با زنان زندانی بود، جایگزین های مجازات حبس زنان و شیوه های حمایت از محکومان زن در فرآیند اجرای مجازات حبس در ایران، دغدغه های اجتماعی تان بود. ره آورد آن چه بود؟

- افزایش جمعیت کیفری در زندان ها و نبود راهکارهای علمی برای اصلاح مجرمین در دوران حبس که از عالی ترین اهداف مجازات های سالب آزادی است، همچنین آسیب پذیری کودکان زندان زندانی و تسهیل شرایط بزهکاری این کودکان به دلیل برچسب مجرمیت مادران و عدم حضور آنان در خانه موجب گردید که به دنبال یافتن شیوه های حمایتی از این زنان در زندان ها و خانواده هایشان در بیرون زندان برآییم. این طرح به کمک دانشجویان علاقه مند در سه زندان اوین، رجائی شهر و خورین عملیاتی شد.

در این طرح در زندان های اوین و رجایی شهر مددجویانی که مدت های طولانی منتظر محاکمه بوده اند با گرفتن وکلای داوطلب برای آنان مدرسانی شدند و با

گزارش وضعیت مددجویانی که به دلیل وضعیت خاص خواهان عفو و بخشودگی بودند به کمک قاضی مظفری که از قضات خوشنام و بسیار فعال در این حوزه بودند، اقدامات مثبتی صورت گرفت. اما زندان کوچک خورین در شهرستان ورامین با فقدان امکانات آموزشی و بهداشتی فراوانی روبه رو بود.

تجهیز این زندان به یخچال، تلاش برای سرپوش گذاری کانال فاضلاب که از کنار حیاط زندان زنان می گذشت، تجهیز کتابخانه به کامپیوتر و کتاب های سودمند.

در اختیار گذاردن وسائل ساخت عروسک و آموزش آن توسط ۲ زندانی آموزش دیده در زندان اوین در جهت توانمندسازی این زنان، شناسایی مددجویانی که فرزندان دانشجو داشته اند به منظور تهیه هزینه تحصیلی برای آنان. کسب رضایت شاکیان و اولیاء دم مددجویان زن، برگزاری دو بازار نروزی در محیط زندان، پی گیری شرایط زندانیان بیمار در زمینه درمان. تهیه امکانات تغذیه ای و بهداشتی برای

کودکانی که با مادرانشان در زندان زندگی می کنند از جمله اقدامات عملی این طرح بود. با توجه به دشواری های اجرای مجازات سالب آزادی (حبس) در مورد زنان و خطرهای احتمالی و جرم زا برای خانواده هایشان، اجرای طرح جایگزین های حبس برای زنان لازم و ضروری به نظر می رسد.

علاوه بر آن طرحی نیز در ارتباط با خانواده های زندانیان طویل المدت و محرومین به شکل میدانی صورت گرفت که به بررسی خانواده آسیب پذیر از منظر روان شناسی توجه شده بود. این طرح نظریه بزهکاری بین نسلی را ثابت نمود. وجود ضعف های اقتصادی در این خانواده ها، وجود برچسب مجرمیت بر خانواده، عدم دسترسی به امکانات مشروع، و تسهیل کسب فرصت های نامشروع توسط مجرمین سازمان یافته در مورد خانواده های مددجویان به عنوان ره آوردهای این طرح قابل بحث است.

به کدامیک از طرح ها و کتاب های تان بیشتر علاقه مند هستید؟

فکر می‌کنم
زنان مظهر
بی‌عدالتی‌های
مضاعف هستند
اما صدایشان در
جامعه کوتاه است
و معمولاً شنیده
نمی‌شود خواستم
صدائی رساتر
برای زنان محروم
جامعه‌ام باشم.



نمی‌شوند. با تغییر مسئولین و سلیقه های آنان یک طرح پژوهشی که معمولاً هزینه های انسانی و مالی زیادی نیز صرف آن شده است، کنار گذاشته می‌شود.

معمولاً طرح های پژوهشی نهادهای مردمی کارآیی بیشتری دارند.

توصیه شما برای پیشبرد اهداف اصل ۲۱ قانون اساسی چیست؟

- به نظر می‌رسد که همکاری نهادهای غیردولتی و مراکز پژوهشی می‌تواند کارساز باشد. توان علمی مراکز پژوهشی و قوه اجرائی نهادهای غیر دولتی و مسلماً حمایت ارگان های دولتی می‌تواند در پیشبرد اهداف اصل ۲۱ قانون اساسی در جهت احقاق حقوق زنان مؤثر و مفید باشد.

و طرح های پیش رو؟

- یک طرح در مورد خشونت علیه زنان در محیط کار با ۶۰۰ مصاحبه میدانی انجام پذیرفته است که نتایج آن در دست چاپ می‌باشد ■

بابت قبول مصاحبه از شما متشکرم.

بزهکاری کودکان وجود دارد؟

- زنان و کودکان از ارکان اصلی خانواده و البته آسیب پذیرترین آن هستند مسلماً سلامت جسمی و روانی مادر و آموزش او نتیجه مثبتی در جهت پیشگیری از بزهکاری اطفال دارد. مادران سالم و آگاه فرزندان مصون تر نسبت به انحراف تربیت می‌کنند.

با توجه به پایان نامه های متعدد دانشجویان رشته مطالعات زنان که با راهنمایی یا مشاوره شما دفاع شده است، آینده این رشته را چگونه می‌بینید؟

- با توجه به وضع موجود آینده خاصی وجود ندارد به دلیل وجود مسائل فرهنگی تا زمانی که عرف جامعه ترمیم نشود رشد این رشته اگر نه غیر ممکن لاقابل بطئی خواهد بود. ضمن این که اصولاً جایگاه این رشته و کاربردهای آن در جامعه تعریف نشده است.

با توجه به اصل ۲۱ قانون اساسی در مورد ارتقاء حقوق زنان، آیا مسائل مربوط به زنان اجرائی شده است؟

- پاسخ منفی است. چرا که طرح ها معمولاً مقطعی هستند و عملیاتی

- پژوهش همسرکشی چه از نظر ره آوردهای آن و چه از نظر تجربی بهترین پژوهش من محسوب می‌شود.

اما کتاب حقوق خانواده در اسلام که به مدت ۲ سال روی آن کار کردم و از آن جایی که باید با توجه به تمام وجوه حقوقی، آن را به زبانی ساده برای نوجوانان نوشتم، برایم از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

بسیاری از دانش آموزان با خواندن این کتاب علاوه بر استفاده آن در زندگی خصوصی‌شان و ارائه ره آوردهای آن در میان روستاهای محروم در اموری مثل کارشناسی نفقه به کار مشغول شدند.

این کتاب اغلب توسط NGO ها به زنان تحت حمایت معرفی می‌شود. از جمله در عودلاجان که منطقه ای محروم در جنوب تهران است این کتاب به زنان و مادران آسیب پذیر از طرف NGO های مربوط به زنان و کودکان ارائه گردیده است.

با توجه به این که بسیاری از مطالعات شما در مورد زنان و کودکان است آیا رابطه معناداری بین بزهکاری زنان و



پدیده نوظهور کودک - بی‌وه

(نقدی بر ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده)

بر توانمندی کودک به لحاظ جسمانی و جنسی (ونه بلوغ فکری واجتماعی) ثبت ازدواج صورت می‌گیرد. درحالی که ازدواج از یک سو نیاز به بلوغ فیزیکی و بدنی و از سوی دیگر نیاز به بلوغ روانی و عاطفی دارد. مسلماً این بچه‌ها نمی‌توانند خودشان را با این شرایط وفق بدهند و هماهنگی با این شرایط برایشان سخت است و به سختی می‌توانند به یک رابطه برابر و مناسب حتی در مناسبات جنسی نیز دست یابند.

بسیاری از این بچه‌ها بویژه دختران فکر می‌کنند این هم یک «بازی» است و اصلاً فکر نمی‌کنند که وارد یک چرخه جدی شده‌اند. فرآیند کودکی این بچه‌ها سرکوب می‌شود و کل جامعه در این سرکوب نقش دارد. اگر بپذیریم که یکی از دلایل طلاق در میان بزرگسالان نداشتن آگاهی و عدم برخورداری از مهارت‌های زناشویی و زندگی مشترک و نداشتن مهارت برقراری ارتباط سالم، موثر و سازنده است، کودکی که هنوز رشد فیزیکی و اجتماعی‌اش کامل نشده

در دختران و ۱۵ سال قمری در پسران) نیز می‌تواند با رضایت ولی کودک (پدر و جد پدری) و تشخیص دادگاه انجام شود. گفتنی است تا پیش از ۱۳۸۱، تشخیص مصلحت فقط به عهده ولی کودک بود و تشخیص دادگاه در آن جایی نداشت. متن قبلی این ماده و تبصره الحاقی به آن مصوب ۱۳۶۱/۱۰/۸ و ۱۳۷۰/۸/۱۴ به خوبی مؤید این مطلب است: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است.» و «عقدنکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می‌باشد.» با رجوع به سابقه امر و واقعیات موجود پرواضح است که این تشخیص بیشتر براساس مصلحت ولی است تا مولی علیه!

به گفته کارشناسان اگرچه در حالت عادی اداره ثبت احوال موظف است این ازدواج‌ها را ثبت نکند، اما رویه مرسوم این است که خانواده این کودکان برای ثبت ازدواج به دادگاه مراجعه می‌کنند و براساس حکم قاضی و گواهی پزشکی قانونی مبنی

مطابق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی (اصلاحیه سال ۱۳۸۱) که بمانند بسیاری از مواد آن قانون برگرفته از قول مشهور فقهاست: «عقدنکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی با شرایط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه.» با این اصلاحیه حداقل سن ازدواج در کشور ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران تعیین شده و قبل از آن سن ازدواج و سن بلوغ یکی بود، اما استثنایی که این اصلاحیه برای معافیت از شرط سن قائل شده بعضاً می‌تواند به زیر سن بلوغ هم برسد که در عمل تفاوتی با قبل از خود پیدا نمی‌کند. ازدواج کودکان هم در سنت و هم در قانون ایران وجود دارد. منتها ازدواج دختر کمتر از ۱۳ سال و پسر کمتر از ۱۵ سال «منوط است به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح». به عبارت دیگر حتی ازدواج کودک قبل از بلوغ یعنی (۹ سال قمری

است جای خود دارد. این در حالی است که برابرقانون مصوب ۱۳۱۳، حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۵ سال و برای پسران ۱۸ سال تعیین شده بود و در شرایط خاص و با ارائه گواهی دادگاه، دختران از ۱۳ سالگی و پسران از ۱۵ سالگی می‌توانستند ازدواج کنند و از نظر قانونی ازدواج زیر ۱۳ سال کاملاً ممنوع بود، اما این ماده در اصلاحات سال ۶۱ مغایر شرع تشخیص داده شد تا این که سال ۱۳۷۹ با تلاش مجلس شورای اسلامی تغییر پیدا کرد و پس از مخالفت شورای نگهبان، مصوبه مجلس به مجمع تشخیص مصلحت راه یافت و سرانجام در تیر ماه ۱۳۸۱ این ماده به شکل پیشگفته تغییر پیدا کرد.

در سالهای اخیر بر اساس آمار ارائه شده تعداد ازدواج‌ها و به ویژه طلاق‌های کودکان زیر ۱۴ سال بسیار زیاد و به مرز هشدار رسیده است و چندی است مورد توجه کارشناسان و فعالان حقوق کودک شده است، هر چند از نگاه برخی کودک به فردی گفته می‌شود که به سن بلوغ نرسیده است، لذا به زعم آنان دختران بالای ۹ سال و پسران بالای ۱۵ سال قمری کودک محسوب نمی‌شوند.

از سال ۸۵ تا سال گذشته، ۸۵ هزار و ۲۰۰ واقعه طلاق بین افراد زیر ۱۹ سال کشور صورت گرفته که از این تعداد ۴۰۰۰ واقعه مربوط به کودکان دختر زیر ۱۴ سال است. فرسید یزدانی، فعال حقوق کودکان در گفت‌وگو با ایسنا، با استناد بر این آمارها که از سوی سازمان ثبت احوال اعلام شده، اظهار داشت: «از سال ۸۵ تا ۹۰، ۶۱۶ هزار واقعه طلاق در کشور رخ داده است که ۸۱ هزار و ۵۰۰ واقعه از این تعداد مربوط به دختران زیر ۱۹ سال و ۷۷۰۰ واقعه مربوط به پسران زیر ۱۹ سال است، بنابراین طبق این آمار ۱۳ درصد طلاق‌های کشور طی آن سال‌ها مربوط به دختران زیر ۱۹ سال و ۱/۵ درصد مربوط به پسران زیر ۱۹ سال است، این آمار در بین کودکان دختر بسیار بالا بوده و به هیچ وجه آمار مناسبی نیست.» یزدانی همچنین به آمار ازدواج کودکان در طول سال‌های ۸۵ تا ۹۰ اشاره کرد و گفت: «یک میلیون و ۸۵۹ هزار واقعه ازدواج در میان افراد زیر ۱۹ سال طی آن سال‌ها صورت گرفته است که از

این تعداد یک میلیون و ۵۸۹ هزار کودک دختر و ۲۷۰ هزار کودک پسر وجود بوده اند. از میان ازدواج‌های صورت گرفته در سال‌های یاد شده، ۲۰۱ هزار و ۲۰۰ واقعه مربوط به کودکان زیر ۱۵ سال بوده است، ۱۹۶ هزار واقعه ازدواج از این تعداد مربوط به کودکان دختر زیر ۱۴ سال و پنج هزار و ۲۰۰ واقعه مربوط به پسران زیر ۱۵ سال بوده است.» وی وضعیت ازدواج در میان دختران زیر ۱۴ سال را بسیار نامناسب دانست و خواستار ممنوعیت ازدواج در بین کودکان، به ویژه کودکان زیر ۱۴ سال شد. یزدانی در این خصوص افزود: «این موضوع باید توسط نهادهای مدنی و حاکمیتی مورد توجه قرار گیرد و با تصویب قانون به شکل جدی با آن برخورد شود.» (روزنامه اعتماد، شماره ۲۶۵۲ به تاریخ ۹۲/۱/۲۶، صفحه ۱۳ (جامعه))

این عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان در گفت‌وگو با مهر نه تنها افزایش آمار ازدواج در میان کودکان ده تا هجده ساله را تأیید می‌کند، بلکه این افزایش آمار را در مقوله طلاق در این محدوده سنی نیز کارآمد دانسته و می‌گوید: «بنا بر آمار ثبت احوال در سال ۸۹، ۴۲ هزار ازدواج کودکان ده تا چهارده سال به ثبت رسیده و به دنبال آن، طلاق و جدایی نیز در میان کودکان افزایش داشته است؛ از سال ۸۴ تا ۸۹ نزدیک ۴۵ درصد ازدواج و طلاق در میان کودکان افزایش یافته و آمار سال ۸۹ نشان می‌دهد که ۳۷ هزار کودک ده تا هجده سال مطلقه و بیوه در کشور وجود دارد. به گفته وی ازدواج و طلاق در میان کودکان ۱۰ تا ۱۸ سال طی چند سال اخیر افزایش یافته و براساس آمار ثبت احوال در سال ۸۹ بیش از ۴۲ هزار ازدواج کودکان ۱۰ تا ۱۴ سال به ثبت رسیده است و در سال ۹۰ ازدواج دختران زیر ۱۵ سال نسبت به سال ۸۹ افزایش ۴۹ درصدی داشته است.» همچنین به گفته وی آمار سال ۸۵ حدود ۲۵ هزار کودک مطلقه را نشان می‌دهد که از این میزان ۱۵ هزار در نقاط روستایی و مابقی در نقاط شهری بوده است. قابل توجه اینکه تعداد حدود ۱۲ هزار کودک نیز در این سال مشاهده شده‌اند که همسرشان فوت کرده است که آمارش در نقاط شهری بیشتر

است. در یک تقسیم بندی جنسیتی می‌بینیم که از این ۲۵ هزار کودک مطلقه نزدیک به ۱۵ هزار تایشان پسر هستند و مابقی دختر. اگر بخواهیم در رده سنی ۱۰ تا ۱۴ سال آمار سال ۸۵ کودکان مطلقه را داشته باشیم در مجموع قریب به ۱۴ هزار کودک مطلقه در این سن وجود داشته است که با احتساب بیش از ۴ هزار کودک همسرمرده می‌توان گفت که حدود ۱۸ هزار کودک بیوه در سال ۸۵ زندگی می‌کرده‌اند و اگر سن میان ۱۰ تا ۱۸ سال را مدنظر قرار دهیم تعداد ۳۷ هزار بیوه کودک در کشور وجود دارد. براساس آمار کلی سال ۸۶ تا ۸۹ در میان دختران هر سال به طور متوسط ۸۰۰ کودک ۱۰ تا ۱۴ سال طلاق گرفتند و حدود ۱۵ هزار کودک ۱۵ تا ۱۹ سال طلاق گرفته‌اند. آمار مربوط به پسران نیز براساس همین نسبت تغییر می‌کند. هر چند رقم کل طلاق زیر ۱۵ ساله‌ها عمدتاً دختران بودند.

موضوعی که در میان این ارقام جلوه می‌کند این است که بحث طلاق کودکان تابعی از فرآیند کلی طلاق در کشور است. نسبت کل طلاق‌ها در کشور حدود ۳۷ درصد از سال ۸۶ به ۸۹ افزایش یافته است که همین آمار در میان کودکان ۳۸ درصد است که تفاوت معناداری ندارد و یکسان هستند و از سوی دیگر هر چند نسبت این ازدواج‌ها معمولاً در حاشیه شهرهای بزرگ، شهرهای کوچک و روستاها بیشتر است و تعداد ازدواج‌های کودکان به دلیل رسم و رسومات سنتی در مناطق روستایی بیشتر از نقاط شهری است، اما با توجه به مهاجرت روستاییان به شهرها آمار ازدواج کودکان در نقاط شهری ۵۵ درصد و در روستاها ۴۵ درصد است.

کارشناسان با گلایه از خلاء برنامه‌ای جدی برای کاهش ازدواج اجباری کودکان و نوجوانان در سنین پایین گفته‌اند که نزدیک ۹۰ درصد ازدواج‌های در سنین پایین دختران کودک هستند. در سال ۸۹، ۱۳۱ دختر زیر ۱۵ سال با مرد بالای ۵۹ سال ازدواج کرده است. در سال ۸۸ هم ۱۰۰ دختر زیر ۱۵ سال با مردان بالای ۵۰ سال ازدواج کردند. به زعم اینان هر چند ازدواج کودکان به خودی خود غیر قابل قبول است،



اما نکته تلخ تر ماجرا این است که وجه غالب ازدواج کودکان، به خصوص دختران، با کودکان نیست بلکه ازدواج کودک با بزرگسال است.

آمارهای سال ۸۹ در مورد ازدواج کودکان کمتر از ۱۰ سال تعجب برانگیزتر است. مدیر کل ثبت احوال استان تهران گفته در سال ۹۰، ۷۵ دختر یا پسر که کمتر از ۱۰ سال داشته اند ازدواج کرده اند و به گواهی آمارهای رسمی در سال ۸۹ بیش از ۵۴۰ نفر در سیستان و بلوچستان، ۱۶ نفر در آذربایجان غربی و ۳۴ نفر در خوزستان در سن کمتر از ۱۰ سال ازدواج کردند. علاوه بر این برخی تحقیقات و روایت‌های محلی حتی نشان می‌دهد که آمارهای ثبت احوال صرفاً بخشی از آمار واقعی ازدواج و طلاق کودکان را نشان می‌دهد و تعداد ازدواج کودکان محدود به آمار ثبت شده نیست، زیرا در روستاها و برخی شهرها و خرده فرهنگ‌های محلی در نقاطی از کشور کودکان متعه (صیغه) می‌شوند و سال‌ها بدون ثبت رسمی ازدواج زندگی می‌کنند. با انتشار و درز این آمار و اخبار به بیرون، مسئولان و متولیان امرطفی از سیاست تشکیک و تایید وصحه گذاری را در پیش گرفتند، اما کسی در مقام تکذیب آن بر نیامد. بدین ترتیب در کنار واژگانی چون «کودکان کار»، «کودکان خیابان»، «کودک-همسر»، «کودک-والد» و...، بتازگی واژه «کودک-بیوه» نیز به مرور در حال جاخوش کردن در میان فرهنگ واژگان ماست و چشممان به جمال این پدیده نوظهور روشن شده است! آن هم در شرایطی که امروزه افزایش سن ازدواج و ازدواج‌های دیر هنگام جوانان به یک معضل و چالش تبدیل شده است، اخبار و آمار تکان دهنده و شوک آور ازدواج‌های زودرس و اجباری زنگ خطر را به صدا در آورده و باتداعی ضرب المثل «از آن طرف بام افتادن» می‌رود تا به معضل و چالشی به مراتب بدتر و وخیم تر از معضل پیشگفته تبدیل شود. در شرایطی که جامعه با افزایش سن ازدواج، خطر تجرد قطعی برای زنان، تشکیل خانواده‌های تک نفره، طلاق بزرگسالان و مسائلی از این دست رو به رو بوده و عملاً راهکاری برای ترغیب بیشتر جوانان به ازدواج یافت نشده است، اخبار و آمار از این دست نشانه چیست؟

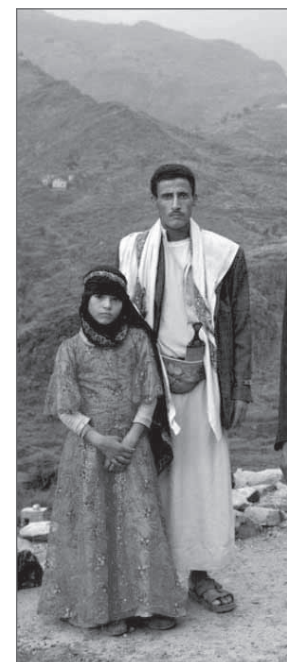


درصد توضیح سخنان خود برآمده و علت افزایش آمار ازدواج‌های زود هنگام را ثبت ازدواج‌های شرعی در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰، به منظور برخورداری از امکانات و تسهیلات اجتماعی نظیر دریافت یارانه، سهام عدالت، دریافت گذرنامه برای سفرهای زیارتی و... ذکر کند. به عبارتی دیگر، ظاهراً اختصاص یارانه به خانواده‌های ایرانی، جدای از اطلاعات نادرستی که برخی از متقاضیان دریافت آن برای قرار گرفتن

این آمار در شرایطی بیان می‌شد که ظاهراً جامعه پیش زمینه‌ای برای شنیدن آن نداشت، چرا که آمار تفکیکی سال‌های قبل به این میزان نبوده و به تبع آن به این شدت رسانه‌ای نشده بود تا شنیدن آن برای برخی حکم شوک داشته و این گونه به نظر برسد که پدیده‌ای نو در حال وقوع است؛ اینجا بود که سیل پرسش‌های مطرح در سطح جامعه، موجب شد که رئیس ثبت احوال استان تهران به سرعت

«ازدواج معوقه» را عامل این افزایش دانست تا از یک سوز تندی آمار ارائه شده بکاهد و از سوی دیگر، پای درد دیگری را هم به ماجرا باز کند؛ ازدواج‌هایی که شرعی هستند، اما ثبت قانونی نشده و در برخی استان‌های کشورمان بیشتر رواج دارند! بدین ترتیب در شرایطی که ازدواج‌های زودهنگام در استان‌های جنوبی و مرزی کشور مشهود بوده و انکارناپذیر به نظر می‌رسد، به گواه مسئولان سازمان ثبت احوال، ازدواج‌های شرعی اما قانونی نشده‌ای در حال وقوع است که اصطلاحاتی مانند «ازدواج معوقه»، زاییده وجود آنهاست؛ البته اثبات این واقعیت برای کسانی که سکونت در برخی شهرستان‌های محروم سیستان و بلوچستان و یا مناطق مشابه را تجربه کرده‌اند، زیاد سخت نیست، چرا که کم نیستند کسانی که شرعی بودن ازدواج را تنها ملاک رسمی بودن آن می‌پندارند. با توجه به سن کم کودک این آمار به‌ظاهر کم، بسیار زیاد است. وقتی این رقم‌ها را نسبت به کل ازدواج‌هایی که در کشور صورت می‌گیرد مقایسه کنیم روند افزایشی را می‌بینیم که یک پدیده قابل توجه است و با توجه به پیامدهای جدی آن بر خانواده، اجتماع و روی خود افراد، نیاز به یک بررسی دقیق دارد.

برخی صاحب‌نظران ادعان دارند که با صرف اتخاذ راهکار قانونی نمی‌توان با این معضل مقابله کرد، گرچه قانون می‌تواند سن ازدواج را افزایش دهد و ثبت احوال موظف شود ازدواج‌های زیر سن بخصوص را متوقف کند، اما این موضوع سبب بروز ازدواج‌های ثبت نشده در بسیاری از نقاط می‌شود. و معتقدند راهکارهای این موضوع را باید در حوزه سیاستگذاری کلان جامعه جست‌وجو کرد و قانون کاری ساخته نیست و باید فرهنگ را تغییر داد، اما برخی دیگر با اعتقاد به نقش قانون در امحا یا ابقای خشونت علیه زنان و دختر بچه‌ها جایگاه خاص و متمایزی را برای آن قائلند و معتقدند قانون باید چندپله بالاتر از فرهنگ جامعه بایستد تا بتواند آن را به دنبال خود بالا بکشد. بدین ترتیب قانون با مهر تأیید نزدن بر مناسبات و روابط و آداب و رسوم و سننهای قومی و قبیله‌ای غلط و صحنه نگارندن بر آن و یا حداقل عدم صدور مجوز انواع خشونت‌ها و تبعیض‌ها می‌تواند بر فرهنگ جامعه



آن به وقوع می‌پیوندد؛ پس چگونه است که مشکلی به این اندازه وسیع (به آمار چند صد هزار نفری پسران و دخترانی که در سنین تحصیل ازدواج کرده اند دقت کنید) تا کنون نامکشوف مانده است؟ البته سازمان ثبت احوال در گزارشی که به منظور روشن‌گری دلایل این افزایش منتشر کرد، تلویحا این شائبه را رد کرده و با طرح موضوع ثبت رسمی ازدواج‌های شرعی صورت گرفته در سال‌های گذشته،

در خوشه‌بندی بهتر ارائه دادند، توانسته بخشی از ناگفته‌های جامعه را آشکار سازد؛ ناگفته‌هایی که سال‌هاست پنهان مانده و هنوز هم معلوم نیست تا چه اندازه آشکار شده است. مگر نه این که پذیرش این آمار (چه شرعی باشد اما قانونی نشده باشد و چه هر دو شرط را داشته باشد) به معنی محروم شدن برخی از افراد جامعه از تحصیل بوده و به دنبال آن، فقر آموزشی رخ داده و سلسله معضلات بعدی به دنبال

تاثیر گذاشته و به مرور به اصلاح تفکرات و نگرشها و رفتارها بیانجامد. بدین ترتیب اینان در مجموعه تدابیر نقش و جایگاه قانون را پررنگ تر می بینند. از سوی دیگر برخی بر اتخاذ همزمان و به موازات هم این تدابیر تاکید دارند و نقش و تاثیر قانون و فرهنگ را بر یکدیگر متقابل می دانند و از آنجایی که این پدیده تک عاملی نیست، به نظر می رسد اتخاذ مجموعه ای از تدابیری که برای مقابله با انواع خشونت علیه زنان و دختران از سوی کمیته رفع تبعیض علیه زنان سازمان ملل در توصیه نامه عمومی شماره ۱۹ پیشنهاد شده است (تدابیر آموزشی و بازدارنده، تدابیر قانونی و تدابیر حفاظتی - حمایتی) می تواند در کاهش و نهایتاً منع وریشه کنی آن راهگشا باشد. کارشناسان معتقدند کم توجهی بسیاری از فعالان حقوق زنان و کودکان و نبود نهاد متولی کودکان در کشور باعث شده امور کودکان در حاشیه رها شود و این در حالی است که ازدواج ناپهنگام کودکان به ویژه دختران تحت تاثیر شدید عقب ماندگی جامعه قرار دارد و در مقابل آن با پیشگیری از ازدواج زودرس و نامطلوب می توان بسیاری از کودکان را از ورطه فقر و محرومیت رها ساخت. به زعم اینان نه مبنای قانونی محکمی داریم که از این اتفاق ناخوشایند جلوگیری کند و نه دغدغه‌ای جدی در بین سیاست‌گذاران برای جلوگیری از آن وجود دارد و شرایط اقتصادی و اجتماعی، از قبیل گسترش روزافزون نابرابری‌ها در جامعه نیز به این مسئله دامن می‌زند و این مسئله مانند بسیاری دیگر از مسائل کودکان کشور لاینحل به نظر می‌رسد.

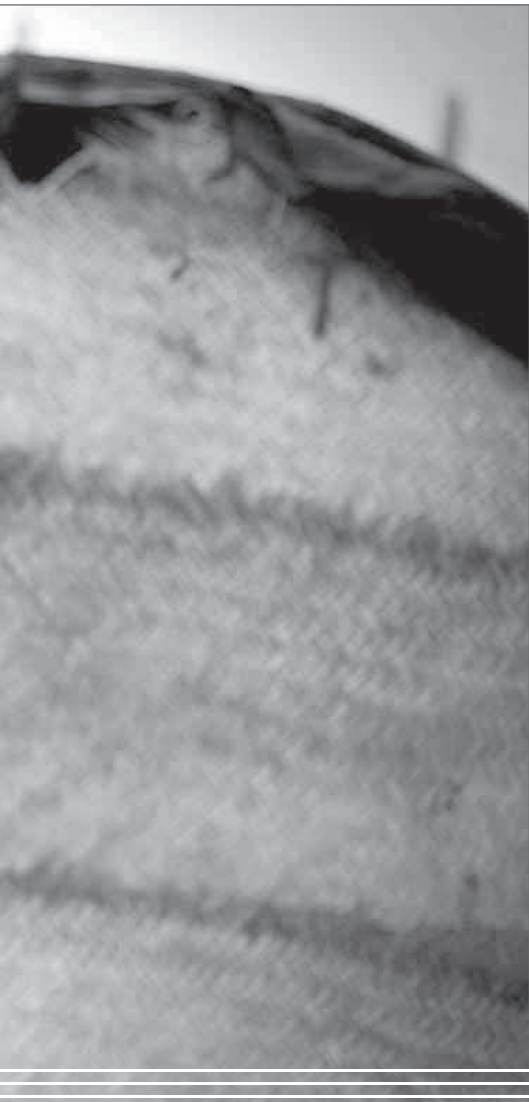
با این اوصاف در سالهای اخیر بسیاری از فعالان مدنی و حوزه حقوق کودک به تصویب قانونی چشم دوخته بودند که عنوان حمایت از خانواده رایدک می‌کشد و امیدوار بودند که با توجه به تغییرات بنیادین اوضاع و احوال، زمینه‌های بروز و ظهور اینگونه اعمال خشن و زیانبار از اساس برچیده شود و امکان سواستفاده از این قربانیان خاموش با منع مطلق قانونی از میان برود که بالاخره پس از فراز و فرودهای فراوان این قانون بعد از تصویب مجلس و تایید شورای نگهبان از ۱۳۹۲/۲/۷ لازم

الاجرا شد. یکی از مواد این قانون که تحت الشعاع هیاهوی مواد مربوط به تعدد زوجات و تعیین سقف مهریه و... قرار گرفت و بی سروصدا و با کمترین اعتراض به تصویب رسید ماده ۵۰ است که مطابق آن؛ «هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هرگاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود.» «تبصره - هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تاثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.»

در مقایسه بین مفاد این ماده و ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و بازدارنده) که طبق بند ۹ ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده ملغی شد و مطابق آن «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است. چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود»، درمی‌یابیم که قانونگذار فعلی هر چند نظر به تشدید مجازات مرتکبین این اعمال خشونت بار داشته و برای شقوق مختلف آن مجازاتهای جداگانه در نظر گرفته است، اما در مقایسه با ماده ۳ قانون راجع به ازدواج مصوب مرداد ۱۳۱۰ که اتفاقاً با تصویب قانون حمایت خانواده طبق بند ۱ ماده ۵۸ آن ملغی شد، نوعی عقب‌گرد را ملاحظه می‌کنیم: مطابق ماده ۳ قانون مذکور: «هرکس برخلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاجت کند به شش ماه الی دو سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد، در صورتی که دختر به سن ۱۳ سال تمام نرسیده باشد لااقل به دوالی سه سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود و در هر دو مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس به جزای نقدی از دو هزار ریال الی بیست هزار ریال محکوم

گردد و اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوق واقعه منتهی به نقص یکی از اعضا یا مرض دائم زن گردد مجازات زوج از پنج سال الی ده سال با اعمال شاقه است و اگر منتهی به فوت زن شود مجازات حبس دائم با اعمال شاقه است. عاقد و خواستگار و سایر اشخاصی که شرکت در جرم داشته اند نیز به همان مجازات یا به مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است محکوم می‌شوند...» با بررسی دقیق تر این ماده و ماده ۵۰ قانون اخیر التصویب، این نکات قابل تامل به نظر می‌رسد:

۱- ماده ۳ که با استعمال کلمه «هرکس» مرتکب جرم را اعم از زن و مرد می‌دانست، بدلیل مغایرت با ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی که کلمه «مردی» را به کار برده نسخ شده است. بنابراین در حال حاضر ازدواج دختر بالغ با پسر نابالغ جرم نیست.



۲- ماده ۵۰ قانون مجازاتهای مقرر در ماده ۳ رادرشقوق مختلف جرم تخفیف داده است، بویژه زمانی که واقعه منتهی به فوت زن -بخوانید کودک دختر!- گردد حبس دائم با اعمال شاقه را به حبس تعزیری درجه چهار تقلیل داده است.

۳- در قانون سال ۱۳۱۰ برای مشارکین در جرم از جمله عاقد و خواستگار و سایر اشخاص که می تواند شامل پدر دختر هم بشود مجازات متناسب با جرم ارتكابی تعیین شده بود که در تبصره ماده ۵۰ در این خصوص مجازات حبس تعزیری درجه شش تعیین شده است.

۴- ماده ۳ قانون ۱۳۱۰ که در سال ۱۳۱۷ هم اصلاحاتی در این قانون صورت گرفت زمانی مطرح شد که طبق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است.

معدالک در مواردی که مصالحی اقتضا نماید با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است استثنا معافیت از شرط سن اعطا شود ولی در هر حال این معافیت نمی تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.» در حالی که فعلا باذن ولی بارعایت مصلحت و باتشخیص دادگاه می توان دختر را قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسوی به عقد نکاح دیگری در آورد.

۵- در ماده ۵۰ قانون یکی از مجازاتها پرداخت دیه است که در حالتی که دختر بچه فوت می کند این دیه به ولی دم تعلق می گیرد، به عبارت دیگر پدری که شریک جنایت و خشونت علیه دختر خودش است نه تنها مجازات نمی شود، بلکه دستخوش هم دریافت می کند! ماده ۵۰ که در فصل هفتم مقررات کیفری

قرار دارد، در واقع ضمانت اجرای ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی است و مطابق آن قانونگذار تنها در صورتی چتر حمایت نیم بند خود را بر سر این بی پناهان می گشاید که «واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد» و یا «واقعه منتهی به فوت زن منجر شود!» و بدین ترتیب این ماده مهر تایید بر ازدواج های زود هنگام و اجباری می زند و در واقع چنین اعمالی را تجویز هم می کند. قبل از لازم الاجرا شدن این قانون امیدها به سمت شورای نگهبان معطوف گشت تا به دلیل فقدان شرایط لازم برای صحت عقد نکاح و بویژه قصد و اراده در دختری که به سن قانونی از دواج نرسیده است و علی الخصوص عسر و حرجی که در نتیجه نقص عضو یا مرض دائم زن پیش می آید این ماده را خلاف شرع اعلام کرده و با باطل اعلام کردن عقدی که سراسر حرجی و ضرری است یکبار برای همیشه باب این فجایع آشکار را ببندد. اما در آخر اینگونه

نشد و برخلاف منطبق و تمام موازین شرعی و اصول فقهی و عقلی و اخلاقی این ازدواج حمل بر صحت شد و بر خسارات جسمی و مادی و از آن مهمتر خسارات جبران ناپذیر معنوی و روحی و روانی وارده بر این دخترکان چشم فرو بسته شد و معلوم نشد که بالاخره این قانون و قانونگذار در پی حمایت از کدام خانواده است؟ با این سوالات و سوالات دیگر، بسیاری از منتقدان این ماده قانونی و مجازات مقرر را به هیچ وجه بازدارنده و پیشگیرانه و متناسب با جرم و جنایت اعمالی علیه دختر بچه ها و در حمایت از حقوق کودکان نمی دانند و باز هم امیدوارند که در طرح کلان اصلاح قانون مدنی در آینده نزدیک ماده ۱۰۴۱ دستخوش تحول اساسی شده و به دنبال آن ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده نیز سالی به انتفای موضوع گردد. ■

شهیندخت مولاوردی ■



اخبار

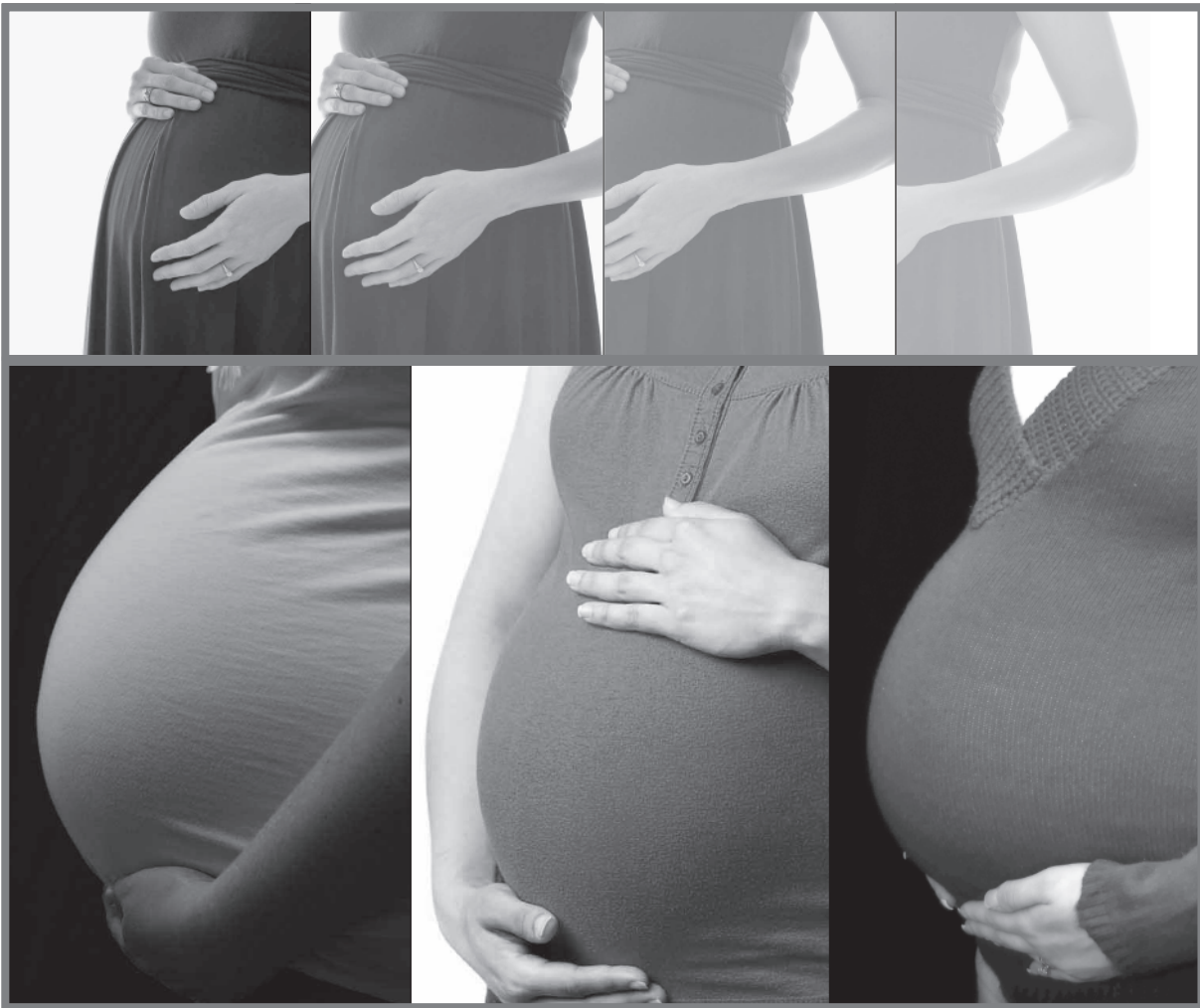
مرگ مادران باردار کشور به ۲۱ در صدهزار رسید

ایسنا: مدیرکل دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت با اشاره به برنامه‌های در دست انجام برای افزایش مراقبت از مادران باردار در کشور گفت: هر مادر باردار یک متولی سلامت در دوران بارداری و تا ۶۰ روز پس از زایمان خواهد داشت و تمام این مراقبت‌ها برعهده ماما خواهد بود.

دکتر محمداسماعیل مطلق با اشاره به اقدامات انجام شده در جهت کاهش مرگ و میر مادران باردار در کشور، گفت: به دنبال انجام این مراقبت‌ها، اخیراً میزان مرگ و میر مادران باردار در کشور به ۲۱ در صد هزار تولد زنده کاهش یافته است و سازمان جهانی بهداشت نیز این مبحث را تایید کرده است. وی به برنامه‌ریزی‌های انجام شده برای افزایش مراقبت‌ها از مادران باردار و بازدید از مراکز گسترش می‌یابد ■

مختلف اشاره کرد و ادامه داد: در این زمینه تاکید ویژه‌ای روی آموزش‌های قبل و پس از ازدواج داریم.

مدیر کل دفتر سلامت جمعیت گفت: طرح مراقبت در دو استان البرز و خوزستان به اجرای آزمایشی گذاشته شده است. بر اساس این طرح تمام اطلاعات مادر مربوطه تحت نظر یک ماما قرار می‌گیرد و مراقبت‌های مربوطه برای وی انجام می‌شود. او افزود: در این طرح اگر مادر بارداری در گروه افراد پرخطر باشد، مراقبت‌های لازم برای وی انجام می‌شود و نوع بیمارستان نیز برای زایمان وی مشخص می‌شود. در صورت موفقیت این طرح در دو استان مذکور در سال ۹۲ و با اجرای برنامه پزشک خانواده به سراسر کشور





نامه زنان به آیت الله یزدی: اینجا خانه خودمان است

شبکه ایران زنان : ائتلاف اسلامی زنان
نامه ای را خطاب به آیت الله یزدی از
فقه‌های شورای نگهبان منتشر کرد.

آیت الله یزدی عضو محترم فقه‌های شورای
نگهبان / با سلام و احترام

در خبرها آمد که حضرتعالی در ارتباط
با ریاست جمهوری بانوان اشاره ای داشته
اید مبنی بر این که «مثل معرفی هست
که کسی می‌خواست وارد روستایی شود،
اصلاً راهش نمی‌دادند وارد روستا شود، اما
می‌گفت «خانه کدخدا کجاست» قانون
اجازه رئیس جمهور شدن را به خانم‌ها
نمی‌دهد...»

توجه حضرتعالی را جلب می‌کنم به نکته
ها بلکه خاطره‌هایی از تاریخ:

۱- این روستا را همین زن‌ها از کدخدای
قبلی (نظام پهلوی) گرفتند. ایران خانه
خود ما زنان است نه خانه کدخدا. ما خانه
را از کدخدای قبلی گرفتیم ولی این مردان
خانه بودند که همه مناصب را به خود
اختصاص دادند که این ارتباطی به اسلام
ندارد. آن زمان که خانه را گرفتیم حتی
هنوز قانونی هم نوشته نشده بود. یادتان
که هست حضرت امام خمینی (ره) درباره
نقش زنان و انقلاب فرمودند: «بانوان ایران،
در این نهضت و انقلاب سهم بیشتری از
مردان دارند» و «این پیروزی را ما از بانوان
داریم قبل از اینکه از مردها داشته باشیم»
و «مردان ما مرهون شجاعت‌های شما
زنان شیر دل هستند». یادآور می‌شود
که این زنان همچنان در صحنه هستند و
راه‌ها را باز می‌کنند. اگر حافظه‌تان یاری
نمی‌کند برگردید به بحث‌های زمان
خبرگان قانون اساسی که در پیش نویس
قانون از شرایط رئیس جمهور نوشته بودند
که رئیس جمهور باید از میان مردان باشد.
اعتراض‌ها بر این نوشته بالا گرفت و در
نهایت برای این که بحث‌ها تمام شده
باشد با درایت شهید بزرگوار آیت الله
بهشتی کلمه «مرد» حذف و به جای آن
«رجال سیاسی» گذاشته شد که در ادبیات
اسلامی به معنای یک «فرد سیاسی» است
و نه یک مرد. همان طور که برای اشاره
به خداوند باری تعالی ضمیر «هو» به کار
می‌رود ولی مرد یا زن بودن از باری تعالی به
دور است و حتی انسان بودن و این ضمیر
صرفاً به دلیل کاربرد آن در ادبیات است،

«رجل سیاسی» هم یک فرد سیاسی است
و نه یک «مرد».

حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار
جمهوری اسلامی فرمودند «زن و مرد،
همه آزادند در این که دانشگاه بروند، آزادند
در اینکه رای بدهند، رای بگیرند.» ار شما
سوال می‌کنم که زنان برای چه باید رای
بگیرند؟ باز هم شما را یادآور می‌شوم به
فرموده‌هایی از حضرت امام که فرمودند:
«زن را مثل مرد در همه شئون، همان
طوری که مرد در همه شئون دخالت دارد،
دخالت می‌دهد، این بانوان را کی بسیج
کرده که در همه شئون کشور دخالت
می‌کنند و دخالت بجایی همه می‌کنند؟
اینها را خدا دعوت کرده است. اینها لبیک
برای خدا دارند می‌گویند. زنان در جامعه
اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه
و ادارات و جلسین به هیچ وجه جلوگیری
نمی‌شود. خیال می‌کنند اسلام آمده است
که فقط زن را خانه نشین کند.»

مقام معظم رهبری در همین راستا
فرموده اند که «برابری زن و مرد و احترام
به مقام زن در اولویت است».

۲- در زمانی که ما زنان از طرف جامعه
زینب (س) بسته پیشنهادی سهم الارث
زن در مقام همسری را به مجلس فرستاده
بودیم تا قانونی شود که سهم زن از «کل
ماترک» باشد و نه از «بنیه و اشجار» فقط.
این حضرتعالی بودید که به مرحوم خانم
بهریزی دبیرکل این تشکل حرف‌هایی به
این مضمون گفتید که «این کارهای شما
خلاف اسلام است، نکنید این کارها را ... و
اسلام را به خطر نیندازید» - مرحوم مریم
بهریزی سخنان شما را به شورای مرکزی
منتقل کردند. و برای مجلس پیام آمد که

اسلام در خطر است. در نهایت با ارجاع
دادن به فرمایشات مقام معظم رهبری
که فرمودند: «در مسأله ارث زن از زمین
و غیرمنقول، نظر فقهی بعضی از بزرگان
قدیم و امروز و نظر فقهی خود ما هم همین
است. عین قیمت آن از زمین بلاشک حق
همسر و زوجه است و ارث می‌برد، اشکالی
هم ندارد.» قانون سهم ارث زنان در مقام
همسری بر خلاف نظر شما تغییر کرد.

۳- همان اوایل پیروزی انقلاب و زمان
تشکیل مجلس بعضی‌ها برای حضرت امام
خمینی (ره) پیغامی داشتند مبنی بر این
که زنان را به مجلس راه ندهیم که این
خلاف اسلام است. حضرت امام پاسخ این
حرف‌ها را ندادند. بعد یک روحانی وقتی
برای کاری دیگر رفته بود این پیغام را به
حضرت امام می‌رساند و بعد پاسخش
را آن طور که نقل شده است این گونه
می‌گیرد که حضرت امام با اشاره دست او
را طرد می‌کند و با نگاهی که غضب هم
در آن است می‌فرماید «این حرف شما
خلاف اسلام است». این دسته از روحانیون
همان‌ها بودند که حضور زنان در انقلاب
را هم خلاف شرع می‌دانستند و حتی
بعضی انقلاب را خلاف شرع می‌دانستند
و بعضی خود دخترانی داشتند که اصلاً
مدرسه نفرستاده بودند زمانی که همسر
حضرت امام زبان فرانسه می‌دانست. اگر
می‌خواهید نام آن دسته از آقایان و نام
آن روحانی را هم بگویم. این خداوند است
که بهترین نگهبان است، در شب آرزوها
(لیله الرغائب) حفاظت از این انقلاب
شکوه‌مند را از حضرتش می‌خواهیم.
و السلام علی من اتبع الهدی ■

توران ولی مراد، دبیر ائتلاف اسلامی زنان

انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری با ۸ نامزد و کاندیدا در تاریخ ۲۴ خرداد با اعلام نتایج شمارش آراء در مرحله اول به نفع حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی پایان یافت.

در این انتخابات ۵۰ میلیون و ۴۸۳ هزار و ۱۹۲ نفر واجد شرایط اخذ رای بودند که از این مجموع، ۶۳۱ میلیون و ۶۳۱ هزار و ۲۰۶ نفر برای اولین بار پای صندوق ها می آمدند. وزارت کشور اعلام کرد که ۱۳۰ هزار صندوق برای اخذ رای تدارک دیده شده است. از تعداد کل ۷۰۰ نفری که برای حضور در صحنه انتخابات ثبت نام کردند، ۳۰ نفر زن بودند. هر چند که با اظهار نظر آیت الله یزدی عضو فقهای شورای نگهبان که زنان نمی توانند رئیس جمهور شوند، اعتراض عدیده ای از جانب زنان صورت گرفت ولی روند ثبت نام زنان به جهت عدم صراحت قانون اساسی در هردوره تکرار می شود تا آن که تفسیر رجل سیاسی مانند زمان تدوین قانون اساسی به معنای شخصیت سیاسی تثبیت گردد. در این دوره رئیس جمهور منتخب دکتر حسن روحانی با کسب ۱۸ میلیون و ۶۱۳ هزار و ۳۲۹ رای در مرحله اول به ریاست جمهوری ایران انتخاب شد. هر چند که کاندیدا های دیگر نظرات خود را نسبت به مطالبات زنان - کم و بیش -

بیان کردند اما نظرات رئیس جمهور منتخب در ذیل می آید تا با امید به آینده شاهد احقاق حقوق زنان و کودکان و خانواده و جامعه ایران باشیم. باشد که رئیس جمهور دوره یازدهم پاسخ شایسته و درخوری به زنان جامعه بدهد.

۱- ایجاد فرصت های برابر:

۱-۱- امروز که نیاز به حرکت جامعه برای رشد داریم باید جمعیت ۵۰ درصدی زنان را مورد توجه قرار دهیم. حتی باید امروز در برخی مشاغل مدیریتی سهمی برای زنان قائل شویم. با یک عقب ماندگی مزمین تاریخی در این زمینه مواجهیم و باید این عقب ماندگی جبران شود. در دولت تدبیر و امید در عرصه مدیریت، جنسیت معیار نخواهد بود.

۱-۲- عدالت به معنای فرصت برابر در فعالیت های علمی، اجتماعی و سیاسی است و دولت تدبیر و امید این برابری را بین مردان و زنان برقرار می کند.

۱-۳- دولت آینده، دولتی است که فرصت های برابری برای زنان و مردان ایجاد می کند. اگر زنان نقش برابری در رشد اجتماعی و توسعه دارند، پس باید دارای حقوق و فرصت های برابری در کنار مردان داشته باشند.

۱-۴- تبعیض برای زنان ما قابل قبول

نیست. جنسیت نمی تواند معیار درستی برای تصدی مسئولیت ها در جامعه باشد. در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری ها باید زنان همانند مردان نقش ایفا کنند.

۱-۵- کاری می کنم دختران احساس امنیت کنند. نخواهم گذاشت ماموری بی نام و نشان از کسی سؤال کند. دختران جامعه خود حافظ حجاب و عفاف هستند.

۱-۶- فرهنگ دنیای وسیعی دارد. در زمینه فرهنگی، بگیرو بیندها جای پای نباید داشته باشد. دنیای فرهنگ، ساز و کار فرهنگی دارد. باید در دنیای فرهنگ، مسائل را از طریق فرهنگی و با ابزار فرهنگی حل کنیم، نمی شود با نیروی پلیس مشکلات فرهنگی را حل کرد.

۲- وزارت زنان:

تشکیل وزارت امور بانوان را در دولت تدبیر و امید پیش بینی کردیم تا حقوق ضایع شده زنان را به آن ها برگردانیم.

۳- بازنگری در فقه اسلامی:

۱-۳- دولت آینده معتقد است که فقه اسلامی در شرایط امروز از سوی حوزه علمیه نیاز به بازنگری دارد و ما از حوزه های علمیه تقاضای کنیم که به اصل زمان و مکان توجه بیشتری بکنند. ما نمی توانیم بگوییم که یک دختر ۹ ساله اگر جرمی مرتکب شد، باید مجازات شود، اما پسر ۱۴ ساله مجازات

زنان و دولت تدبیر و امید

مریم جهانی



نشود.

۳-۲- باید رابطه بین بلوغ سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فکری با بلوغ عبادی مورد بازنگری قرار بگیرد . دولت تدبیر و امید در چارچوب فقه به توجه به زمان و مکان ، لویجی برای حمایت از زنان به مجلس ارائه می‌کند

۴- خانواده :

۴-۱- در برنامه دولت تدبیر و امید ، تقویت نهاد خانواده و افزایش رضایتمندی در زندگی خانواده را به عنوان یک اصل مورد توجه قرار خواهیم داد.

۴-۲- موضوع زنان باید مورد توجه قرار گیرد . زن در یک جامعه فعال است و کار می‌کند ، اما در عین حال کاری برابر انجام می‌دهد و حقوقش متفاوت است .

۵- اشتغال زنان :

۵-۱- در دولت ما تقویت جایگاه زنان و نگاه برابر به استعداد های علمی ، پژوهشی ، سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی مد نظر است این که زنان بخواهند در خانه یا بیرون از خانه کار کنند اساس این گفتار ناپسند است چرا که انتخاب با خود آنان است و زنان برای برگزیدن نقش خود نیازی به قیم ندارند.

۵-۲- در پنج سال گذشته ، ۲۳ درصد از حضور زنان شاغل کاسته شده است ، باید نسبت اشتغال زنان با نسبت اشتغال به تحصیل آنها برابری کند و در دولت آینده این نسبت نزدیک می‌شود .

۶- تفکیک جنسیتی و محرومیت :

در کجای قانون اساسی مجوز تفکیک جنسیتی در دانشگاهها و محروم کردن زنان از برخی از رشته ها عنوان شده است ؟ کدام اصل قانون این موضوع را تأیید می‌کند ؟ طرح تفکیک جنسیتی یک طرح غیر کارشناسی است که با جامعه ایرانی تطبیق ندارد .

۷- خدمات بیمه ای :

پوشش خدمات بیمه ای باید بین همه زنان جامعه بخصوص زنانی که سرپرستی خانواده را برعهده دارند ، گسترش یابد . در دولت تدبیر و امید ، پوشش بیمه خدمات تامین اجتماعی برای زنان برقرار خواهد شد و معیشت مردم ، به ویژه معیشت زنان بهبود خواهد یافت .

آنچه مطالعه شد سخنان دکتر حسن روحانی در جریان انتخابات و برنامه اعلامی

بود . در ادامه نقطه نظرات خانم دکتر داداندیش معاون امور زنان ستاد انتخاباتی دکتر حسن روحانی را به نقل از خبرگزاریها می‌آوریم .

۱- لازم است ارزش کار زنان خانه دار به صورت علمی محاسبه و در تولید ناخالص ملی لحاظ شود . اما در حال حاضر سازمان آمار ، زنان خانه دار را جزو بیکاران محسوب می‌کند و همین امر موجب افزایش آمار بیکاری شده است .

ضمناً ۶۱ درصد زنان ایرانی ، خانه دار هستند که هرکدام از آنان مسئولیت های مختلفی در خانه برعهده دارند. اگر زنان آن امور را انجام ندهند مردان باید بابت آن پول پرداخت کنند. لذا ارزش کار خانگی باید محاسبه شود.

۲- لازم است دولت به حقوق شغلی زنان - چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی نظارت کند تا حقوق زنان تضعیف نشود.

۳- زنان زیادی در استخدام برخی وزارتخانه ها هستند ولی مدیران کمی از وزارتخانه ها را تشکیل می‌دهند.

۴- دولت موظف است نیاز های اساسی خانواده های نیازمند را تامین کند که این نیاز ها براساس قانون اساسی شامل خوراک ، پوشاک و مسکن می‌شود.

۵- توانمند سازی اعضای خانواده ، آموزش مهارت های زندگی ، مشاوره حقوقی ، احیای اخلاق و فرهنگ اکرام ، حمایت از سالمندان و حمایت از معلولان جسمی و ذهنی در خانواده ها از برنامه های دیگر ایشان است .

۶- رویکرد نسبت به کنوانسیون های بین المللی زنان و یافتن راهکارهایی به منظور تصمیم گیری درست و پیشنهاد آن .

۷- توجه به قانون بیمه همگانی مصوب مجلس شورای اسلامی که ۱۰ سال پیش تصویب شده است و بیمه زنان سرپرست خانوار.

۸- رفع تبعیض و ناامنی شغلی در جامعه زنان کارگر و رفع محرومیت از چهره زنان روستائی از طریق اختصاص سهم معین از اعتبارات و تسهیلات روستائی .

۹- افزایش جمعیت با توجه به تصمیم فرزند آوری توسط زن و شوهر و عدم دخالت در این حوزه ■

بیوگرافی :

حسن روحانی متولد ۲۱ آبان ۱۳۲۷ در شهر سرخه (استان سمنان)، دارای دکترای حقوق و سابقه تحصیل در حوزه علمیه قم در حد اجتهاد؛ نماینده مقام معظم رهبری در شورایی عالی امنیت ملی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، نماینده مردم استان تهران در مجلس خبرگان رهبری و رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد.

تحصیلات دانشگاهی و مدارج علمی :

دکتری (Ph.D) حقوق اساسی از دانشگاه کلدونیان گلاسکو (عنوان پایان نامه: The Flexibility of Shariah; Islamic Law)

فوق لیسانس (M.Phil) حقوق عمومی از دانشگاه کلدونیان گلاسکو

(عنوان پایان نامه: The Islamic Legislative Power)

لیسانس حقوق قضائی از دانشگاه تهران

وکیل پایه یک دادگستری (کانون وکلای دادگستری مرکز) استاد پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژیک

تحصیلات حوزوی :

خارج فقه و اصول: با اساتیدی چون آیات عظام سید محمد محقق داماد (ره)، شیخ مرتضی حائری (ره) و سید محمد رضا گلپایگانی (ره) سطح عالی: با اساتیدی چون آیات عظام سلطانی (ره) فاضل لنکرانی (ره) و شیخ محمد شاه آبادی (ره)



■ مترجم: میترا مشعوفی

برای تغییر کردن واکنش هایتان را کنترل کنید

در حالیکه مردم با شیوه های گوناگون به تغییر واکنش نشان می دهند، واکنش به تغییرات در هر فرد شامل دو بخش می شود. یک بخش واکنش عقلانی منطقی و دیگری واکنش هیجانی احساسی، در اینجا دو پیشنهاد است که می تواند به شما برای کنار آمدن با تغییرات در محیط کار و زندگی کمک کند.

اول: سعی کنید مفهوم عمیق از تغییر داشته باشید از خودتان این سوال ها را بپرسید: تغییر چیست؟ چرا تغییر لازم است؟ نتیجه این تغییر چیست؟ این تغییر چه سودی دارد؟ تغییرات چگونه عملکرد ما را بهبود می بخشد؟ به احساساتان توجه کنید. در درون خود بگردید و به پاسخ درونتان گوش دهید.

اگر در مورد تغییر پیش آمده احساس ناراحتی کردید با یک دوست معتمد یا همکاران یا یک بزرگتر صحبت کنید. یک شخص را برای صحبت پیدا کنید که نظر خودش رو به شما تحمیل نکند که باید چه راهی را انتخاب کنید. درک درستی از واقعیت داشته باشید به واکنش های احساسی تان تسلط پیدا کنید.

بنابراین شما هم می توانید به دیگران در انجام دادن همین کار برای تغییر کمک کنید.

علت طول عمر زنان کشف شد

خبرگزاری مهر: محققان علت طول عمر

زنان را کشف کرده و اظهار داشتند که زنان به علت سیستم ایمنی بدنشان زندگی های سالم تری نسبت به مردان دارند.

یک تحقیق جدی نشان می دهد که سطح گلبول های سفید که عامل مبارزه با عفونت ها هستند با بالا رفتن سن در مردان، در مقایسه با زنان کمتر می شود.

طول عمر متوسط مردان ۷۹ سال است در حالی که این میزان برای زنان ۸۲ سال تخمین زده شده است. اگرچه در برخی از نقاط دنیا چون ژاپن این شکاف بزرگتر است، چرا که زنان به طور متوسط شش سال بیشتر از مردان زندگی می کنند.

تاکنون نظریه های مختلفی در رابطه با علت این مسئله ارائه شده که در میان جدیدترین آنها می توان به سلول های کوچک قدرت اشاره کرد که برای سلول های خود انرژی تولید می کنند، این در حالی است که تعداد این سلول ها در مردان کمتر است. اما دانشمندان ژاپنی علت دیگری برای این مسئله یافته اند چرا که آنها به این نتیجه رسیدند که سطح گلبول های سفید خون زنان و سایر بخش های سیستم ایمنی آنها که سایتوکینز (cytokines) نام دارد در مردان سریع تر کاهش می یابند. آنها اعتقاد دارند که علت این مسئله هورمون های زنان چون استروژن است که می تواند پاسخگویی سیستم ایمنی به عفونت ها را ارتقا بخشد.

این تحقیق می تواند به دانشمندان کمک

کند که سن بیولوژیکی افراد را براساس وضعیت سیستم ایمنی تخمین بزند.

کاتسویکو هیروکاوا که این گروه تحقیقات را در دانشگاه پزشکی و دندانپزشکی توکیو هدایت کرد، گفت: از آنجا که نرخ سالخوردگی افراد با هم تفاوت دارد، پارامترهای ایمنی شناختی یک فرد می تواند نشانه ای برای سن بیولوژیکی واقعی وی باشد.

نتایج این تحقیقات با بررسی خون ۳۵۶ مرد و زن ۲۰ تا ۹۰ سال در مجله ایمنی و سالخوردگی منتشر شده است.

آنها سطح گلبول های سفید و سایتوکینز را که به انتقال پیام به سیستم ایمنی را برعهده دارند، بررسی کردند. هم در زنان و هم در مردان تعداد گلبول های سفید همزمان با بالا رفتن سن کاهش می یافت اما دو عنصر سلول های تی و بی لنفوسیت در مردان سریع تر کاهش می یابد. هر دو سلول بی و تی گلبول های سفید کار مبارزه با عفونت های باکتریایی را انجام می دهند.

آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که همزمان با بالا رفتن سن یک نوع سلول دیگر با ویروس ها و تومورها مقابله می کند اما نرخ افزایش این سلول ها در زنان بیشتر از مردان است. هیروکاوا افزود: بالا رفتن سن به کاهش عملکرد عادی سیستم ایمنی منجر می شود که این امر آسیب پذیری افراد را در برابر بیماری های مختلف افزایش می دهد و در نتیجه طول عمر کاهش می یابد. این در حالی است که سوء عملکرد سیستم ایمنی که به طور مستقیم به این مسئله مربوط است تاکنون شناخته نشده است ■



پیروزی اسما جهانگیر به زنان پاکستان قدرت می بخشد

نوشته اقبال خطاک ■

اسما جهانگیر به عنوان نخستین رئیس زن اتحادیه وکلای دادگاه عالی قدرت افزونی به وکلای زن در تلاش های ایشان برای پیشرفت در جامعه مردسالار پاکستان بخشیده است. او فعال حقوق بشر و دموکراسی است که به عنوان نخستین رئیس زن اتحادیه وکلای دادگاه عالی انتخاب شد. در پیشینه فعالیتش اسما بعنوان یک قهرمان حقوق بشر، حامی دموکراسی و مخالف سلطه ستیزه جویی شناخته شده است.

عایشه مالک یکی از وکلای جوان گفت: «ما از اینکه او نخستین رئیس زن اتحادیه وکلای دادگاه عالی است، احساس غرور می کنیم. «فداکاریهای او برای حقوق بشر و قدرت بخشیدن به زنان، بی اندازه زیادند، و این فداکاریها به سایر زنانی که در حوزه مختلف شاغل هستند، قوت می بخشد.»

اسما با کسب ۸۳۴ رای از کل ۱,۷۰۰ رای و با اختلاف ۳۸ رای بر نزدیکترین رقیب مرد خود یعنی احمد اویس غلبه کرد. کاندیدای سوم تنها ۱۲۷ رای بدست آورد. کاندیدا شدن وی توجه و پوشش گسترده رسانه ها را به این انتخابات معمولاً گمنام جلب کرد. بسیاری از مجریان رسانه ها پیروزی وی را بعنوان پیشرفتی در تلاش برای استقلال قضایی مورد تمجید قرار دادند.

اتحادیه وکلای دادگاه عالی گروهی برجسته از وکلای ارشد را نمایندگی می کنند که در بالاترین دادگاه کشور فعال هستند

از آنجایی که سابقه کشور در رابطه با حقوق بشر بسیار مورد انتقاد است، انتخاب یک زن به چنین پست بالایی همواره گفتگوها از آن بعنوان یک دستاورد را افزایش می دهد.

اسما پیش از انتخابش به سمت ریاست اتحادیه وکلای دادگاه عالی، پستهای بالایی چندی داشته است. وی بعنوان گزارشگر سازمان ملل در قتل های فراقضایی و سپس آزادی مذهب خدمت کرده است. وی تا همین اواخر یکی از روسای جلسات کمیسیون حقوق بشر پاکستان بود ولی در ژوئن گذشته برای شروع کمپین انتخاباتی جهت ریاست اتحادیه وکلای دادگاه عالی، از این مقام استعفا کرد.

او در حالی این مقام را بعهده می گیرد که کشور با چالش ستیزه جویی که سال ها در برابر اقدامات نظامی مقاومت کرده است، روبرو است.

بسیاری از ناظران حقوقی ظهور طالبان را به بهره برداری آنان از فقدان عدالت و دادگستری به موقع در دسترس در سراسر کشور، مرتبط دانسته اند. آنها امیدوار هستند که اسما با قدرت از حکمفرما شدن قانون برای جلوگیری از گسترش مقرهای فعالان غیردولتی، دفاع کند.

اسما پیش از انتخابات خطاب به رای دهندگان چنین نوشت: «من همواره بدون ترس از عواقب سخنانم، بر علیه بی عدالتی سخن گفته ام. این کوشش من در تمام زندگی بوده است، من صرفنظر از نتیجه انتخابات اتحادیه وکلای دادگاه عالی، به

این ماموریت زندگییم ادامه خواهم داد تا شان وکلا و کرسی قضاوت را حفظ کنم.» با اینحال او دشمنانی در اتحادیه حقوقی دارد. پیش از انتخابات در جزوه هایی از سوی گروهی از وکلای محافظه کار که خود را انجمن وکلای خاتم نبوت می خوانند، اسما مورد تقییح قرار گرفته بود. وی در آن جزوه ها «ضد دولت و طرفدار هند خوانده شده و گفته شده بود که او نماینده واقعی وکلای طرفدار پاکستان نیست.»

این پیروزی به برخی وکلای زن جوان جسارت بخشیده بود که بر علیه مشکلاتی که همکاران مرد بر آنها تحمیل می کنند، سخن بگویند. وکیل صبیحه اقبال گفت: «وکلائی زن مورد استثمار قرار می گیرند.» وی افزود که وکلای زن تضعیف و دلسرد می گردند و قاضیان مرد در سطوح پایینتر قضایی «تا حدی بر علیه وکلای زن تبعیض قائل می شوند.»

با این وجود س.ناز رشد تدریجی شمار وکلای زن در پیشاور را شاهد بوده است. وی گفت که حدود ۵۰ زن در این شهر وکالت می کنند. عایشه گفت: «شاکیان زن مشکلات خود را بهتر می توانند به وکلای زن توضیح دهند و آنها همواره از استخدام مشاور حقوقی هم جنس خود احساس خوبی دارند.»

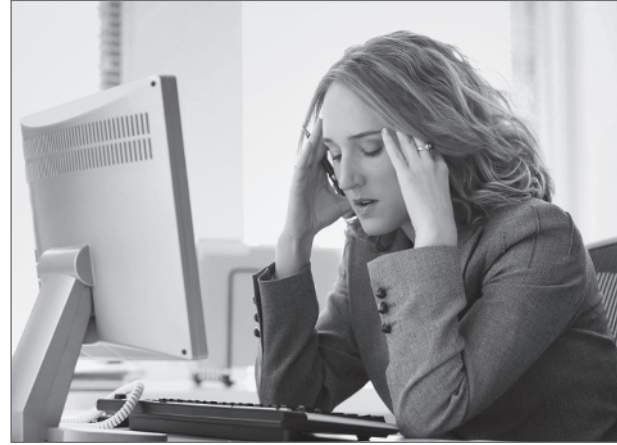
ادریس کمال فعال صلح گفت: «این کشور در صورتی از ستیزه جویی دور می شود که قانون سلطه پیدا کند و عدالت و دادگستری سریع و ارزان در دسترس فقرا قرار گیرد.» ■

استرس کوتاه مدت می تواند مفید باشد

طبیعت گیج کننده و مشغله های آزار دهنده در زندگی باعث می شود که ما اغلب استرس را تجربه کنیم. ولی بعضی از این استرس ها ممکن است برای ما مفید باشد. با توجه به یک مطالعه جدید در دانشگاه برکلی در کالیفرنیا که برای روشن کردن و شناخت فواید استرس برای کمک به ما در محل کار مورد بررسی قرار گرفت - در حالیکه تحقیقات گذشته مزایای برخی از انواع استرس را نشان داده بود - روشن کرد که حوادث استرس زای کوتاه، می تواند به کارایی بهتر مغز منجر شود. این مطالعه اخیرا در مجله (e life) منتشر شده است، نویسنده این مطلب دکتر دانیل کافر استادیار بیولوژی از دانشگاه برکلی گفت: مقداری از استرس مفید است تا شما را برای رسیدن به سطح هوشیاری مطلوب رفتار و عملکرد شناختی برساند. در تحقیقات گذشته نشان داده شده که استرس می تواند منجر به اختلال در حافظه گردد. دکتر کافر و همکارانش در دانشگاه برکلی بخش علوم اعصاب اثرات روانی استرس حاد را مورد توجه قرار دادند و با مطالعه بر روی موش ها مشخص شد که بعد از گذشت دو هفته از یک رویداد حاد استرس زا، حافظه بهبود می یابد.

حوادث مختصر استرس زا باعث می شود که کارایی مغز بعد از ۲ هفته بهبود یابد. او می گوید: من فکر می کنم احتمالا حوادث استرس زای پشت سر هم به هوشیاری مغز کمک می کند. خوب است بدانید که در زمان هشیاری کارایی شما بالا می رود.

■ ترجمه از میترا مشعوفی



فرزندان والدین تحصیل کرده، رژیم غذایی بهتری دارند

ایسنا: محققان برای یافتن ارتباط بین سطح تحصیلات والدین و رژیم غذایی فرزندان آنان، در هشت کشور اروپایی بلژیک، قبرس، استونی، آلمان، مجارستان، ایتالیا، اسپانیا و سوئد، رژیم غذایی حدود ۱۵ هزار کودک دو تا ۹ ساله را بررسی کردند. محققان اروپایی برای انجام این تحقیق، این کودکان را از نظر میزان مصرف مواد غذایی مختلف از قبیل میوه، سبزیجات و نوشیدنی های شیرین مورد بررسی قرار دادند.

یافته های این تحقیق نشان داد رژیم غذایی فرزندان والدینی که سطح تحصیلات پایین یا متوسطی دارند، بیشتر حاوی غذاهای فراوری شده و نوشیدنی های شیرین است که این مواد غذایی چربی و قند بالایی دارند. همچنین میزان مصرف میوه و سبزیجات در این کودکان کمتر بود. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد والدینی که سطح تحصیلات بالاتری دارند، در رژیم غذایی فرزندان خود مواد غذایی سالم تر و با ارزش غذایی بالاتر از جمله میوه، سبزیجات، برنج و غلات جای می دهند. جوان میگل فرناندز، نویسنده این تحقیق در این خصوص اظهار کرد: بیشترین تفاوت در خانواده هایی که از نظر سطح تحصیلات متفاوت بودند در مصرف میوه، سبزیجات و نوشیدنی های شیرین مشاهده شد. یافته های این تحقیق حاکی از آن است کودکانی که در خانواده هایی زندگی می کنند که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی وضع نامناسبی دارند، بیشتر ممکن است به اضافه وزن و چاقی مبتلا شوند. گفتنی است، طبق گزارش سازمان ملل، در سال ۲۰۱۰ در سراسر جهان حدود ۴۰ میلیون کودک زیر پنج سال اضافه وزن داشتند که این امر ضرورت نظارت بر رژیم غذایی کودکان را نشان می دهد. نتایج این تحقیق در مجله Public Health Nutrition منتشر شد ■

پوتین از همسرش جدا شد

عصر ایران: پوتین و همسرش اعلام کردند زندگی مشترک میان این دو به پایان رسیده است. به نقل از رویترز، ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه و همسرش (لودمیلا پوتینا) روز پنجشنبه از طریق برنامه تلویزیونی اعلام کردند از یکدیگر جدا شده اند و زندگی مشترک این دو به پایان رسیده است. پوتین متولد ۱۹۵۲ (۶۰ ساله) و لودمیلا متولد ۱۹۵۸ (۵۴ ساله) در سال ۱۹۸۰ باهم ازدواج کردند. آنها دارای دو دختر به نام های ماریا (متولد ۱۹۸۲) و کاترینا (متولد ۱۹۸۶) هستند ■



یک سوم زنان جهان قربانی خشونت هستند

بخش‌ها ضرورت دارد تا برای مقابله با خشونت علیه زنان و حمایت از آنان اقدامات لازم را انجام دهند. خشونت‌های فیزیکی و جنسی علیه زنان می‌تواند مشکلاتی را از جمله شکستگی استخوان، معضلات مرتبط با بارداری و بیماری‌های روانی برای آنان ایجاد کند. به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان جهانی بهداشت، مدیرکل سازمان جهانی بهداشت گفت: این یافته‌ها نشان می‌دهد خشونت علیه زنان مشکل جهانی و شایع است ■

ایسنا: سازمان جهانی بهداشت اعلام کرد: خشونت‌های جنسی و فیزیکی زندگی یک سوم از جمعیت زنان جهان را متاثر کرده است. در این گزارش آمده است که خشونت‌های جنسی و فیزیکی معضلی عمومی است و بر زندگی یک سوم زنان جهان تاثیر گذاشته است. طبق مطالعات سازمان جهانی بهداشت، ۳۵ درصد زنان جهان نوعی از خشونت فیزیکی یا جنسی را تجربه کرده‌اند که خشونت خانگی از سوی همسرانشان شایع‌ترین نوع خشونت علیه آنان است. در این مطالعه تاکید شده است: تمامی



برگزاری اجلاس جهانی زنان در مالزی

بالقوه، استفاده از تکنولوژی برای نوآوری‌های تجاری، توسعه رهبری زنان و کارآفرینی زنان و دختران از جمله موضوعات مورد بحث در این اجلاس سه روزه بود.

نجیب تون رزاق، نخست وزیر مالزی در مراسم افتتاحیه این اجلاس گفت: اگر کشورها قصد دارند تا اقتصادهای با ثبات و موفق داشته باشند باید زنان نقش فعال تری ایفا کنند. وی تصریح کرد: ایجاد و افزایش فرصت‌های اقتصادی برای زنان و دختران نه تنها کار درستی است؛ بلکه یک اقدام هوشمندانه محسوب می‌شود.

روسما منصور، همسر نخست وزیر مالزی که ریاست این اجلاس را بر عهده دارد نیز در سخنانی ابراز امیدواری کرد تا زنان بیشتری در سطوح مدیریتی در فعالیتهای مرتبط با بازار سهام مشارکت داشته باشند.

وی در این مورد گفت: اگر مدیران زن چنین کاری انجام دهند شرکت‌هایشان را به خوبی به سرمایه‌گذاران معرفی خواهند کرد و این امر بر ارزش شرکت‌هایشان افزوده خواهد کرد. بر اساس این گزارش، در اجلاس جهانی زنان در کوالالامپور بیش از هزار نماینده از ۷۰ کشور جهان حضور داشتند ■

ایسنا: اجلاس جهانی زنان با حضور سران و نمایندگان بلند پایه کشورهای مختلف جهان در مالزی برگزار شد. اجلاس جهانی زنان با محوریت موضوعات اقتصادی و مشارکت زنان در توسعه اقتصادی در کوالالامپور پایتخت مالزی آغاز به کار کرد و طی سه روز موضوعات مختلفی را مورد بحث و بررسی قرار داد.

در این اجلاس شخصیت‌های مهم و زنان موفق از سراسر جهان حضور داشتند که از آن جمله می‌توان به اولین رئیس جمهور زن کوزوو، معاون رئیس جمهور ویتنام، بانوی اول نامیبیا، بانوی اول مالزی و ۳۸ وزیر زن از کشورهای مختلف جهان اشاره کرد. آغازگر این اجلاس میزگرد وزرای زن کشورهای شرکت کننده بود که در جریان آن چگونگی همکاری مشترک دولت و تجار برای توسعه اقتصادی زنان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این اجلاس با حضور نجیب تون رزاق، نخست وزیر مالزی به طور رسمی در هتل شانگریلای کوالالامپور افتتاح شد. مشارکت بخش‌های خصوصی و عمومی برای افزایش فرصت‌های اقتصادی برای زنان و دختران، پیش‌بینی‌های اقتصادی و نگاه به زنان به عنوان یک بازار





تأثیر عرف و فرهنگ در حمایت از حقوق زنان

ابراهیم عسگری و آشوری • نادر مختاری افرکتی ■

و مرد هرگونه بخواهد می تواند با او رفتار کند. این رسوم و سنن باعث شده که در طول تاریخ شاهد تضييع حقوق زنان در تمام جنبه ها باشیم.

قوانین پاکستان و خدمات دولت برای حفظ حقوق زنان

امروزه هر کشوری دارای قانونی خاص و منسجم است که بنا بر مصالح جامعه وضع می شود و همچنین اغلب کشورها برای حفظ حقوق زنان و مقابله با خشونت علیه آنها مفادی را وضع کرده اند. اما قانون از دو جهت امکان توقف خشونت را فراهم می آورد. اول آن است که خود به عنوان «عامل» خشونت ایفای نقش نکند که لازمه آن حذف مصادیق قانونی خشونت بر زنان و بازنگری کلیه مبانی تبعیض آمیز قانونی است. جهت دوم اما کارکردش به عنوان «مانع» خشونت است و با وضع قوانینی صورت می گیرد که با ارتکاب خشونت علیه زنان مستقیماً مبارزه می کنند. (هاشمی، ۲، ۱۳۹۱)

از جمله اقدامات دولت پاکستان در راستای حمایت از زنان تصویب «لایحه خشونت خانگی» در تاریخ ۴ آگوست ۲۰۰۹ توسط شورای ملی است. هدف این قانون «پیشگیری از خشونت علیه زنان و کودکان توسط تشکیل دادگاه کیفری، کمیته و

مقدمه:

عرف یکی از مبانی وضع قوانین تعیین حقوق از گذشته های دور تا به امروز بوده و قانونگذاری چه منشاء الهی داشته باشد چه غیر الهی، عرف را نیز در نظر می گیرد چراکه معتقد است قانون باید متناسب و سازگار با فرهنگ و عقاید جامعه باشد به شرطی که دارای منشاء عقلانی باشد. در این مقاله به بررسی تاثیر عقاید عرف و فرهنگ غلطی در مورد حقوق زنان که هیچ منشاء عقلانی ندارند، پرداخته ایم.

جمهوری اسلامی پاکستان دارای پیشینه تاریخی و فرهنگی غنی است که در آن پایبندی به سنن و رسوم کهن از اهمیت ویژه ای برخوردار است و از جمله کشورهایی است که همچنان عقاید و سنن خود را حفظ کرده و به فرهنگ خود وفادار بوده و از فرهنگ سایر ملل کمتر تاثیر پذیرفته است، حتی با تغییر مذهب هندوی خود به اسلام و یا جدا شدن از هندوستان و دست یافتن به استقلال سیاسی همچنان فرهنگ هندوی خود را حفظ کرده. اما این عقاید و رسوم بعضاً غلط و موجب بی عدالتی و نامنی در حق زنان است چراکه براساس همین عقاید و سنن است که زن موجودی ضعیف و حقیر تلقی می شود که هیچ حقی ندارد و سرنوشت او را باید مرد تعیین کند

این تحقیق سه عامل اصلی در خصوص تضييع حقوق زنان را مورد بررسی قرار داده است، این سه عامل عبارتند از قانون نابرابر، دین و عرف و فرهنگ حاکم بر جامعه. از این عوامل، عامل سوم یعنی عرف و فرهنگ را از سایر عوامل مهم تر دانسته و برای اثبات آن کشور پاکستان را به عنوان کشور نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. برای تحقق این امر به بررسی حقوق زنان پاکستان از جنبه های حقوقی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و ... پرداخته شده و در نهایت به این نتیجه رسیده که عرف و فرهنگی که فاقد مبانی علمی و عقلی است تا حدی بر تضييع حقوق زنان تاثیر گذار است که مانع اجرای دستورات و احکام حمایتی قانون و دین از حقوق زنان می شود و حتی موجب سکوت زنان در برابر تبعیض و تعدی در حق خود شده و سبب شده تا قوانین و تدابیر دولت برای حمایت از زنان بی ثمر مانده و عملاً کاربردی نداشته باشد. برای رفع این معضل راهکاری ارائه شده است. این تحقیق به صورت مقاله و مختصر شده برای آگاهی جامعه زنان تقدیم می شود.



ماموران حفاظت» بیان شده است. این قانون در ۲۸ بند دربرگیرنده کلیه تعاریف و مفاهیم حوزه خشونت، قوانین مرتبط و وظایف دولت و پلیس در این باره است. همچنین بارها تصریح شده از لحظه تصویب این قانون، دولت‌های فدرال و استانی موظف به حمایت از طریق کمیته‌های حفاظت و نصب افسران هستند. با این حال تشکیل کمپین‌های آگاهی‌رسانی به مردم در مورد سوء استفاده‌های خانگی در سطح کلان در کنار پیگیری قوانین سختگیرانه برای دفاع از افراد آسیب دیده ضروری به نظر می‌رسد. (۵۸۶۹/ <http://www.wluml.org/> /node)

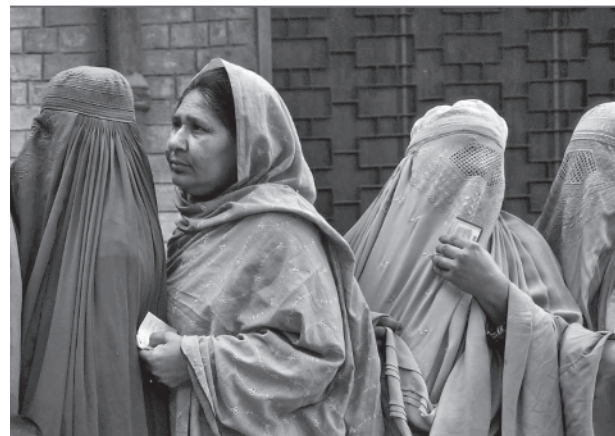
یکی از معایب قوانین و مقررات حمایت از زنان در برابر خشونت، فقط در صد جبران آسیب‌های بوجود آمده از خشونت، یا مجازات عامل خشونت و یا ایجاد صلح و سازش بین طرفین هستند. بنابر این قابلیت باز دارندگی در آن وجود ندارد و مختص به بعد از اعمال خشونت است نه قبل از آن و مجازاتی که در این قوانین موجود است چندان قابلیت جزایی و کیفری سنگینی دربر ندارد که موجب تادیب و بازدارندگی مرتکب خشونت شود. در قانون حمایت از زنان در برابر خشونت خانگی مصوبه ۲۰۰۵، در مرحله اول با استفاده از برخورد ها و اقدامات ملایم و مسالمت آمیز، متهم را به سازش ترغیب می‌کنند مانند مشاوره؛ حق اقامت در اقامتگاه مشترک، کمک مالی، قرار حضانت، مجازات برای نقض حکم حفاظت توسط متهم.

علاوه بر این مجازات‌ها قانونگذار پاکستان حق فسخ ازدواج را در مواردی که موجب خسران مادی و معنوی زن گردد به او داده است تا خود را از مهلکه برهاند. قانون فسخ ازدواج مسلمانان مصوب ۱۹۳۹ (قانون شماره ۸) مصوب ۱۹۳۹/۳/۱۷ مقرر می‌دارد: (زنی که به موجب قانون اسلام متاهل شده می‌تواند حکم فسخ ازدواج خویش را به موجب یک یا چند دلیل یا مورد زیر اخذ کند: الف) اینکه محل اقامت زوج برای مدت چهار سال نامشخص باشد. ب) اینکه زوج از پرداخت نفقه زوجه برای مدت دوسال کوتاهی کند و یا آنرا تأمین نکند. پ) اینکه زوج، زن دیگری برخلاف مقررات قوانین حمایت از خانواده مسلمانان، به زوجیت خود درآورد. ت) اینکه زوج برای مدت هفت سال یا بیشتر به حبس محکوم شود. ج) اینکه زوج بدون هیچ دلیل منطقی از انجام تعهدات زناشویی خویش برای مدت سه سال امتناع ورزد. ح) اینکه زوج در زمان ازدواج از نظر جنسی ناتوان باشد و این بیماری تداوم داشته باشد. چ) اینکه زوج برای مدت دو سال مجنون شده باشد یا مبتلا به بیماری جذام یا بیماری مقاربتی کشنده باشد و... ۴۶-۲۰۱۱، ۸۹، Ronagh) اغلب این قوانین از شرع مقدس اسلام اخذ شده است و این نشانگر عدم و مخالفت اسلام با آزادی زنان است از آنجایی که پاکستان یک جمهوری اسلامی است و اسلام را ملاک وضع قانون قرار داده و اسلام نیز هیچ گونه مخالفتی با حقوق مسلمانان ندارد و حتی قوانینی محکم و استوار در راستای حفظ حقوق و آزادی زنان دارد به نظر می‌رسد

جمهوری اسلامی پاکستان در وضع قانون در این زمینه با مشکل جدی روبرو نباشد و قوانین آن از استحکام خوبی برخوردار باشد، اما زنان در مورد اجرای حق فسخ ازدواج با مشکلی جدی مواجه هستند و آن عقاید و فرهنگ حاکم بر جامعه است که باعث می‌شود زنان از اعمال این حق مسلم خود صرف نظر کنند یا کمتر رغبت به گرفتن این حق از خود نشان دهند.

«شکایت از شوهر و درخواست طلاق اگر چه از نظر قانون و دین مجاز است ولی امر شرم‌آوری در پاکستان محسوب می‌شود و بنابراین به ندرت انجام می‌شود. ازدواج مجدد بیوه‌ها و مطلقه‌ها اگر چه در اسلام آزاد است، ولی در پاکستان به ندرت صورت می‌گیرد لکن ازدواج مجدد مردان بی همسر بیش از ازدواج مجدد در زنان بیوه رایج است» (پلنگی ۱۳۹۰ قسمت ۲) اما اینکه خواهیم حق درخواست طلاق را مختص به مرد بدانیم خلاف ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر است.

ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر؛ همه سزاوار و محق به داشتن حقوقی برابر در زمان عقد زناشویی، در طول زمان زندگی مشترک و هنگام فسخ آن هستند. (جعفری ۱۳۸۶، ۴) دولت نیز علاوه بر وضع قانون برای حمایت از زنان اقداماتی برای ایجاد شرایط مساعد رفاهی برای آنان کرده است از جمله اقدامات دولت برای حمایت از زنان و بهبود شرایط رفاهی زنان احداث بانکی ویژه زنان است. در سال (۱۹۸۹م) -- اولین بانک ویژه زنان افتتاح گردید. این بانک فقط به زنان وام می‌دهد. اخیراً بیست و ششمین شعبه



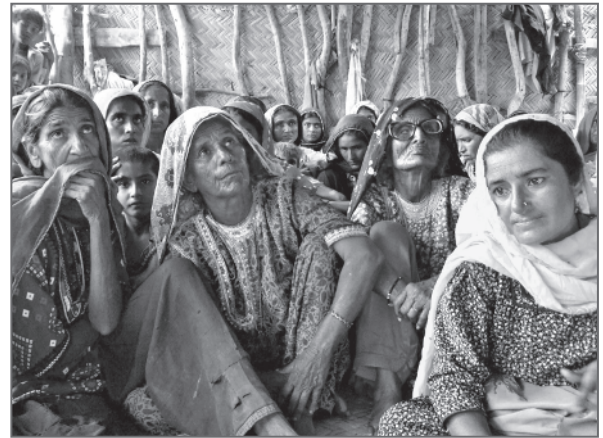
پاکستان به چشم می خورد از جمله در تحصیل و کار که خشم زنان پاکستان را برافروخته است. به گزارش شهرزاد نیوز؛ در ۲ اسفند ۱۳۹۰ بیش از ۵۰۰ هزار تن از زنان پاکستان با شعار «زنان قدرتمند - پاکستان نیرومند» دست به یک تظاهرات گسترده برای برابری حقوقی زن و مرد زدند. (شهرزاد نیوز - ۲ اسفند ۱۳۹۰) اما شمار زنان شاغل در پاکستان بسیار اندک است و آنها نصف معاشی را که همکاران مرد شان دریافت می کنند، به دست می آورند. هرچند که شرکت های پاکستانی در تلاش جذب بیشتر کارمندان زن خواهند بود. (عایشه حسن ۲۰۱۱، ۲) گزارش ایندیندنت، ویکی خبر بهترین و بدترین کشورها برای زنان، پاکستان را از نظر بازار کار بدترین کشور اعلام کرد و نقش زنان را در پاکستان یک چهارم مردان در میزان نیروی کار دانست. (ویکی خبر جمعه، ۱۹ اسفند ۱۳۹۰ - ۹ مارس ۲۰۱۲) این در حالی است که در قانون اساسی این کشور به عدم تبعیض در جذب نیروی کار و تعلق گرفتن دستمزد برابر تاکید شده است. یکی از دلایل تبعیض قانون پرده است. منظور از پرده جدایی زنان و مردان و

کرسی های ذخیره، زنان پاکستانی ۲۱،۳ درصد در کرسی های پارلمانی (۱۷ درصد در سنا) را تشکیل می دهد. این زنان از طیف های گوناگونی ایدئولوژیک و احزاب مختلف سیاسی نمایندگی می کنند و اعضای زن در پارلمان توانسته اند موضوعات مهم زنان را با موفقیت در پارلمان و گفتگو های عامه و همچنان دستورکار های تقنینی جای دهند. (۷۲، ۲۰۰۵، UNDP) زنان پاکستان در عرصه ژورنالیسم سیاسی نیز فعالیت چشم گیری از خود نشان داده اند یکی از چهره های شناخته شده در این عرصه سان بوچا مجری تلوزیون و روزنامه نگار سیاسی پاکستان است. او باتلاش و پشتکار کاملاً توانسته به جایگاهی در این زمینه برسد که بسیاری از مردان به آن نرسیده اند و این نشان از وجود استعداد و پتانسیل بالای زنان پاکستانی است و وجود آزادی نسبی برای زنان در این عرصه است. (رجوع شود به، عربی ۱۳۹۰، ۱۵). قانون اساسی نیز خواهان حضور کامل زنان در تمام عرصه های اجتماعی است. تبعیض جنسیتی در تمام عرصه ها در

بانک زن توسط خانم ((شهناز وزیرعلی)) معاون ویژه بی نظیر بوتو در شهر اسلام آباد افتتاح شد. (پلنگی ۱۳۹۰ قسمت ۳) در نتیجه دولت تا جایی که امکان داشته قوانین مناسبی برای حمایت از حقوق زنان ارائه کرده است که این قوانین منسجم بر مبنای احکام شرعی اسلام است که دین رسمی پاکستان می باشد. بنابر این ضعف دولت در اجرای قوانین حمایت از حقوق زنان در پاکستان ناشی از عرف و فرهنگ و رسوم است که مانع انجام بهتر و کامل تر قوانین شده و از تحقق عدالت در حق زنان جلوگیری می کند. در ادامه به بررسی بیشتر تاثیر فرهنگ و عقاید بر احکام شرعی و قانونی می پردازیم.

حضور سیاسی

حضور سیاسی زنان در این کشور از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است تا جایی که پاکستان را از اولین کشورهای اسلامی می دانند که یک زن برای دوبرار در آن به نخست وزیری رسیده است. در قانون اساسی این کشور نیز کرسی هایی در مجلس و شورای اسلامی به زنان اختصاص داده شده است. از سال ۲۰۰۲ بدین سو به سبب مقرری



(۱۹۶۱)، زیاد تغییر نکرده است. (پلنگی ۱۳۹۰، قسمت ۲) این در حالی است که در اصل یازدهم قانون اساسی پاکستان آمده؛ بردگی، کار اجباری و مانند اینها ممنوع می‌باشند.

و اما تبعیض در زمینه تحصیل، عده ای از والدین معتقدند که پسران بیشتر از دختران به تحصیل رسمی احتیاج دارند. ۲۷ درصد از زنان شهری و ۴۶ درصد از زنان روستایی (طبق آمار رسمی کشور) معتقدند که برای دختران تحصیل مذهبی یا حدود یک سال تحصیل رسمی کافی است و یکی دیگر از دیدهای منفی مردان روستایی نسبت به تحصیل زنان این است که وقتی زنان تحصیل می‌کنند دیگر حاضر به کار کردن در مزرعه نیستند. فقر که هنوز در زندگی اکثر خانواده های پاکستانی موثر است، دلیل اصلی تحصیل نکردن و ترک تحصیل می‌باشد. (پلنگی ۱۳۹۰، قسمت ۳) در احکام شرع مقدس اسلام کار کردن و تامین معاش خانواده بر عهده مرد گذاشته شده است و هیچ تکلیفی بر عهده زن در باب تامین معاش نیست و الزامی نشده است (دادمرزی ۱۳۸۷، ۵۷۹)

وسيله عوامل دینی و اجتماعی - فرهنگی زیادی تعیین می‌شود و آمیخته‌ای از قوانین هندو و احکام اسلامی با عنوان نظام پرده، شرکت در زندگی عمومی را برای زنان بسیار محدود می‌کند که خلاف اصل ۳۴ قانون اساسی است که مفاد آن ذکر شد.

به طور کلی در مناطق روستایی پاکستان به دلیل نیاز به زنان به عنوان کارگر بدون دستمزد در کارهای خانه و امور خانواده، اکثریت جمعیت نمی‌توانند از قوانین حجاب و جدایی زن و مرد از یکدیگر پیروی کنند. به دلیل رعایت قانون پرده، حقوق زنان بسیار پایین است و مورد استثمار قرار می‌گیرند. زنان در پاکستان در خانه و یا خارج از خانه بدون گرفتن دستمزد کار می‌کنند و بنابراین، کار آنها برایشان منبع درآمد نیست. این مسأله در فرهنگ پاکستان بسیار قوی است که زنان نباید قدرت اقتصادی داشته باشند. آمارهای گوناگون نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد زنان شاغل پاکستان در زمینه کشاورزی کار می‌کنند. بر اساس آمار سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱) ۷۶ درصد این تعداد از زنان شاغل بدون دریافت دستمزد برای کمک به کار خانواده کار می‌کنند. این وضعیت از سال ۱۳۴۲

گوشه نشینی زنان است. پرده مانع دست یافتن زنان به اطلاعات، تحصیل، شغل و ... می‌شود. زنان در خانه کار می‌کنند و دنیای بیرون فقط متعلق به مردان است. زنان هیچ گونه دسترسی به بیرون از خانه ندارند و در داخل خانه هم مردان حکمفرمایی می‌کنند. در مناطق روستایی «پرده» به این معناست که فقط زنان فقیر می‌توانند در اماکن عمومی کار کنند، ولی زنان متعلق به طبقه متوسط پایین یا طبقه کارگر از قانون پرده به جدیت پیروی می‌کنند. زنان طبقات بالا از پرده پیروی نمی‌کنند به ویژه دختران جوانتر. قانون پرده بیشتر در مناطق شهری اجرا می‌شود تا روستایی و بیشتر توسط طبقات متوسط پایین ولی در شرایط متحول کنونی، زنان متعلق به طبقه متوسط که به عنوان متخصص مشغول به کار هستند، برخی محدودیت های حجاب را طرد کرده و یا آن را به طور مجدد تعریف کرده اند. (پلنگی ۱۳۹۰، قسمت ۲) بنابر این قانون پرده، اشتغال زنان را مختل کرده و موجب دور ماندن آنها از اطلاعات و مهارت ها شده و همچنین توانایی و اعتماد آنها را در انجام کار کاهش داده است. می‌توان گفت زندگی روزانه اکثریت زنان پاکستان به



اعلامیه حقوق بشر از این قبیل خشونت‌ها نهی شده: «هیچ کس نباید مورد شکنجه یا بیرحمی و آزار، یا تحت مجازات غیرانسانی و یا رفتاری قرار گیرد که منجر به تنزل مقام انسانی وی گردد.» (جعفری ۱۳۸۶، ۳)

بند ۱۵ قانون حمایت از زنان در برابر خشونت خانگی مصوبه ۲۰۰۵؛ در صورت لزوم و با موافقت شخص آزار دیده می‌توان او را به محل امنی منتقل کرد. این محل می‌تواند خانه دوستان، خویشاوندان یا هر مکان امن دیگری - اگر توسط ارائه دهندگان خدمات ایجاد شده باشد - باشد. کمک به فرد آزار دیده برای تشکیل پرونده و جمع‌آوری گزارش تحت این قانون، نظامنامه یا هر قانون دیگری. درخواست یک حکم حراست در صورت تمایل فرد آزار دیده (نیکزاد ۱۳۸۹، ۵)

ارقام رسمی حاکی است که بیش از ۷۰ درصد زنان هر روزه در محیط کار مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. هرچند که در سال ۲۰۱۰ بعد از به قدرت رسیدن آصف علی زرداری، قانون محافظت از زنان در محیط کار، توسط او امضا گردید. (عایشه حسن ۲۰۱۱، ۲) فرهنگ حاکم بر پاکستان ایجاب می‌کند که زنان آزار دیده به بهانه حفظ آبرو نتوانند شکایتی در این موارد داشته باشند و عقاید اجتماعی آنها را وادار به سکوت در برابر این گونه آزارها می‌کند، بنابراین دست قانون در این مورد بسته است. هرچند برای مبارزه با این نا امنی قوانینی نیز وضع شده است. بسیاری از زنان فقیر خصوصا در جوامع روستایی، پس از مرگ شوهر توسط خانواده شوهر خود طرد

گونه پوشیده و پنهان می‌ماند و هرگز به ثبت نمی‌رسد. (پلنگی ۱۳۹۰، قسمت ۲) به گزارش سرویس فرهنگی اجتماعی جام نیوز، به نقل از شبکه بی بی سی فارسی، در پاکستان (Pakistan) هر سال حدود صد و پنجاه زن قربانی اسید پاشی (Sprayed acid) می‌شوند، این عمل غالباً توسط شوهرها انجام می‌شود.

اعمال این خشونت‌ها بر زنان نشانگر آن است که مردان پاکستان خود را مالک و صاحب اختیار زنان می‌دانند و هرگونه که بخواهند می‌توانند با آنان رفتار کنند و ضرب و شتم و حتی قتل آنان را حق مسلم خود می‌دانند که به این سادگی زنان خود را شکنجه کرده و به قولی تنبیه یا مجازات می‌کنند. حتی در اسلام که دین رسمی پاکستان است چنین حقی به مرد داده نشده اگرچه در احکام اسلام آمده است که اگر زن از مرد تمکین نکرد و نیاز جنسی او را برآورده نکرد مرد می‌تواند به زور او را وادار به تمکین کند، اما اسلام برای اعمال این حکم و خشونت در این مورد محدودیتی قرار داده است و به مرد حق نداده است که برای اجبار زن به تمکین او را مورد ضربات سنگینی قرار دهد که موجب صدور حکم دیه شود.

در قانون پاکستان نیز این اعمال خشونت بار کاملاً محکوم شده و تدابیری برای حفاظت از این زنان آزار دیده در قوانین پاکستان اندیشیده شده که عبارتند از: اصل نهم قانون اساسی: امنیت شخص: هیچکس از زندگی و آزادی محروم نخواهد شد مگر به موجب قانون. همچنین در ماده ی ۵

در قوانین وضع شده پاکستان ضعف قابل توجهی دیده نمی‌شود که باعث به وجود آمدن این تبعیض باشد چنانچه اصل بیست و پنجم قانون اساسی آمده: تساوی شهروندان. بنابراین عامل اصلی این تبعیض‌ها فرهنگ غلط جامعه است، عقایدی مانند قانون پرده و عدم لزوم تحصیل برای دختران و ... که ذکر شد.

وضعیت امنیت زنان

روزنامه گاردین: براساس جدیدترین نظرسنجی‌ها، پاکستان را سومین کشور نا امن برای زنان می‌داند و یکی از بیشترین آمارهای قتل‌های ناموسی و ازدواج زودهنگام کودکان را دارد. به طوری که کمیسیون حقوق بشر پاکستان اعلام کرده که سالانه ۱۰۰۰ زن و دختر جوان در قتل‌های ناموسی کشته می‌شوند. (شفاف، ۱۳۹۰، کد خبر: ۸۰۸۶۹) و همچنین حداقل ۱۰۰۰ زن در عرض سال (۱۹۹۹) به این شکل در پاکستان به قتل رسیدند. بر اساس این آمار، این جرایم بیشتر در کشورهای اسلامی رخ می‌دهند در حالی که به گفته رهبران مذهبی، هیچ ریشه‌ای در اسلام ندارد (UNFPA) ۲۰۰۰

- طبق گزارش روزنامه‌ها، در سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶م) حدود ۸۰ زن به قتل رسیده‌اند که اکثر آنها در اثر سوء تفاهم و تعصب بیجای شوهران، جان خود را از دست داده‌اند. ۳۴۴۳ دختر ۱۱ تا ۱۸ ساله مورد هتک حرمت واقع شده‌اند. قابل ذکر است که در این مورد ارقام نشان دهنده عمق فاجعه نیست چرا که در اکثر موارد به علت حفظ آبرو و شرم و حیا، مسائل و معضلاتی از این



تحصیلات عالی پاکستان در سال ۲۰۱۰ بیش از ۴۲ درصد از ۲۶ میلیون دانش آموز مکاتب پاکستان دختران بوده اند و نسبت به ۱۸ سال قبل، ۳۰ درصد افزایش را نشان می دهد. از ۱,۱ میلیون دانشجویان دانشگاه های پاکستان، ۴۷ درصد آنها را دختران تشکیل می دهند. (عایشه حسن، ۲۰۱۱، ۲) در کشور پاکستان تنها ۵ درصد از زنان بالای ۱۵ سال سواد خواندن و نوشتن داشتند در حالی که ۴۰ درصد از مردان از Uis.unesco.org این قدرت بهره مند بودند (۲۰۰۵). این در حالی است که اصل بیست و ششم قانون اساسی استفاده از اماکن عمومی که مدرسه نیز از جمله آنها است را برای عموم افراد جامعه مجاز دانسته و از تبعیض در استفاده از آن منع کرده و توجه ویژه به زنان و کودکان در استفاده از اماکن عمومی داشته است و دراصل سی و هفتم برای گسترش عدالت اجتماعی و ریشه کنی فساد اجتماعی به آموزش و ریشه کنی بیسوادی تاکید دارد.

در پاکستان زنان همواره از اینکه از جریان اصلی جامعه جدا نگه داشته شده اند، ناراضی بوده اند و آرام آرام نسبت به ظلمی که در طی سالیان بر آنها رفته است، آگاهی حاصل کرده اند. جامعه پاکستان همواره نگرش خصومت آمیزی نسبت به زن داشته است و خصوصاً قشر زنان روستایی به دلیل این نگرش ناگزیر از تحمل تسلط بعضاً غیر قابل تحمل سایر بخش های جامعه بوده اند. (احتشامی فر، ۱۳۸۷، ۳) جامعه پاکستان، جامعه ای سنتی است و از آنجا که بر اساس سنت های رایج، نقش اجتماعی

(پارسا، ۱۳۹۰، ۴)

این گونه قوانین قبیله ای باید ریشه در تاریخ و تمدن هندوی مردم پاکستان داشته باشد چون چنین حکم ناعادلانه ای رانه در قوانین جزای پاکستان دیده ایم و نه در احکام اسلامی. حتی در بسیاری از موارد مردم روستا تن به چنین قضاوتی می دهند و از مراجعه به مراجع قضایی خود داری می کنند چون بیشتر به رسوم خود پای بندند تا به قوانین حکومتی بنابر این نفوذ این عقاید و رسوم بیشتر از قانون است. در نتیجه در مورد تامین امنیت زنان در جامعه و خانواده، قانون و شرع اسلام چیزی کم نگذاشته و نقضی در آنها نیست تنها خللی که حاکم بر این دو مورد نیز شده عقاید و افکار اجتماعی غلط مردم پاکستان است که مانع اعمال قوانین حکومتی و اسلامی شده است که توضیح و مثل های آن را آوردیم.

وضعیت تحصیل زنان

ارتقای آگاهی زنان در جامعه موجب رشد فرهنگی و بالا رفتن شعور مردان و زنان جامعه نسبت به حقوق مسلم زنان می شود و کمتر شاهد تضييع این حقوق در جامعه خواهیم بود برای تحقق این امر در وحله اول باید به سواد آموزی زنان توجه شود و شرایط را برای رسیدن آنان به مدارج بالای تحصیلی فراهم کرد به طور کلی در سطوح ابتدایی میزان حضور در آموزش فعال است ولی در اواخر تحصیل میزان ترک تحصیل با سرعت وحشت آوری زیاد می شود؛ تا جایی که فقط ۸ درصد زنان به تحصیلات بالاتر و عالی می پردازند. (پلنگی، ۱۳۹۰، قسمت ۳) براساس گزارش کمیسیون

می شوند و اموالشان نیز مصادر میگردد. (محبوبه، ۱۳۹۰، قسمت ۲)

یکی دیگر از عوامل نا امنی در پاکستان قوانین و رسوم قبیله ای است که بجای ایجاد نظم و عدالت با صدور احکام ناعادلانه و نابرابر موجب نا امنی و تعدی در جامعه می شود برای مثال اشاره می کنیم به حادثه ای که برای مختار مایی رخ داده است : مختار مایی، زن جوان پاکستانی، ۳۰ ساله بود که در تابستان سال ۲۰۰۲ مورد تجاوز مردانی از قبیله ای دیگر قرار گرفت؛ مردانی که بر پایه سنتی دیرپا، با انگیزه انتقام گیری از برادر وی، دسته جمعی به او تجاوز کردند. آنها مدعی بودند که برادر ۱۲ ساله مختار با دختری از قبیله ای آنها دیده شده است. در سزای این بی حرمتی، بزرگان آن قبیله، حکم تجاوز دسته جمعی به خواهر آن پسر نوجوان را در برابر چشمان اهالی روستا صادر می کنند. در روز پس از واقعه، همه گمان می کردند که دیر یا زود، پدر مختار جسد دخترش را از خانه بیرون خواهد آورد یا خود مختار، همانند سایر دخترانی که در گذشته قربانیان چنین سنتی بوده اند خودکشی خواهد کرد.

مختار در نهایت موفق شد که از متجاوزین خود غرامتی در حدود هشت هزار دلار بگیرد؛ مبلغی که همه آن صرف ساختن مدرسه و مراکز آموزشی در روستای زادگاهش شده است. او سازمانی را نیز برای حمایت از زنان پاکستانی بنیاد نهاد: «سازمان زنان مختار مایی» در حال حاضر بخش های مختلفی همچون خانه های امن، خدمت رسانی برای قربانیان خشونت و مرکز پژوهشی دارد.

زنان به تشکیل خانواده و اداره آن محدود می شود، یادگیری و آموزش هیچ گاه به عنوان اولویت دختران و زنان مورد توجه قرار نگرفته است از دیگر دلایل نرفتن دختران پاکستانی به مدرسه کمبود امکانات است. زمانی که از دختران پرسیده شد چرا به مدرسه نمی روند؟ ۱۳ درصد آنها گفتند که تعداد مدرسه دخترانه بسیار کم است. ۵۵ درصد بقیه بیان داشتند که این امر به دلیل کمبود معلم زن است، بنابراین می توان گفت که حداقل ۳۸ درصد دختران به دلیل نبودن امکانات تحصیل به مدرسه نمی روند و ۶۲ درصد نیز به دلیل نگرش والدین و جامعه نسبت به تحصیل دختر بستگی دارد. (پلنگی ۱۳۹۰ قسمت ۳) در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹م)، دولت ژنرال ضیا تصمیم گرفت با ایجاد کردن مدارس در مساجد، آموزش مرحله ابتدایی را توسعه دهد تا بلکه مردم دختران خود را نیز به مدارس مساجد که مکان مقدسی است بفرستند. ابتدا اجرای تصمیم دولت با استقبال گرم مردم روبه رو شد. مجریان برنامه توانستند بین سالهای ۱۳۶۸-۱۳۶۵ (۱۹۸۶ - ۱۹۸۳م) تعداد ۶۶۹۹ مدرسه دایر کنند. طبق تحقیق آکادمی برنامه ریزی آموزشی و مدیریت بیش از ۵/۸۲ درصد از دانش آموزان این مدارس (۹۳/۵۳ درصد پسر و ۲۵/۲۸ درصد دختر) ۶ ساله هستند. طبیعی است که اگر در مساجد چنین مدارسی تشکیل نمی شد، این تعداد دانش آموز نیز به آمار بی سوادان کشور اضافه می گشت. (پلنگی ۱۳۹۰ قسمت ۳) ورود به مدرسه فقط اولین مرحله در تحصیل کودکان است. پاکستان با میزان ترک تحصیل بالایی روبه رو است. بر اساس تحقیقات دفتر برنامه ریزی و مدیریت تحصیلی، ترک تحصیل و نرفتن دختران به مدرسه در ۴۱۶ روستای پاکستان به دو دلیل فقر و دید منفی والدین نسبت به تحصیل دختران صورت می گیرد. (پلنگی ۱۳۹۰ قسمت ۳) با این وجود چهار اتفاق مهم در نیمه نخست دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ رخ داد که هم زمان با افزایش سواد آموزی بود عبارت بودند از: افزایش سواد کاربردی، یافتن فرصت های استخدامی در همه سطوح اقتصاد کشور، افزایش آگاهی زنان از وضعیت و نقش خود و به دست آوردن

فرصتی برای ارائه نظرات و عقاید سیاسی در داخل و خارج خانه. (احتشامی فر ۱۳۸۷، ۳) این چهار رویداد که هم زمان با افزایش سواد آموزی است نشانگر تاثیر قابل توجه سواد آموزی بین زنان جامعه است که رشد آنان را در عرصه های دیگر نیز تضمین می کند.

نقش انجمن ها در تحقق آزادی زنان

انجمن ها و سازمان های زنان در رشد و توسعه فرهنگ سازی و آگاهی زنان در راستای حفظ و حمایت از حقوق زنان نقش چشم گیری داشته اند و دارند. در سال (۱۹۰۸م) - (انجمن خواتین اسلام)) نخستین سازمان زنان در لاهور تاسیس گردید. (پلنگی ۱۳۹۰ قسمت ۳) جنبش اصلاحی زنان مسلمان در قرن نوزدهم برای جا انداختن تحصیلات در زنان، آسان سازی شرایط و رفع محدودیت ها در فعالیت های آنان، محدود سازی تعدد زوجات و تضمین حقوق زنان در سایه قوانین اسلام تلاش می کرد و سید احمد خان کنفرانس آموزشی را برای بهبود آموزش مسلمانان ترتیب داد (دهه ۱۸۷۰ تا ۱۸۸۰). با این وجود سطح سواد در زنان پایین بود. تا سال ۱۹۲۱ از هر ۱۰۰۰ زن مسلمان تنها ۴ نفر با سواد بودند. افزایش سطح سواد زنان اولین گام علیه فشارهای تحمیلی اجتماعی بود. در سال ۱۹۳۷ قانون فردی مسلمانان حقوقی نظیر وراثت اموال را که تحت نظام انگلیسی زنان قوانین مدنی مشخص از زنان گرفته شده بود، به آنان برگرداند. (احتشامی فر ۱۳۸۷، ۳) وجود این انجمن ها نشان از علاقه زنان به مبارزه در راه کسب آزادی و حفظ حقوق جامعه زنان دارد.

راهکار

در سال ۱۹۴۴ محمد علی جناح یک سخنرانی ایراد کرد: (هیچ ملتی به شکوه و افتخار دست نمی یابد مگر اینکه در آن زنان پایه پای مردان حرکت کنند. ما قربانیان سنت ها و رسوم بد خود هستیم). این که زنان ما در چهاردیواری خانه خود به مثابه زندانی گرفتار آمده اند و حق اظهار نظر از آنان گرفته شده، جرمی بر علیه انسانیت است. تا زمانی که عقاید و رسوم غلط در جامعه حکمفرماست نمی توان به این اهداف در راستای حمایت و حفظ حقوق زنان دست یافت، گام اول و اصلی فرهنگسازی و ریشه کن کردن این عقاید و رسوم باطل است که

هیچ منشاء عقلانی و شرعی ندارند. برای تحقق این امر باید هر چه بیشتر در راستای ارتقا بخشیدن به سطح آگاهی و دانش زنان از حقوق طبیعی خود تلاش شود و از انجمن ها و سازمان های زنان، حمایت کافی شود تا زمینه ای باشد در راستای توسعه بخشیدن به فرهنگ سازی. چنانچه در سالهای اخیر هم زمان با رشد تعداد زنان سواد آموخته در پاکستان شاهد رشد همزمان فعالیت انجمن های زنان و حضور چشمگیر زنان در عرصه های سیاسی بوده ایم که همه به خاطر رشد سواد آموزی و آگاهی زنان از حقوق خود است. راهکار دیگر وضع قوانین با قابلیت بازدارندگی بیشتر در پاکستان است. قانون فعلی قدرت بازدارندگی کامل را ندارد و برای مرحله بعداز وقوع جرم است و در باب حفاظت از آزار دیده مناسب است.





نتیجه‌گیری

بعد از بررسی سه عامل اصلی در نادیده گرفتن حقوق زنان پاکستان - که این سه عامل عبارتند از: ضعف در قانونگذاری، دین و عقاید و رسوم غلط - به نتایج زیر رسیده ایم: دولت پاکستان تمام تلاش خود را برای وضع قانون حمایت و حفظ حقوق زنان به کار برده است و ضعف چندانی در این قوانین دیده نمی‌شود مگر در مورد ضعف در قدرت بازدارندگی این قوانین، اما در سایر موارد به ویژه تأمین و حفاظت از زنان آزر دیده و رسیدگی به شکایت آنان قوانین مناسبی وضع شده است. همچنین در قانون اساسی به رفع تبعیض جنسی و ایجاد شرایط مناسب برای رفاه زنان و کسب بخشی از کرسی

های مجلس و... برای زنان تاکید شده است. اما اصل این تبعیض‌ها و تعدی‌ها بر زنان عقاید و رسوم موجود در عرف و فرهنگ و تمدن مردم پاکستان است که سبب می‌شود تا مردان را بر زنان برتر بدانند و مرد را مالک زن پندارند. وضعیت نا امن برای زنان در پاکستان شباهتی به کشور همسایه آن یعنی هند دارد. این عقاید و رسوم مورد تأیید قوانین رسمی پاکستان و دین مبین اسلام نیست بنابراین سر منشاء آنها فرهنگ و تمدن دیرینه هندوی مردم پاکستان است مانند قانون پرده و شرم آور دانستن درخواست طلاق و... که این عقاید علاوه بر این که سبب تعدی و ناامنی هستند مانع اجرای قوانین رسمی نیز می‌شوند. حتی خود زنانی که مورد تعدی قرار گرفته‌اند نیز تحت تأثیر این عقاید و رسوم و عرف جامعه از حق خود گذشته و در برابر تعدی و تبعیض سکوت می‌کنند. بنابراین، عقاید و رسوم سبب شده که قوانین حمایت از حقوق زنان بر روی کاغذ بماند و چندان قابلیت اجرایی نداشته باشد. راهکار این معضل فرهنگ سازی است که برای تحقق این امر باید زنانی باسواد و آگاه به حقوق زنان پرورش دهیم. البته فقر نیز تا حدودی در تضييع حقوق زنان تأثير گذار بوده است، اما از عوامل اصلی به شمار نمی‌آید ■

منابع این تحقیق در دفتر نشریه موجود است

مسئولترین ملکه حاکم بر هلند، بئاتریکس پس از ۳۳ سال روز ۳۰ آوریل سال ۲۰۱۳ از سلطنت کناره‌گیری کرد و ویلم-الکساندر بزرگترین پسرش تاج و تخت پادشاهی را در اختیار گرفت. بئاتریکس ۲۸ ژانویه در یک نطق تلویزیونی کناره‌گیری خود را از سلطنت اعلام کرد: «استعفا می‌دهم نه به خاطر آنکه انجام وظیفه برایم دشوار شده است، بلکه چون متقاعد شده‌ام که مسئولیت کشورمان را اکنون باید به دست نسل جدید سپرد.» ملکه کمی پس از آن در ۳۱ ژانویه هفتاد و پنجمین سالگرد تولدش را جشن گرفت. بئاتریکس اول، اکنون دوباره شاهدخت به حساب می‌آید.

در ۳۱ ژانویه ۱۹۳۸ بئاتریکس نخستین دختر ملکه جولیان و شاهزاده برنهارد در کاخ سوست دیک در بارن به دنیا آمد و تا آغاز جنگ جهانی دوم آنجا زندگی کرد. پس از آغاز جنگ خانواده سلطنتی ابتدا به انگلستان گریختند و از آن جا هم به اتاوا در کانادا رفتند. در اواسط سال ۱۹۴۵ آنها از تبعید به هلند بازگشتند. بئاتریکس در ۱۸ سالگی در دانشگاه لایدن هلند ثبت نام کرد و در ۱۹۶۱ در رشته حقوق فارغ التحصیل شد و پس از آن سفرهای طولانی خود به دور دنیا را آغاز کرد.

بئاتریکس در جشن شب قبل از ازدواج شاهزاده خانم ویتگنشتاین و شاهزاده موریتس فون هسن با کلاوس آمسبرگ دیپلمات آلمانی آشنا شد. یکسال بعد ملکه جولیان اجازه داد تا خبر نامزدی دخترش و این دیپلمات آلمانی در رادیو و تلویزیون اعلام شود.

پس از موافقت دولت با این ازدواج، ۱۰ ماه می ۱۹۶۶ ابتدا عقد رسمی در شهرداری آمستردام و پس از آن مراسم ازدواج در کلیسای وسترکرک برگزار شد. به سبب ازدواج به داماد لقب شاهزاده هلند اعطا شد. هلندی‌ها در ابتدا یک آلمانی را به عنوان همسر ملکه خود در آینده قبول نداشتند، چون خاطرات بد اشغال کشورشان توسط نازی‌ها را زنده می‌کرد. اما آمسبرگ به

خاطرمنش پسندیده و دلنشینش بزودی در هلند محبوب شد. مردم هلند باشوق از تولد سه پسر این زوج استقبال کردند. (ویلم الکساندر ۱۹۶۷، یوهان فریسو ۱۹۶۸ و کنستانتین ۱۹۶۹ به دنیا آمدند.) در ۱۹۸۰ ملکه جولیان به نفع دخترش کناره‌گیری کرد و بئاتریکس بر تخت سلطنت نشست. سال بعد خانواده سلطنتی به کاخ هویزتن بوش در لاهه نقل مکان کرد. از ۱۹۸۴ کاخ نوردینده لاهه محل اقامت رسمی ملکه است. ملکه کاملاً در امور دولت نقش دارد و به طور منظم با وزراء معاونین



وزارتخانه‌ها و معاون پارلمان در تماس است. بئاتریکس در همان زمان منصوب شدن در سمت ملکه برداشت خود از این مقام را روشن ساخت: تنها هدف از سلطنت مدرن خدمت به جامعه است. بئاتریکس در سال ۲۰۰۵ در دیداری از دانشگاه لایدن اظهار داشت که «من به دنبال مقام سلطنت نبوده‌ام اما آن را پذیرفته‌ام.» این نگرش تا به امروز هیچ تغییری نکرده است. او وظایف خود را به نحو احسن به انجام رسانده، هوشیارانه سیاست کشورش را دنبال کرده و هر جا که لازم بداند با احتیاط در آن دخالت می‌کند. به طور مثال در نطق کریسمس ۲۰۰۷ به سیاستمداران جناح راست هشدار داد که انتقاد از اسلام ممکن است به تحریکاتی علیه مسلمانان بدل شود. و همواره نظر سنجی‌ها در میان مردم کشورش ثابت کرده که او در میان مردم محبوب است. با این وجود ملکه بئاتریکس هم از بدبختی

در امان نیست. در سال ۲۰۰۹ در رژه‌ای به افتخار ملکه در اپلدورن، یک حادثه غم‌انگیز رخ داد. یک تروریست ماشین کوچک خود را با سرعت زیاد به طرف جمعیت راند. اتوبوس روباز خانواده سلطنتی تنها ۱۵ متر از آن فاصله داشت. ظاهراً هدف این حمله که منجر به کشته شدن هفت نفر و نه مجروح شده است، شخص ملکه بوده است. البته این فاجعه را هرگز فراموش نمی‌شود، اما در سال ۲۰۱۰ مردم درسی مین سالگرد سلطنت دوباره با ملکه محبوب خود بیعت می‌کنند. پس از آن در فوریه ۲۰۱۲ ملکه بئاتریکس با بزرگترین بحران زندگی خود مواجه شد: پسر دوم او یوهان فریسو به دنبال یک حادثه اسکی زیر بهمن ماند و از آن زمان به بعد، در یک کلینیک خصوصی در لندن در کمای مصنوعی است و امیدی به بهبودی او نمی‌رود. این حادثه قلب ملکه بئاتریکس را شکست.

ملکه جدید ماکسیم زورگویتا کروتی در ۱۷ ماه می سال ۱۹۷۱ در بوینس آیرس متولد شد. او پس از فارغ التحصیلی به نیویورک رفت و چند سال در بانک‌های مختلف واز جمله دویچه بانک کار کرد. ماکسیم در سال ۲۰۰۰ بنا به درخواست خود به بلژیک منتقل شد تا به شاهزاده ویلم ولیعهد هلند که یک سال قبل با او در نیویورک آشنا شده بود، نزدیک تر باشد.

دو سال بعد در ماه مارس ۲۰۰۱ نامزدی این دودر هلند اعلام شد و همزمان ماکسیم تابعیت هلند را پذیرفت. در فوریه ۲۰۰۲ وقتی که این زوج تصمیم به ازدواج گرفتند به والدین ماکسیم اجازه شرکت در جشن عروسی داده نشد. دلیل آن عضویت پدر ماکسیم در دولت نظامی حاکم بر آرژانتین در طی سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ بود. این عدم حضور بار دیگر در جشن تاجگذاری ماکسیم و ویلم الکساندر تکرار شد و والدین ماکسیم به جشن تاجگذاری دعوت نشدند. این زوج صاحب سه فرزند دختر هستند که بزرگترین آنها پرنسس کاترین آمالیا اکنون ولیعهد هلند است ■

ملکه بئاتریکس ۳۳ سال خدمت به جامعه هلند

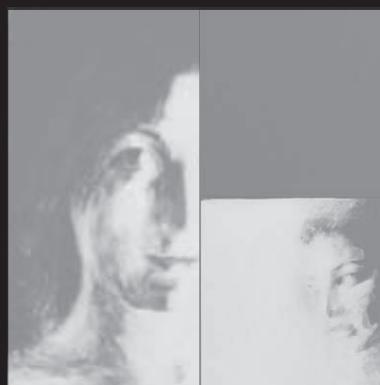
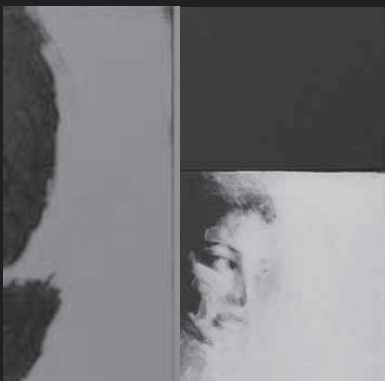
ملکه بئاتریکس
در نطق تلویزیونی
خود علت کناره
گیری اش را چنین
گفت: « استعفا
می دهم نه به
خاطر آنکه انجام
وظیفه برایم دشوار
شده است، بلکه
چون متقاعد شده
ام که مسئولیت
کشورمان را اکنون
باید به دست نسل
جدید سپرد. »



خانم آریا شکوهی اقبال: مسیر زندگی بانقاشی تغییر کرد

خانم آریا اقبال شکوهی مدیر گالری آریا با داشتن بیش از ۲۰ سال سابقه کار از زنانی است که با تلاش و کوشش فراوان مسیر خود را هموار کرده و با کمال تواضع هنگامی که به او اعلام می‌کنیم او را از زنان موفق در عرصه گالری‌داری می‌دانیم، می‌گوید که خود را زن بسیار موفقی نمی‌داند بلکه با اشاره به اینکه - بستگی دارد معنی انسان موفق را چه بدانیم - توضیح می‌دهد که باید تلاش کرد. همه چیز را جامعه نباید مهیا کند، یعنی باید بکند ولی اگر هم نکرد خود آدم باید شروع کند و من نیز چنین کردم. از تلاش هایش می‌پرسیم. گفت وگویی ما را با او می‌خوانید.

■ نسرین پاینده
آیدال طه



- آموزشگاه آریا در همین فضای گالری در طبقه پایین گالری برگزار می‌شود، ماه مهر هم در جای جداگانه ای است.
بدین ترتیب اینجرا خودتان اداره می‌کنید و ماه مهر را با همکارانتان؟
- بله، گالری و آموزشگاه آریا. ولی در آموزشگاه درس نمی‌دهم.
از دواج کرده‌اید؟
- بله از دواج کردم و دو فرزند دارم.

این که دانشگاه‌ها باز شد.
سال ۷۱ گالری آریا و سال ۸۱ آموزشگاه آریا را که آموزشگاه تجسمی بود، باز کردم. حدود ۸ سال است که با ۲ نفر از همکارانم خانم‌ها: الهه جواهری و مژگان والی پور ماه مهر را داریم.
آموزشگاه آریا مستقل از موسسه فرهنگی ماه مهر است؟
- بله
کلاس‌ها در کجا برگزار می‌شود؟

لطفاً برای خوانندگان نشریه، خودتان را معرفی کنید.
- من متولد ۱۳۴۱ هستم. رشته تحصیلی من نقاشی است و از دانشگاه الزهراء یسانس گرفتم.
سال ۶۸ فارغ التحصیل شدم. علت تاخیرم این بود که در سال ۵۹ دیپلم گرفتم ولی انقلاب فرهنگی شد و نتوانستم دانشگاه بروم لذا ورودی سال ۶۲ هستم. در واقع اولین ورودی بعد از



ام موافق بودند. هیچ کس مخالفتی با این موضوع نداشت، حتما اگر می گفتم می خواهم بروم پزشکی بشوم خوشحال تر می شدند ولی وقتی گفتم می خواهم بروم نقاشی بخوانم کسی نگفت نرو. از این که نقاشی خواندید رضایت دارید؟

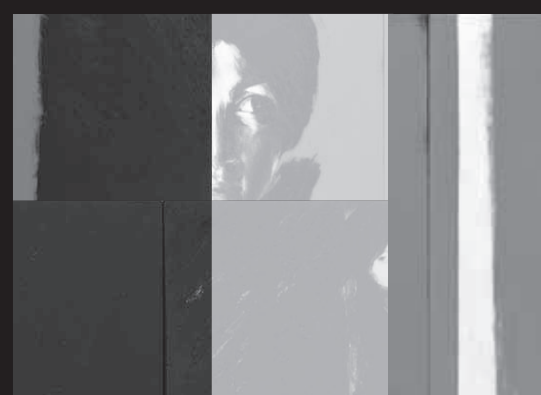
-بله، خیلی. فکر می کنم اگر خوشبختی رادر جهان یا امکانات جهان را به نسبت تمام آدم هایی که در جهان وجود دارند بخواهند تقسیم کنند حتما سهم من کمتر از این می شد. پس اصولا آدم گله مندی نیستم. بعد هم فکر می کنم جزو معدود آدم هایی هستم که کاری که می کنم را دوست دارم. بنابراین فکر می کنم این یکی از مهم ترین دلایلی است که آدم احساس کند خوشبخت است. چون وقتی قرار است صبح تا شب کاری را انجام بدهید که دوست ندارید حتما اولین دلیل بدبختی یک آدم می تواند باشد. بنابراین بله من خیلی خوشحالم که نقاشی خواندم. خیلی از شغلی که دارم خوشحالم. خیلی از کاری که می کنم لذت می برم. بخصوص از وقتی که بخش آموزش را به بخش گالری اضافه کردم. یعنی از آن موقع خوشبخت ترم برای این که با جوان ها خیلی سرو کار دارم و محیطی که داریم یک محیط جذاب و پر گفتگویی است. من رشد بچه ها را می بینم و این خیلی حال من را خوب می کند. بنابراین خیلی خوشحالم.

آموزش هم می دهید؟

- من هیچ وقت آموزش ندادم و

شد و دانشگاه نرفتم، فکر می کنم تنها کسی هستم که خوشحالم آن سال دانشگاه نرفتم. این فاصله ای که افتاد بین دیپلم و سال ۶۲ باعث شد خیلی جدی نقاشی کنم. چون نقاشی را خیلی دوست داشتم ولی هرگز فکر نمی کردم که دانشگاه بروم و نقاشی بخوانم. بعد آن ۳ سال را خیلی جدی نقاشی کردم. سال ۶۲ کنکور دادم و رفتم نقاشی خواندم. یعنی به طور کلی مسیر زندگی من عوض شد، کار هنری ام بیشتر کار تاثیر بود.

نظر خانواده تان نسبت به کار نقاشی و تئاتری که در ظرف آن ۳ سال انجام دادید چه بود؟ آیا خانواده موافق بودند؟
- ببینید. هم بله هم نه. ولی اگر بخواهم به طور عمیق به این موضوع نگاه کنم باید بگویم: بله یعنی پدر بزرگم (پدر مادرم) جدای از این که چشم پزشکی بود، شاعر هم بود. مادر بزرگ پدرم _ که در واقع اگر الان زنده بود باید ۱۴۰ سال می داشت _ هنگامی که در دبستان بودم همیشه برای ما کتاب می خواند. بسیار با سواد بود. جزو اولین زنانی بود که به مدرسه های رسمی رفت. مجلس زنان همدان را درست کرده بود. حدود ۱۲۰ سال پیش او زن روشنفکری بود. مادر بزرگ مادریم شعر می گفت و داستان می نوشت، خاله هایم نقاش و شاعر و نویسنده بودند. بنابراین فضای خانواده فرهنگی بود ولی این که من بروم تحصیل هنری کنم به خودم بستگی داشت. خودم هیچ وقت به آن فکر نکرده بودم ولی بله، خانواده



یک فرزندم سال آخر مهندسی برق و الکترونیک است، یک پسر دیگرم - همین پسری که دیدید - در دوره راهنمایی است.

لطفا از تحصیلاتتان بگوئید و این که چه شد نقاشی را انتخاب کردید؟

- فکر می کردم دانشگاه می روم. رشته روان شناسی می خوانم یا رشته حقوق سیاسی (با خنده می گوید)
برای من خوب شد که انقلاب فرهنگی

نمی‌دهم، کار آموزش انجام می‌دهم ولی آموزش نمی‌دهم. یعنی در واقع همین آموزشگاه آریا برنامه ریزی و انتخاب کلاس‌ها و همه امور برنامه‌های درسی را با معلم‌ها انجام می‌دهم. در واقع ما یک تقسیم مسئولیت هم در ماه مهر کرده ایم. برای این که کار پیش برود مسئولیت آموزش ماه مهر را من انجام می‌دهم. مسئولیت گالری ماه مهر را خانم جوهری انجام می‌دهند و مسئولیت اداری و مالی را خانم والی پور، خوب ما در همه زمینه‌ها موفق عمل کرده ایم. هم گالری ماه مهر موفق است، هم سیستم اجرایی مان خوب است یعنی شرکای من کارشان را خوب انجام می‌دهند ولی در آموزش هم ما بیش از ۱۰۰۰ هنر جو در هر ترم داریم. بنابراین فکر می‌کنم که آنجا هم خوب و موفق بوده است. وقتی در دانشگاه رشته نقاشی می‌خواندید چه فکری درباره آینده خودتان می‌کردید؟

- من هیچ وقت تصمیم به کار کردن این طوری نداشتم. خودش پیش آمد. می‌خواهم بگویم بیشتر زندگی من خودش همین طوری پیش آمد. من کار زیادی برایش نکردم. آینده ام را در نقاشی کردن می‌دیدم. خوب یک بخشی از آن هم درست در آمد چون من هنوز هم نقاشی می‌کنم ولی هیچ وقت فکر نمی‌کردم گالری داشته باشم. هیچ وقت فکر نمی‌کردم کار آموزش انجام بدهم. چون اصولاً خودم اهل درس دادن نیستم و معلمی کردن در ذات من نیست. برای همین هیچ وقت فکر نمی‌کردم این موضوع برایم جذاب باشد ولی در واقع پیش آمد، حالا می‌توانید سوال کنید که چه طوری پیش آمد. بعد از تحصیلاتتان نقاشی را ادامه دادید یا کار گالری داری را شروع کردید؟ در آن زمان در تهران تعداد گالری کم بود.

- من قبل از دانشگاه، حرفه ای کار

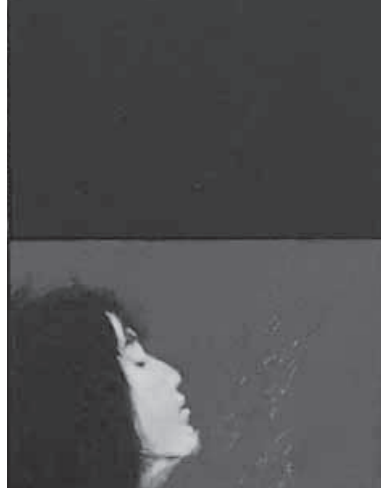
می‌کردم. به آموزشگاه می‌رفتم، نقاشی یاد می‌گرفتم ولی خودم را نقاش می‌دیدم و واقعیتش این که همان موقعی که من آموزشگاه و دانشگاه می‌رفتم، آتلیه داشتم. یعنی برای خودم آتلیه درست کرده بودم و به طور خیلی جدی کار می‌کردم. وقتی آموزشگاه رفتم با ۲، ۳ نفر از هم دانشگاهی‌هایم: فرح ابوالقاسمی، لاله حسینی، نیلوفر زیا - که بعداً این‌ها هم هنرمندان خیلی خوبی شدند- در دوران دانشجویی از سال اول توی ده ونک آتلیه برای خودمان گرفتیم. جایی را کرایه کردیم که کوچک بود ولی واقعا آتلیه گرفتیم. یعنی ما یا توی دانشگاه بودیم یا توی آتلیه داشتیم نقاشی می‌کردیم. گاهی این قدر این کار را می‌کردیم که استادانمان ما را بیرون می‌کردند بعد ما دوباره بر می‌گشتیم می‌رفتیم در آتلیه کار می‌کردیم. یعنی ما خوشحال می‌شدیم از این که حتی یک استادی بگوید اصلاً نمی‌خواهم ببایی. برو همان جا که بودی. ماهم برمی‌گشتیم همان جایی که بودیم دوباره نقاشی می‌کردیم و این که واقعا نقاشی زندگی مان بود.

موضوع اصلی زندگی مان نقاشی کردن بود. خوب همین طوری هم شد. بعداً هم که لیسانس گرفتم با همین دوستانم آتلیه داشتیم. حالا جای آتلیه را عوض کرده بودیم ولی همچنان آتلیه داشتیم. بعداً ما همین فضای گالری آریا آتلیه ما شد یعنی آمدیم اینجا و شد آتلیه ما. بعدها ما رفتیم طبقه پایین که حالا آموزشگاه هست. بعد که فضای آنجا را عوض کردیم دوباره رفتیم جای دیگر. من و فرح ابوالقاسمی از سال ۶۲ تا حالا هنوز آتلیه مان با هم هست، نزدیک به ۳۰ سال هست که یکی هست.

انگیزه تشکیل گالری آریا از کجا آمد؟
- انگیزه به وجود آمدنش باز هم شاید همان خصلت نسل من بود. زمانی که ما کار



آدم‌ها
از بیرون نگاه
می‌کنند ولی به محض
این که
فردی خودش
آستین‌هایش را
بالا بزند و وارد
کار شود،
متوجه می‌شود
که برخی از
خواسته‌هایش
عملی نیست.
چون امکانات
ندارد



می کردیم تعداد بسیار کمی گالری در تهران وجود داشت. شاید ۳ تا و خوب من آن موقع فکر می کردم این گالری ها اشکالاتی دارند، الان بعد از این همه سال کار کردن می فهمم خیلی خوب کار می کردند. یعنی من به عنوان یک جوان ذره ای بلند پروازی داشتم و فکر می کردم مثلا حالا چرا... اصلا در آن شرایط نمی شد بهتر از آن کار کرد؟

می خواهم بگویم هم خانم سیحون کارشان را خوب بلد بودند و هم خانم گلستان. من خیلی جوان بودم. الان می توانم بگویم از خانم گلستان بسیار یاد گرفتم و یکی از بهترین دوستانم هستند یا خانم سیحون تا روزی که فوت کردند من داشتم از ایشان یاد می گرفتم منتها آن موقع سر پر شور جوانی بود و به هر حال من فکر می کردم به جای این که مداوم فکر کنم چرا فلان چیز وجود ندارد یا چرا فلان امکانات وجود ندارد - خوب اگر راست می گویم - خودم بیایم یک کاری بکنم... خیلی هم خوب بود. یعنی زمانی که گالری آریا شروع به کار کرد به هر حال به یک پاتوق فرهنگی تبدیل شد. زمان خودش، قبل از آن هم چون پاتوق های فرهنگی بسیار کم بود، آتلیه ما به عنوان یک پاتوق فرهنگی وجود داشت یعنی این که کسانی که مثلا می رفتند گالری سیحون حتما این جا یک سری به ما می زدند یا دوستانی که در آتلیه خودشان کار می کردند خوب اینجا چون بزرگ بود و فضا زیاد بود از کار که خسته می شدند، اینجا می آمدند. بنابراین ما در طی روز صبح ها که کار می کردیم حتما بعد از ظهر تعداد زیادی مهمان داشتیم، خیلی اتفاقی که پیش آمد در این جاشکل گرفتند مثل چی؟

- مثل نمایشگاهی که ما توی گالری افزند گذاشتیم، در واقع نمایشگاهی بود که به مناسبت هزاره فردوسی گذاشته شد، در واقع شاهنامه از نگاهی نو؟ یک چیز این طوری بود

دقیقا یادم نیست ولی مستنداتش هست، یک تعداد زیادی هنرمند کار دادند مثل: بهروز مسلمی، یعقوب امدادیان، فاطمه امدادیان، معصومه مظفری، داوود مظفری یعنی خیلی هنرمندانی که الان هم مطرح هستند در آن نمایشگاه کار داشتند از جمله خود من. آن قصه و جلسات آن نمایشگاه اینجا در این آتلیه شکل گرفت. در عین حال رویین پاکباز که استاد من بود در این ساختمان زندگی می کرد. بنابراین تمام سال ها که آتلیه من این جا بود آقای پاکباز همسایه ما بود و خوب سوای این که استاد من بود دوست همه ما بودند. خوب این نمایشگاهی که می گویم با پیشنهاد آقای پاکباز شکل گرفت، خوب این جا بنابراین همیشه یک خصلت اجتماعی داشت. این آتلیه اصلا شکلش این طوری بود و خیلی چیزهای دیگر، دوستان جمع می شدند از اینجا با هم نمایشگاه می رفتیم، به هر حال این بیشترین دلیل بود که پایه ایجاد گالری شد.

این ساختمان در واقع متعلق به پدر و مادر من بود بعد از این که آن ها فوت کردند باز هم من قرار نبود گالری باز کنم ولی خوب این جا آتلیه ما بود، بعد در واقع پیشنهاد آقای پاکباز بود که گفتند می خواهی امتحان کنی گالری باز کنی؟ من هم از قبل آن فکر ها را داشتم که بهتر هست غر نزنم و یک همچین کاری انجام بدهم. بعد یک مقداری طول کشید تا به این نتیجه رسیدم که پیشنهاد اقبال کنم که بسیار هم پیشنهاد خوبی بود.

شما هنوز اینجا زندگی می کنید؟

- بله، من همین جا زندگی می کنم. اینجا به دنیا آمدم و در همین ساختمان احساس خوب و تعلق خاطر به اینجا دارم.

گفتید که در کار گالری داری نقص هایی می دیدید. آیا هنوز آن نقایص موجود است یا تغییر کرده است؟

- ببینید. من اصولا آدم غرغروی نیستم

خیلی هم از غر زدن و غر شنیدن بدم می آید. اما به این معنی نیست که من الان نقصی نمی بینم یا آن ها نقص نبود یا نیست من فکر می کنم اگر آدم بنشیند یک گوشه و بگوید ای وای فلان چیز چقدر اشکال دارد یا چقدر فلانی کارش را بد انجام می دهد، چرا این جا کولر ندارد؟ چرا؟ و چرا های دیگر.

این ها فقط غر است. برای این که آدم ها از بیرون نگاه می کنند ولی به محض این که فردی خودش آستین هایش را بالا بزند و وارد کار شود، متوجه می شود که نمی تواند کولر بگذارد چون که پول ندارد. یا وقتی که کولر را روشن می کند مثلا برق ساختمان قطع می شود بعد تازه می فهمد که آهان چرا فلان جا کولر ندارد. تازه متوجه قضیه می شود. بعد هم من اصولا فکر می کنم تا خود آدم ها تجربه زندگی و کار کردن را نداشته باشد نباید اظهار نظر کرد. البته نمی گویم که حق اظهار نظر ندارند. همه آدم ها حق اظهار نظر دارند ولی اصولا بهتر است زمانی آدم ها نظر بدهند که خودشان وارد کار شده باشند. البته کاری که من واقعا سعی کردم در فضای کار خودم انجام بدهم این است که بچه ها را در سیستم کارم دخالت دادم. یعنی بچه ها احساس می کنند فضا متعلق به خودشان است یعنی هم راحت خواسته هایشان را می گویند هم خیلی موقع ها خیلی چیز ها را چون درک می کنند، نمی گویند. در حالی که شاید اگر جای دیگری بودند می گفتند. یعنی چون احساس می کنند فضا مال خودشان است متوجه هستند که اگر یک دفعه هم یک چیزی کم باشد حتما نمی شود که همه چیز آماده باشد متوجه این قضیه می شوند بعد هم مثلا من یادم می آید وقتی که ما می رفتیم تالار نقش سال ۵۹ تا ۶۲ که من بروم دانشگاه (من نقاشی کردن و همه چیز را مدیون آن ۳ سالی هستیم که در تالار نقش بودم) وقتی تالار کثیف بود ما تمیزش



می کردیم. وقتی دیوارش رنگ می خواست ماهمگی رنگش می کردیم. جای را ما دم می کردیم. شیرینی را ما از بیرون می خریدیم. هیچ کس از مسئولین آنجا این توقع را نداشت برای این که شاید باز هم خصلت نسل ما بود. البته منظورم بچه هایی که این جا درس می خوانند، نیست. چون این ها کاملا این موضوع را متوجه شدند. ولی من خیلی مواقع متوجه می شوم که بچه ها حتی احساس این که یک صندلی را از یک گوشه ای بردارند و گوشه دیگری بگذارند، اذیتشان می کند. یعنی مثلا فکر می کنند که من پول دادم یک آموزشگاه چرا باید اصلا یک صندلی را جا به جا کنم در حالی که اگر فکر کنند که فضامال خودشان هست اگر آموزشگاه هست برای این هست که آن ها قراره یک چیزی یاد بگیرند. آموزشگاه می توانست آموزشگاه نباشد، مطب یک دکتر باشد و یک عالمه کرایه به من پرداخت بشود و من بروم با پولش زندگی کنم و توی آتلیه ام نقاشی کنم. اگر اینجا درش باز است چون قراره آن ها یک چیزی یاد بگیرند. البته می گویم من اینجا خیلی خیلی کم به این مشکل بر می خورم. اینجا بچه ها این حس همکاری را می بینند و خوشحال اند وقتی در این فضا هستند.

در بین صحبت هایتان اشاره کردید که گالری داری باعث نشده نقاشی برایتان کم رنگ شود. درست است؟
 -بله اصلا باعث کم رنگ شدن نقاشی برای من نشده ولی باعث شده کم تر نقاشی کنم، وقتی کم تر شده به این معنی نیست که نقاشی اهمیتش کم شده اتفاقا اهمیتش بیشتر شده چون من به صورت مداوم با نقاشی آدم های مختلف سرو کله می زنم ولی وقت و زمان من برای این کار خیلی کم تر شده است. به خصوص از زمانی که من ماه مهر را باز کردم. خوب دوباره یک عالمه انرژی هم آن جا مصرف می شود و من یک دوره هایی می شود که اصلا کار نمی کنم ۲ ماه ۳ ماه ولی به طور طبیعی هفته ای ۲ یا ۳ بار نقاشی می کنم.

به نظر شما گالری داری شغل خوبی است؟ یا شغل سود آوری است؟
 -این که گالری داری شغل خوبی هست یا سود آور هست، خیلی با هم فرق می کند. -منظورم داشتن بهره اقتصادی است.

در این ۲۰ سال اخیر است و بله از نظر من کار خوبی هست. من از این کار لذت می برم، من سود می کنم چون من خودم را، شغلم را مقایسه می کنم با اتفاقی که ۲۰ سال پیش می افتاد اما اگر به یک آدم دیگر بگویند شاید بگویند احمقانه است که شما ۱۰ روز بایستید و تلاش کنی که ۴ تا خریدار جدید اضافه کنید و خوشحالید که ۵ تا کار فروش رفته است، پس هر کس با نگاه خودش قصه را تعریف می کند.

شما به عنوان یک گالری دار مورد حمایت هستید؟ مثلاً اتحادیه دارید؟

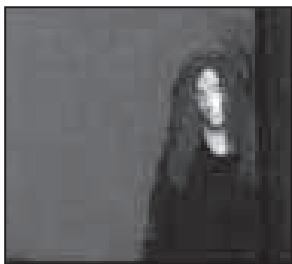
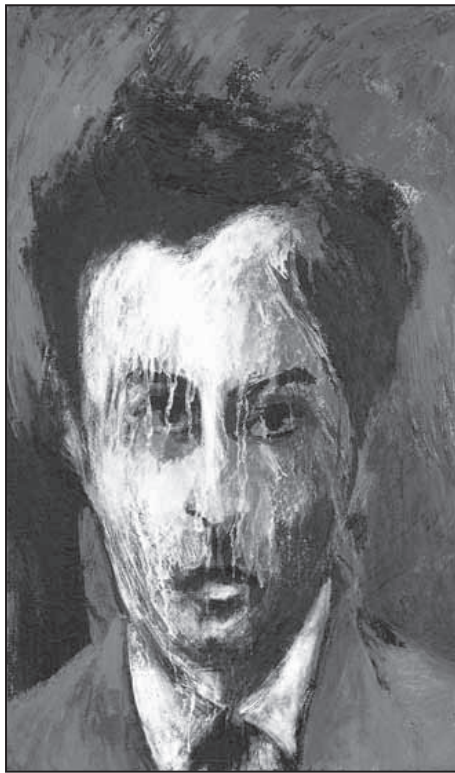
-اتحادیه که نداریم خیلی هم تلاش کردیم. اتفاقاً من عضو هیئت موسس اتحادیه گالری داران بودم ولی موفق نشدیم مجوز اتحادیه بگیریم.

چرا؟ علت آن چه بود؟

- یک سری موارد قانونی داشت مثلا تعداد گالری دار ها کم بود بعد آن موقع باید تعداد اعضای یک صنف بیشتر از چیزی می بود که ما بودیم. بعد که تعداد گالری ها بیشتر شد قانون اتحادیه تغییر کرد درباره تعداد اعضا بعد هم واقعا همه پیگیری نکردند فقط ما چند نفر بودیم که (من، خانم گلستان، آقای نوری، آقای علی اکبر صادقی...) پیگیر این قضیه بودیم بعدا که نشد بقیه هم پیگیری

شغل خیلی خوبی است، سود آور هم است ولی موضوع سر این هست که چه سودی؟ این سود را هر کسی خودش تعریف می کند. اتفاقاً من امروز داشتم به یکی از دوستانم می گفتم که وقتی به من می گویند نمایشگاه چه طور بود، من می گویم عالی بود. ۱۰ تا کار فروختم. بعد وقتی حساب می کنم آن ۱۰ تا کار برای من مثلا ۱ یا ۲ میلیون تومان سود داشته. خوب خیلی هم نبوده است. شاید یک مغازه دار توی یک آیتم که می فروشد در یک دقیقه این قدر سود کند، من ۱۵ روز ایستاده ام تا این قدر سود کردم منتها موضوع سر این است که ببینید هر آدمی از نگاه خودش سودش را چطور می بیند و توقعش از کار خودش چیست و روند کارش را چطور می بیند، من وقتی نگاه می کنم ۲۰ سال پیش وقتی گالری را باز کردم خیلی به طور طبیعی پیش می آمد که ماه ها هم نمی توانستیم یک کار را بفروشیم. یعنی این فرهنگ در جامعه خیلی کم وجود داشت و این نه این که تلاش من بلکه تلاش تمام همکاران بود که در زمینه تجسمی کار کردند. حاصل تلاش همه بود که الان قصه این طوری هست که نمایشگاه ها را می بینند که کار فروخته می شود یا در حراجی ها کار فروخته می شود. این حاصل تلاش جمعی

من فکر می‌کنم
تا خود آدم تجربه
زندگی و کار کردن
را نداشته باشد
نباید اظهار نظر کند.



نکردند و واقعیتش این هست که از نظر قانونی مشکلاتی داشت که ما دیگر دنبالش نرفتیم. این قضیه الان فراموش شده یا در تعلیق هست؟

- ببینید شاید این اتفاق بعدا بیفتد ولی در یک صنف یا اتحادیه همه یا بخش عمده اعضایش باید علاقه مند به این قضیه باشند و برای این ماجرا تلاش کنند. بنابراین هر موقع که دیدیم بقیه هم علاقه مند هستند انشاء الله حتما انجام می‌دهیم ■

از شما برای پذیرش گفتگو و همکاریتان سپاسگزارم.



نویسنده: کریستینه بروکنر • مترجم: الهام مقدس ■

نترس تو را مادر خطاب نخواهم کرد. گرچه کلمه ی دیگری گویای رابطه ی ما نیست. هیچ کس به خاطر آنچه انجام داده ای تو را متهم نکرده است. حالا من این کار را می کنم. نمی توانستی از عهده ی من برآیی، می دانم، این جواب را برای موردی که کسی از تو سوال کند، آماده کرده بودی. وقتی باخودت حرف می زنی این طور منظورت را بیان می کنی: «این که جزوش نبود!» من برای هزینه و ناراحتی ایجاد می کردم. روز به روز، سال به سال. برای همین این عمل کوچک پزشکی را انتخاب کردی. سیصد و شصت و پنج مارک نقد. ارزش بیش از این را نداشتی. بلیط رفت و برگشت به اوترشت هم به آن اضافه شد.

راستی پدرم -و گرنه او را باید چه بنامم؟- نمی بایست در هزینه ها سهیم باشد؟ بلاخره من به او هم ربط داشتم. تو مرا از اودزدیده ای. سابقاً وقتی مردها نمی توانستند یا نمی خواستند با زنی که او را حامله کرده بودند ازدواج کنند، می بایست نفقه بدهند. شما زن ها در این دهه های اخیر دستاوردهای بسیاری داشته اید. اختیارات حقوقی را از مردها سلب نموده اید. آن طور که می گوئید انگار مسئولیت را به دوش خود گرفته اید. آنها را تا حد وسیله ی دفع شهوت و تولیدمثل پایین آورده اید. از آنها برای تخم کشی استفاده می کنید. نمی خواستی درگیر رابطه ی ناپایدارتان بشوی؟

ملاحظه بود یا احتیاط؟ درباره ی همه چیز بی پرده صحبت می کنید، فقط درباره ی من حرفی نزدیدی. به جای آن در این مورد اضطراری پیش مادرت رفتی. حرف سر مضیقه ی مالی بود.

ناگهان مادرت را به یاد آوردی. مادر فوراً به من کمک خواهد کرد! در حالی که تو در سال های گذشته کارینکرده ای جز آنکه بند ناف را از او جدا کنی.

راستی می شد بند ناف مرا دید، البته فقط زیر میکروسکوپ! اما دوتا، تو و من، از طریق یک نخ کوچک به هم مربوط بودیم. زندگی من وابسته به این نخ بود. باید همه چیز را به تو گفت؟! واقعا همیشه خودت را احساساتی تصور

می کنی؟ تو احساساتی بودن را با حساس بودن عوضی گرفته ای! مادرت یکبار هم سوال نکرد. ظاهراً خودش خبر داشت. از جروبخت با تو می ترسید. تنها چند ثانیه تردید کرد. باخودش فکر کرد که آیا باید حالا به تو بگوید: «آه آن وقت ها هر چیزی را سر تو امتحان کردم. آن طور که پدرت می گفت، ما همیشه مواظب بودیم. پدرت روزهای مدیدی با من حرف نزد.» هیچوقت درباره ی وجود خودت فکر کرده ای؟ واقعا تصور می کنی همان بچه ی خواسته، فرزند عشقی بودی که پدر و مادر مشتاقانه منتظرت بودند؟ والدینت داشتن فرزند چهارم را تحمل کردند. اگر اقدامی ضد تو کرده بودند هیچ وقت زندگی نمی کردی. تازه وقتی با قدرت به شکم مادرت لگد زدی، چیزی مثل انتظار و شادی را احساس کرد. من هنوز نتوانستم اعتراض را نمایان سازم. راستی بچه ی دلفریبی نبودی و بعد ها هم دختر بامحبتی نشدی. بچه ی پرخرجی بودی. والدینت خرج تحصیل تو را دادند. مادرت خرج این سفر را به اوترشت پرداخت و فقط گفت: «با این وجود می خواهم کمکت کنم، بچه!» «حتی این جمله را هم دخالت تلقی کردی. بعد دکتر هم در اوترشت از کمک حرف زد، کمک پزشکی!

جایی موجودی از جنس مرد وجود دارد که روزی به من موجودی از جنس زن می گفت: «بدون تو نمی توانم زندگی کنم!» این چه می شود؟ چه کسی جای مرا را نزد او خواهد گرفت؟ پس دیگر اصلاً به آن فکر نمی کنی؛ اوترشت، رفت و برگشت ...

پدرم یا باید از هانس مارتین حرف بزنم. طراحی زیر دست است. تو در رشته ی تاریخ هنر تحصیل می کنی. شواهد بسیاری حاکی از این است که می توانستم نقاش با استعدادی شوم. نقاشی های کودکانه ی مرا با افتخار به این و آن نشان می دادی. در مهد کودک توجه همه را جلب می کردم. بعد ها نقاشی هایم در راهرو های مدرسه به نمایش گذاشته می شد و روزی تو تاریخ هنرشناس سابق نمایشگاه دخترت را افتتاح می کردی.

آرزویت نقاشی کردن در من تحقق می یافت. هر دو پدر بزرگ من معلم اند که استعداد آموزش را برای من به ارث گذاشته اند. درجه ی دانشیاری و بعد ها درجه ی استادی طراحی آناتومیک در کالسروهه را به دست می آوردم. یا این که نمی خواستی دخترت از تو جلو بیافتد؟

شاید زن زیبایی می شدم. چشمان آبی پدر، موهای تیره ی تو، دندان های محکم او گردن باریک تو که در سفر ایتالیای شما او بارها آن را با گردن باریک زنان در فرسک های پیرو دلا فرانسسکا مقایسه کرده بود. شاید حدس می زدم که چه شانس کمی برای زندگی داشتم و یک بچه ی دوست داشتنی می شدم. بندرت گریه می کردم، کم در دسر درست می کردم! اغلب بی دلیل به تو می خندیدم. مهربان و با عطف تو می شدم. شاید! اما ممکن هم بود که از تو به خاطر زندگیم ممنون نمی بودم. شاید تو را ملامت می کردم که چرا نرسیده مرا به دنیایی آورده ای که چندان هم فریبنده نیست. «چرا نگذاشتی همان جایی که بودم بمانم، در هیچ؟» این جمله را می شناسی. آن را در آخرین جشن تولدت موقع دعوا به مادرت گفתי. نگفتم، فریاد کشیدی.

تو تنها کسی بودی که می توانستی به من شانس زندگی کردن بدهی. من آن طور که می خواهی به خودت بقبولانی تکرار پذیر نیستم. ممکن است روزی یک بچه مناسب برنامه ی زندگیت باشی، برای کامل کردن شخصیت و یافتن خودت. اما تو، مرا از دست داده ای. او بچه ی دیگری خواهد بود. با کروموزوم ها و ژن های کاملاً متفاوت. شاید هم پدر دیگری خواهد داشت. در آن زمان من مزاحم تو بودم. به خاطر من حالت تهوع داشتی. باید از این بابت معذرت خواهی کنم.

امتحان را می توانستی به تعویق بیندازی، من را نه به زودی شغلی به دست نخواهی آورد. من به زندگی تو معنا می دادم. عبارتی از مد افتاده. حتی وقتی در آغوش دوست هستی باز کمی احساس تنهایی باقی می ماند. می شد که ما دو تا ماه ها با هم باشیم، فقط ما

دو تا! شاید پدرم زندگیم را نجات می داد و می گفت در مورد این بچه ما وظیفه ی مشترکی داریم که ارزش زندگی کردن را دارد. گرچه او اغلب می پرسد: «آیا ارزش به دست آوردنش را دارد؟» حتی پرسیده بود: «بعدا کی حق بازنشستگی ما را می دهد؟»

تو در اوترشت فقط دو سالن انتظار را می شناسی. اتاق انتظار پزشک و سالن انتظار در ایستگاه راه آهن. همان جایی که قهوه نوشیدی و یک تکه هم کیک کره ای خوردی. در قطار تازه خوابت برده بود. کنترل چی بازویت را فشرده تو برای اولین و تنها بار ترسیدی. از تماس دست یک کنترل چی! این احساس را داشتی که کار نادرستی کرده ای. آیا متوجه کلمه ی اوترشت شدی؟ کلمات شبیه هم هستند. تو بعدها هرگاه که کلمه ی نادرستی را می شنوی به اوترشت فکر می کنی و برعکس. علیه ناخودآگاه کاری از دستت بر نمی آید. بلیطت درست بود. کنترل چی جلو رفت. اما دیگر نتوانستی خوابی. هرگز به فکر نرسیده بود که موجودات زنده ای چون من ثبت می شوند؟ پاراگراف ۲۱۸ دیگر معتبر نیست؟ خال حکمت نمی برد؟! به خاطر من بار سنگینی به دوش نکشیدی. عمل قهرمانانه ای نبود. گرچه به استقلال خودت می بالیدی. دیگر برای زنی که جنین خود را سقط کند و یا اجازه دهد تا دیگری جنینش را سقط کند، مجازات زندان وجود ندارد. تا چند سال قبل حتی تلاش آن هم مجازات داشت. طبیعتاً تغییر قانون لازم بود! فقط، نه برای من. برای من مرگبار بود.

قبلاً تو با من در دسر داشتی و حالا من با تو در دسر دارم. باید یک بار هم که شده به من فکر کرد. تو «پاراگراف ها» را به سخره گرفته ای. تو به یک خنده ی تحقیرآمیز عادت کرده ای. آیا این به اوترشت هم مربوط می شود؟ زنان با شعار «شکم من متعلق به من است» در خیابان ها تظاهرات کردند. این گفته غلط است. در طول نه ماه شکم تو مال من بود نه مال تو. برای من پناهگاهی بود. مردها فقط چند دقیقه ای به شکم های شماعلاقه دارند یا گوییم یک ساعت.

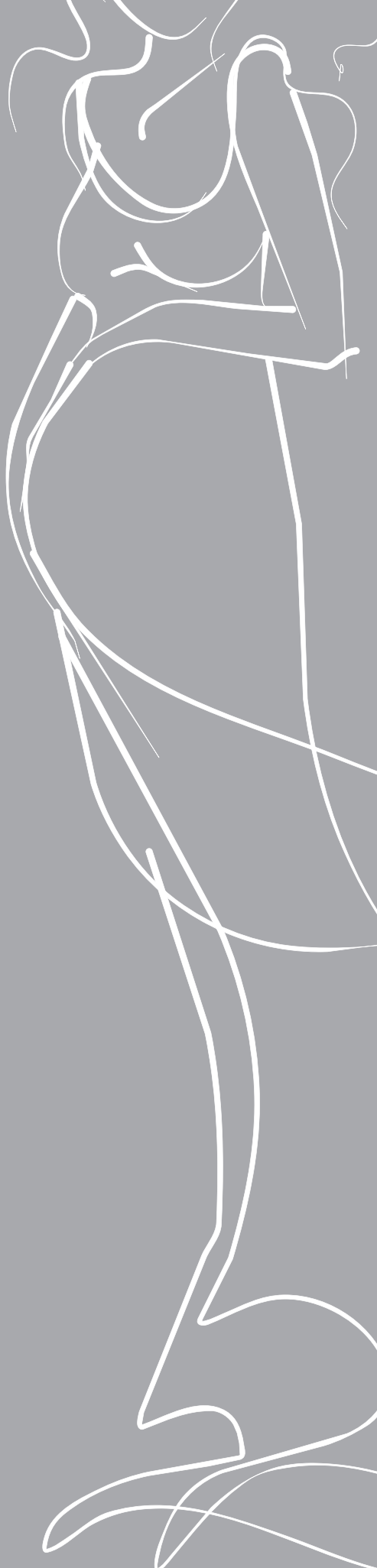
آیا دوست تو اصلاً ، متوجه چیزی نشده است؟ هیچ وقت نرسیده، چی درست نیست؟ باید یک چیز را در مورد تو خوب تلقی کرد که هیچ ادعایی نداری. تو مرا با جنگ اتمی تهدید کننده و یا آینده ای خالی از معنا مرتبط نکرده ای. سیگار نمی کشی، کم می نوشی، مرتب شریک زندگی را عوض نمی کنی. این طور به نظر می رسد که من در رابطه با تو واقعاً شانس آورده ام. شما، او و تو، حتی یکبار از ازدواج حرف زدید، نه در ارتباط با من، اما در آن سفر ایتالیا، در سرزمین پیرو دلا فرانسیسکا، آنجا مرا در سایه ی یک صنوبر چتری به وجود آوردید. در نزدیکی دریاچه ی تراسیمین، من بچه ی تختخواب نبودم. بچه ی نیمروز بودم. از آرتزو می آمدید و می خواستید به مونه ریشی بروید. آنجا در گورستانی در یک عبادتگاه کوچک تصویری از مادر مسیح اثر پیرو دلا فرانسیسکا وجود داشت. او آخر بعد از ظهر عبادتگاه را پیدا کردید. خادمه ای در را برای شما باز کرد. در حالی که به یکدیگر تکیه داده بودید مقابل تصویر ایستادید. ماریای «باردار، لباس روی قوس شکمش دگمه شده بود، با دست راست بدن را پنهان می کرد و در عین حال به آن اشاره می نمود. لبریز از شادی بودی، توجه دوستت را به آبی ماندارین کم رنگ لباس پیشانی گرد، ابروان باریک جلب کردی. گفتی: «او چقدر تنهاست!» از رنگ های موافق صحبت کردی. از رنگها سر در می آوردی. بعد از موضوع مورد علاقه تان، برابری شانس، حرف زدید. پیرو دلا فرانسیسکا پسر کفاشی اهل کوهستان رئیس شورا در آرتزو می شود. وقتی می خواستی ماشین را در کوچه باغی کنار بکشی در چاله افتادی. بخشی از بدنه ی ماشین قر شده بود. هر دو سر هم فریاد کشیدید و تو گریان به سمت واین برگ به راه افتادی. یادت می آید؟ دعوائتان را فراموش نکردی؟ تو برای ماشین خراب

گریه کردی برای من گریه نکردی. تعمیر ماشین گرانتر از سفر به اوترشت بود. شب را در فلورانس در سالن راه آهن به صبح رساندید، در کیسه خواب هایتان. وقتی هوا روشن شد پلیس راه آهن شما را بیرون کرد. توریست هایی با کوله پشتی. کله شق بودی، میخواستی تنها با قطار برگردی. پدرم بخشنده تر از تو بود. دوباره با هم آشتی کردید. در برگشت برای سفری به آمستردام برنامه ریزی کردید. میخواستی حتماً موزه ی ریژکس را ببینی. کی می خواستید بروید؟ تعطیلات بعد از عید پاک. شاید او بعداً سر دوراهی که به اوترشت می رود از تو بپرسد که می ارزد سری هم به اوترشت بزنی؟ آیا چیز خاصی برای دیدن هست؟ سپس تو سرخ خواهی شد و ماجرای مرا فاش می کنی. تا آن وقت شاید هم مرا فراموش کرده ای. فقط یک چیز را به تو می گویم: وجودم را به خاطر خواهم آورد، در رویا بر تو ظاهر خواهم شد، حتی در روز. دستمال کاغذی لازم داری و به یک داروخانه می روی. باید کمی صبر کنی و فوراً مقابل یک پلاکات می ایستی. مرا تازه در نگاه دوم می شناسی. در بیست و دو هفتگی هستم. بزرگتر شده ام. مانند یک شکوفه به نظر می رسم. باید چشم بصیرت برای زیبایی داشت. گذرا نگاهت به کودک غریبه ای در کالسکه بچه می افتد. لیخند بچه برای تو نیست. شب ها وقتی فکر می کنی صدای گریه ی کودکی را شنیده ای، خواهی ترسید. اما این فقط صدای گریه ی همسایه بود. حق من است که حتی در میو میو ی یک گربه خودم را نشان بدهم. نهرها و کناره ی آن ها را دوست داری. به سادگی روی یک زنبق زرد خم می شوی و مرا باز می شناسی. بسیار شبیه گلهایی هستم که آن ها را از داروخانه می شناسی. در این بین فقط یک هفته بزرگتر شده ام. کفش ورزشی ات را در می آوری، روی علف ها می نشینی و پاها یت را در نهر آب می گذاری. آن وقت بچه قورباغه ها را می بینی. سال هاست که هیچ بچه قورباغه ای ندیده ای. مثل یک دختر کوچولو صدا می کنی «قورقوری». یکی را می گیری. در دست تو بی قرار است. درست در همان سنی است که قرار است به به قورباغه تبدیل شود. هنوز دم دارد اما

تازه پا های جلویی در آمده و باز مرا می شناسی. یک مرحله جلوتر هستم. حالت تهوع بیشتر می شود. نفرت نامشخصی نسبت به گل های زنبق و بچه قورباغه ها که در نهرها زیاد می شوند پیدا می کنی. پیامد آن نفرت بیمارگونه خواهد بود. زمانی که باید یک روانکاو تو را معاینه کند معلوم می شود علت یک ضربه ی روحی در کودکی بوده است. حتی او نیز کشف نخواهد کرد که علت آن من هستم. تلافی حق من نیست؟ من، زاده نشده ای از اوترشت!

امکانات زیادی دارم که خود را نشان بدهم. با لذت شعر می خوانی. گاهی برای دوستت هم شعری می خوانی. کتاب کوچکی از اشعار نلی ساکس برای تولدت گرفته ای ابتدا بسادگی شعر «گروه کر زاده نشده ها» را می خوانی کلمه ی «زاده نشده» دیگر احساسی را بر نمی انگیزد. در برابر این حمله های مستقیم مسلح شده ای. اما در آخرین سطر: «ما روشنایی آینده ایم برای اندوه شما...» کتاب پایین می افتد افسردگی بیشتر می شود و حدس نمی زنی چرا. او اگر شنونده ات از تو سوال کند آیا دیگر مایل به خواندن نیستی می گویی: «نه» کتاب را کنار می گذاری و هرگز دوباره به آن دست نمی زنی. دیگر سعی نخواهم کرد روشنایی اندکی به ناخود آگاهت بیاورم. این اجازه را تو باید به من بدهی.

در اتاق انتظار پزشک زنان که وجداناً دو بار در سال پیش اش می روی باز بر تو ظاهر خواهم شد. تصاویر روی دیوارها توجه تو را جلب می کنند. یکی از عکس های بزرگ رنگی را از نزدیک تماشا می کنی. ابتدا فقط یک بیضی زیبا در رنگ های روشن می بینی. بعد تازه تشخیص می دهی که این منم که در مایع سرگردانم. ستون فقرات، سر صورتی رنگ را می بینی، به جای بازو بالهای بسیار کوچکی دارم. تا الان همه چیز ساخته شده: جنسیت من رنگ موها شکل دهانم. دیروز روزنامه خوانده ای؟ جایی در ایالات متحده ی آمریکا آزمایشگاهی می بایست تعطیل شود. در اموال شرکت ورشکسته هزاران جنین یافت شد که به منظور آزمایش در ظرف های شیشه ای نگه داری می شدند. شک داشتند که آیا باید آن ها را مطابق آیین مسیحیت به خاک سپرد یا نه. این خبر در صفحه ی فرهنگی روزنامه



می داشتم. هستند دخترهایی که مادرشان را دوست دارند . وگاهی به این فکر می کردی که چه خوب شد به اوترشت نرفتم... امکان دیگری هم برای نجات من وجود داشت. فوراً پس از تولد مرا به فرزندخواندگی می دادی. قبل از آن لازم نبود که مرا ببینی حتی یک نظر. فکر این جایش هم شده است. بچه ها این قدر هم نفرت انگیز نیستند. بعضی از زنان تلقیح مصنوعی می کنند تا باردار شوند. تو هیچ وقت نمی فهمیدی من دست چه کسی افتاده ام. میتوانستم مطمئن باشم که این والدین جدید که رابطه خوبی با هم دارند مرا با دقت و محبت تربیت می کنند. شانس زندگی من از طریق فرزندخواندگی حتی بهتر هم می شد. اما کسی از من برای آنچه که گذشت چیزی نپرسید.

آیا فرانسیسکا نام

زیبایی برای من

نبود؟

بود. آیا حتی یک بار هم به این فکر کرده ای که جنین های اوترشت کجا می مانند؟ آیا فقط تا اوترشت فکر کرده ای؟ نه تایی در اتاق انتظار نشسته بودید. نه زن بین بیست تا چهل سال. آلمانی زبان. اما حرفی در میان نبود. انگار چیزی برای گفتن به یکدیگر نداشتید. یکی از آن ها بافتنی می بافت.. به دکتر دروغ گفتی. گفتی: «شش هفته». می خواستی توضیح بدهی که به خاطر پایان نامه ات است که چنین حقی داری اما او فوراً با اشاره ای رد کرد. توضیحات او برای تو تفاوتی نمی کرد. او تمام توضیحات را می شناسد. او به زنان در مواقع لزوم کمک می کند. به زبان های مختلف، در صورت لزوم حتی به لاتین. عمل زیاد طول نمی کشد. کاری پیش پا افتاده.» متشکرم، آقای دکتر» طینینی تشکر آمیز و قانع کننده داشت. انگار در یک بیماری مهلک به یاریت شتافته است.

از خودم می پرسم آیا کاری که در نظر داشتی واقعا مهم بود؟ می خواهی یک امتحان معمولی بدهی اما یک نمره عالی هم به تو در استخدام کمکی نمی کند. والدین تو این کار را برایت ممکن می سازند حتی در مورد گرفتن دکتر.

و به خاطر تو از برآوردن خواسته های

خود چشم پوشی می کنند. تو با

خونسردی می پذیری. این وظیفه

ی آن هاست که شروع خوبی

را در زندگی برای تو ممکن

سازند. کجاست آن موزه ای

که مدیریت آن ، منتظر

تو و معلومات توست

؟ کجاست آن انتشاراتی

که پایان نامه ی دکترای

یک تاریخ هنر شناس را

تنظیم کند؟ در رویای

چه هستی؟ تنها کسی

در انتظار تو بوده منم.

من ماموریت زندگی تو

بودم. چند سالی به تو

نیاز داشتم و تو به من

نیاز داشتی. می توانستی

بلاخره یک بار ریشه ها

را قطع کنی. باید به خانه

بروم، فرزندم منتظر است.

شاید هم تو را دوست

ستاره های دیروز

جرج کیوکر می داند. در آغاز قرار بودجولی اندورز در این فیلم موزیکال ایفای نقش کند اما جک وارنر او را به اندورز ترجیح داد.

جذابیت هیپیورن تضمینی بود برای فروش بالای فیلم در زمان نمایش به موفقیت قابل توجهی دست نیافت. بانوی زیبای من در ۸ رشته برنده جایزه اسکار شد و ناکام بزرگ ادری هیپیورن بود که با دست خالی از مراسم به خانه برگشت.

هیپیورن تبار ایرلندی هلندی دارد. در هلند بزرگ شد و از ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۱ در انگلستان کار کرد. سپس به هالیوود رفت و به مدت ۱۵ سال نقش ملکه پریان را ایفا کرد. به ظاهر انگلیسی می نمود، در سبک ولحن ظرافت صاحب ذوق بود و دختر پری وار شوخ طبعی که منبع الهام نسلی از دختران باریک اندام طبقه اعیان بود. صورت مضحک ۱۹۵۷ فیلمی بود در برگیرنده تمام حال و هوایی که می توانست پدید آورد. مردی مسن ندیمش بود.

ادری هیپیورن پرنسس کاملی بود برای کهنه شوالیه هایی چون: فرد آستر، گری کوپر، همفرت بوگارت، ویلیام هولدن، هنری فوندا و کری گرانت.

وی هرگز نتوانست در کنار بازیگران مرد هم سن خودش شاد باشد. در کنار وی آنها مسن تر و خام تر به نظر می رسیدند. همیشه در هیپیورن شکوهی دست نیافتنی وجود داشت که به خصوصیت لیلین گیش شبیه بود.

هیپیورن پدیده سال های ۱۹۵۰ بود. پرنسس مارگارت و پرنسس گریس کلی در

پرنسس واقعی بود که از وظایف دشوار خود در قصر به تنگ آمده و آرزو دارد یک شهروند معمولی باشد. فیلم در سال تاجگذاری ملکه الیزابت دوم پخش شد. اسکاری که به خاطر این فیلم دریافت کرد حاصل سخاوتمندی اعضای آکادمی بود و نشان داد که پاکدامنی اش هالیوود را مجبور کرد تا وی را بپذیرد.

ادری چهار بار دیگر نیز نامزد اسکار شد. به خاطر سابرینا، سرگذشت راهبه، صبحانه در تیفانی و تا تاریکی زنده بمان. شش هفته پس از مراسم اسکار ۱۹۵۳، وی به خاطر نقش آفرینی اش در اجرای نمایش اندین جایزه تونی را کسب کرد. در سال ۱۹۵۴ ادری هیپیورن با ممل فرر بازیگر نقش مقابلش در نمایش اندین ازدواج کرد. این زوج در جنگ و صلح کینگ ویدور بازی درخشانی ارائه دادند. ادری در نقش ناتاشا و فرر در نقش آندره ی.

دهه پنجاه را باید سال های شکوفایی ادری هیپیورن به حساب آورد. صورت مضحک استتلی دانن عشق در بعداز ظهر بیلی وایلدور و سرگذشت راهبه فیلم هایی بودند که هیپیورن به زیبایی هر چه تمامتر در آنها ظاهر شد. نابخشوده جان هیستون، گوشه دیگری از تواناییهای او را به نمایش گذاشت. بلیک ادواردز خالق سری فیلم های پلنگ صورتی در صبحانه در تیفانی بازی زیبایی از او گرفت و باز هم او را نامزد دریافت جایزه اسکار کرد. در فیلم بعدی اش معما ساخته استتلی دانن در کنار کری گرانت قرار گرفت و در نقشی رومانیتیک ظاهر شد.

بسیاری از دوستدارانش اوج هنرنمایی اش را در بانوی زیبای من ۱۹۶۴ به کارگردانی

ادری هیپیورن از جمله کسانی بود که محبوبیت ویژه ای نزد عکاسان داشت. چهره کودکانه ی او تصویری متفاوت از چهره های معمول ستارگان مشهور آن زمان داشت. به خاطر چهره نجیب و موقر، اندام باریک و بلندش بود که عکاسان مد به سراغش آمدند. او علاوه بر این که از مشهورترین بازیگران زن زمان خود بود به عنوان مدل لباس نیز نامش در سالهای ۵۰ و ۶۰ میلادی مطرح بود.

با نام ادا فان همسترا هپرن - روستون متولد ۴ می ۱۹۲۹ در نزدیکی بروکسل - بلژیک. پدرش بانکدار انگلیسی و مادرش بارونس هلندی بودند. پس از جدایی پدر و مادر، ادری هیپیورن به مدرسه دخترانه ای در حومه لندن فرستاده شد. زمان آغاز جنگ جهانی دوم، وی به اتفاق مادرش در آرنهم هلند به سر می برد.

سال های اشغال هلند توسط نیروهای آلمان نازی را در این شهر گذراند و به مدرسه محلی رفت و در کنسرواتور آرنهم آموزش باله دید. پس از جنگ ادری به لندن رفت تا به آموزش باله با بورس تحصیلی ادامه دهد.

اوایل سال های ۱۹۵۰، وی به آموزشگاه بازیگری فلیکس آیملر رفت و در فیلم های انگلیسی در نقش های کوچک و کوتاه ظاهر شد. در سال ۱۹۵۱ در سواحل ریوی پرا بود که با نویسنده مشهور فرانسوی، کولت آشنا شد. کولت دوست داشت ادری هیپیورن جوان در اجرای نمایش ژنی نقش اول را بازی کند. ادری با ظرافت و شادابی خاص، قهرمان زن آرمانی کولت را تجسمی زیبا بخشید و نام خود را بر سر زبانها انداخت.

ادری به دلیل ظرافت و نشاطش که کیفیات کودکانه و زنانه را همزمان به عینیت در می آورد قهرمان زن آرمانی کولت شناخته می شد. موفقیت در این نمایش باعث شد تا نقش مقابل گریگوری پک را در تعطیلات رمی ایفا کند.

اولین نقش آفرینی اش در سینما خنده در بهشت به کارگردانی ماریو زامبی بود که ادری هیپیورن ۲۳ ساله را به عنوان ستاره ای تازه نفس به عالم سینما معرفی کرد. هیپیورن کاملاً شبیه یک

ادری هیپورن

زندگی واقعی از او تقلید می کردند اما هیچ یک نتوانستند به کمال وی برسند. بانو هیپورن در سال ۱۹۶۸ از مل فرر جدا شد و در سال ۱۹۶۹ با یک روانکاو ایتالیایی که ۹ سال از وی کوچکتر بود ازدواج کرد. این زوج در ابتدا رم را محل اقامت خود برگزیدند و سپس به سوئیس مهاجرت کردند.

بانو هیپورن به عنوان سفیر ویژه از سوی یونیسف برگزیده شد و بیشترین ایام فراغتش را به امور خیریه اختصاص داد. با این وجود در همه خندیدند ۱۹۸۱ پیتر باگدانوویچ عشق در میان دزدان ۱۹۸۷ راجر یانگ و همیشه ۱۹۸۹ استیون اسپیلبرگ، نقش های کوچکی ایفا کرد. اندکی پس از یک ماموریت برای دلجویی از سومالیایی های قحطی زده و جنگ زده در ۱۹۹۲، پزشکان وجود بیماری سرطان روده را در وی تشخیص دادند.

پس از چندماه مبارزه سرسختانه با این بیماری، بانو ادری هیپورن در سال ۱۹۹۳ از این جهان فانی رخت برپستوسینما یکی

از محبوب ترین بازیگران تمام دوران و شماییلی از سبک، وقار، عطوفت و محبت را از دست داد پاکدامنی بانو ادری هیپورن طنین یک زنگ نقره ای کوچک را داشت. بزرگ زنان سالهای ۱۹۵۰ از شخصیتی برخوردار بودند که دیگر تکرار نخواهد شد ■

بانو هیپورن
به عنوان سفیر ویژه
از سوی یونیسف
برگزیده شد
و بیشترین ایام فراغتش را
به امور خیریه اختصاص داد



آنجلینا جولی ستاره پر آوازه امریکایی، خیر مدرسه ساز در کشور های محروم و سفیر حسن نیت سازمان ملل متحد در امور پناهندگان است. او بارها به عنوان زیباترین، جذاب ترین و بهترین مادر بازیگر انتخاب شده است. هم چنین او توانسته است سه بار جایزه گلدن گلاب، دو بار جایزه اتحادیه بازیگران سینما و یک بار جایزه اسکار را به دست آورد.

آنجلینا در یک اقدام شجاعانه عمل جراحی ماسکتومی (برداشتن پستان) باردیگر نام خود را بر سرزبانها انداخت تا الگویی باشد برای تمام زنانی که بخاطر ترس از دست دادن بخشی از زنانگی وجود خود جرات انجام چنین عملی را در خود نمی بینند. آنجلینا در ماه می ۲۰۱۳ طی یادداشتی برای روزنامه نیویورک تایمز در مورد این عمل جسورانه می نویسد:

مادرم از بیماری سرطان در سن ۵۶ سالگی مرد البته او آنقدر فرصت داشت تا اولین نوه اش را ببیند و او را در آغوش بگیرد اما بقیه بچه های من هرگز این شانس را نداشتند تا او را ببینند و بدانند که تا چه حد دوست داشتنی و جذاب بود. ما اغلب در مورد مادر مامان صحبت می کنیم و خیلی وقت ها من خودم را در تلاش برای توضیح بیماری ای که او را از ما گرفت برای بچه ها می بینم و آن ها راجع به این که ممکن است چنین اتفاقی برای من بیفتد می پرسند و من همیشه می گویم که جایی برای نگرانی نیست.

اما این یک واقعیت است

من زن پرخطری به نام brca1 دارم که به طرز باورنکردنی خطر ابتلاء به سرطان سینه و تخمدان را افزایش می دهد.



تصمیم برای انجام عمل ماسکتومی تصمیم راحتی نیست اما من از این که چنین تصمیمی گرفتم بسیار خوشحالم چون احتمال ابتلاء به سرطان سینه از ۸۷ درصد به ۵ درصد رسیده است

دکتر من تشخیص داده است که من ۸۷ درصد برای ابتلاء به سرطان سینه و تا ۵۰ درصد برای سرطان تخمدان ریسک دارم.

اگر چه که ریسک ابتلاء به سرطان برای هرزنی می تواند متفاوت باشد و تنها بخشی از سرطان سینه ارثی و نتیجه یک جهش در ژن به ارث برده شده است اما به طور متوسط ژن brca تا ۶۵ درصد ریسک ابتلاء به سرطان را بالا می برد.

اول پذیرفتم که این واقعیت زندگی من است. تصمیم گرفتم تا جایی که امکان دارد ابتلاء به این بیماری را پایین بیاورم به همین دلیل به سراغ ماسکتومی پیشرفته رفتم. به سراغ مبارزه با سرطان سینه رفتم چرا که امکان ابتلا من به سرطان سینه بیشتر از سرطان تخمدان بود.

در روز ۲۷ آوریل من درمان دارویی سه ماهه ماسکتومی را به پایان رساندم. در این مدت من توانستم این موضوع را پنهان نگه دارم تا به کارم لطمه نزنند. اما الان در باره اش می نویسم. چرا که امیدوارم تا زنان دیگر هم بتوانند از تجربه های مفید من استفاده کنند. سرطان هنوز کلمه ای است که می تواند ترس را به درون مردم بریزد و تولید یک حس عمیق ناتوانی کند.

پروسه درمانی من از ۲ فوریه آغاز شد و دو هفته بعد من یک عمل جراحی وسیع داشتم. جراحی که در آن بافت سینه ام برداشته شد و یک پرکننده جای آن قرار داده شد. این جراحی ۸ ساعت طول می کشد و وقتی بهوش می آید حس فیلم های علمی - تخیلی را دارید. اما چندین روز بعد از جراحی می توانید به زندگی عادی برگردید.

۹ هفته بعد آخرین جراحی هم با پرکردن سینه به پایان رسید. پیشرفت های بسیاری در این روش در چند سال گذشته وجود داشته و نتیجه عالی بود.

من می خواستم با نوشتن این تجربیات به دیگر زنان بگویم تصمیم برای انجام عمل ماسکتومی تصمیم راحتی نیست اما من از این که چنین تصمیمی گرفتم بسیار خوشحالم چون احتمال ابتلاء به سرطان سینه از ۸۷ درصد به ۵ درصد رسیده است. حالا می توانم به بچه هایم بگویم که دیگر لازم نیست وحشت از دست دادن من به دلیل ابتلاء به سرطان سینه را داشته باشند.

این اطمینان بخش است که آنها چیزی نمی بینند که برایشان ناراحت کننده باشد. آنها فقط جای زخم کوچکی را می بینند و مادر همان مادری است که همیشه بوده است

و آنها می دانند که من دوستشان دارم و هر کاری بتوانم انجام می دهم تا زنده بمانم و زمان بیشتری با آنها باشم.

من حتی احساس نمی کنم بخشی از زنانگی ام کم شده است. احساس می کنم قدر تمنند شده ام چرا که انتخاب شجاعانه ای داشتم که به هیچ وجه زنانگی مرا کم نکرده است. خوشبختانه من همراهی مثل برادریتم دارم که همیشه حمایت کرده است. در تمام مدت درمان و لحظات جراحی کنار من بود. ما می دانستیم این کار درستی است که برای خانواده انجام می دهیم و البته این تجربه مارا به هم نزدیک تر کرد. من برای هرزنی که این متن را می خواند امیدوارم که این نوشته بتواند به شما کمک کند تا بتوانید انتخابی آگاهانه داشته باشید. سرطان سینه ۴۵۸۰۰۰ زن را در سال می کشد. براساس گزارش سازمان جهانی بهداشت در کشورهای با درآمد های پایین و متوسط تعداد بیشتر است. چرا که در کشورهای پیشرفته زنان بیشتر می توانند به آزمایش های ژنتیکی و به درمان های پیشگیرانه نجات بخش دسترسی داشته باشند. در جایی که ما زندگی می کنیم هزینه تست ژن بر کارا ۱ و بر کارا ۲ بیشتر از ۳۰۰۰ دلار است که البته زنان زیادی نمی توانند آن را پرداخت کنند. من هم تصمیم گرفتم تا داستانم را پنهان نکنم چرا که زنان بسیاری هستند که زیر سایه ترسناک سرطان به زندگیشان ادامه می دهند. امید من این است که آنها هم بتوانند تست های ژنتیکی بدهند و اگر ریسک بالایی برای ابتلاء به سرطان داشتند بدانند که می توانند گزینه خوبی را انتخاب کنند و... آنجلینا در لس آنجلس به دنیا آمد. پدر وی اصلتی آلمانی اسلواک و مادرش اصلتی هلندی فرانسو و کانادایی دارد. او فعالیت به عنوان مدل را از دوازده سالگی شروع کرد. اولین نقش سینمایی اش را در فیلم هکرها بود که داستان ۵ دانش آموز هکر را روایت می کند.

آنجلینا جولی از سال ۲۰۰۱ از سوی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان به عنوان سفیر حسن نیت تعیین شد و با سفر به نقاط دورافتاده جهان به فعالیت در زمینه حفظ حقوق آوارگان و پناهندگان مشغول است و آنجلینا در روز ۲۷ خرداد ۱۳۹۰ با حضور در کمپ پناهندگان سوری در شهر آلتین از توابع ترکیه با پناهندگان سوریه ای دیدار کرد.

آنجلینا جولی و بردپیت در سال ۲۰۰۶ صاحب دختری به نام شیلو شدند. آنجلینا و برد به خاطر باورشان در مورد پایان دادن به فقر و بدبختی مردم افریقا تصمیم گرفتند تا فرزندشان در کشور فقیر و افریقایی نامبیا به دنیا آید. آنجلینا و برد علاوه بر سه فرزندشان، سرپرستی مدوکس پسر بچه یتیم اهل کامبوج، بکس کودک ویتنامی و یک دختر یتیم اهل اتیوپی به نام زهرا را برعهده دارند ■

عمل جسورانه ستاره تحسین برانگیز



با به دست آوردن جایزه ارزشمند بهترین بازیگر زن توانست برای اولین بار در کن به کسب یک جایزه نایل شود.

اما در بخش های دیگر این جشنواره بروس دون برای فیلم نبراسکا به عنوان بهترین بازیگر مرد شناخته شد.

آمات اکالات کارگردان فیلم هلی جایزه بهترین کارگردانی را گرفت.

جایزه بزرگ کن را هم برادران کوئن بردند. هیئت داوران بهترین فیلم را از نگاه داوری به فیلم شبیه پدر شبیه پسر دادند. فیلمی از کارگردان ژاپنی به نام هیروکازو.

فیلمی از کشور چین هم جایزه بهترین فیلمنامه را با فیلم یک تماس از گناه از جیازانگ از آن خود کرد.

برنیس بژو بازیگر فیلم اصغر فرهادی که هنگام دریافت جایزه خود ذوق زده به نظر می رسید در سخنانی گفت: واقعا فکر نمی کردم این جایزه را بگیرم.

من می خواهم این جایزه را با اعضای فیلم سهیم کنم. اصغر، از تو متشکرم من عاشق این فیلم هستم هرکاری که در این فیلم کردم تشکری از تو است. واقعا انتظار کسب این جایزه را نداشتم متشکرم.

فیلم گذشته همانند فیلم جدایی نادر از سیمین در باره ی زوال و نابودی تدریجی یک ازدواج است.

مری (برنیس بژو) همسرش (علی مصفا) رادر ابتدای فیلم در سکانشی قدرتمند در فرودگاه ملاقات می کند جایی که میان این دو تنها یک شیشه ای ضخیم قرار گرفته این دو با چشمانی غمگین از یکدیگر احوال پرسی می کنند و تنها چند کلمه به زبان می آورند.

بژو در باره فیلم گذشته می گوید:

این فیلم از این جهت غیرمعمولی است که فرهادی آن را به زبان فرانسه ساخته و تمام دیالوگ های فیلم به فرانسوی است. در حالی که خود فرهادی به زبان فرانسوی صحبت نمی کند واز طریق مترجم با بازیگران در ارتباط است.

این بازیگر ۳۶ ساله که در فیلم گذشته در نقش اصلی ظاهر شده است.

در سال ۲۰۱۲ با حضور در فیلم صامت هنرمند و نقش آفرینی در کنار ژان دوژاردین به یک چهره سرشناس در سینمای جهان مبدل شد ■

معتبرترین فستیوال فیلم جهان هر سال در نیمه دوم اردیبهشت ماه در فرانسه برگزار می شود.

سالانه حدود ۲۰۰ هزار نفر مشتاق و علاقه مند به سینما طی ۱۱ روز به تماشای آثار برگزیده سینما از نقاط مختلف جهان می نشینند. شاید کن اعتبار جهانی خود را از رویکرد های اولیه خود در اعتلای هنر صنعت سینما کسب کرده باشد.

شهر کوچک و توریستی کن در جنوب فرانسه، هر ساله در ماه می میزبان مشتاقان سینما است.

به طور متوسط تخمین زده می شود که جمعیت این شهر کوچک و ساحلی طی برگزاری جشنواره حدود دو برابر شود. جشنواره هر ساله میزبان کارگردانان و ستارگان سینما از امریکا تا خاور دور است که به مدت ۱۱ روز آثارشان را در بخشهای مختلف به نمایش می گذارند.

اولین دوره جشنواره که قرار بود با نمایش ۱۲ فیلم در سال ۱۹۳۹ برگزار شود به دلیل بحران اروپا و اشغال لهستان توسط ارتش نازی برگزار نشد.

جنگ جهانی دوم برگزاری جشنواره را تا سال ۱۹۴۶ به تعویق انداخت. همچنین در سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۵۰ فستیوال به علت شرایط ویژه پس از جنگ برگزار نشد.

در سال ۱۹۶۸ هم اعتصابات گسترده دانشجویان در اعتراض به سیستم آموزشی و همچنین راهپیماییهای گسترده گروه های کارگری باعث شد که فرانسه ماهی پراشوب را پشت سر بگذارد و فستیوال هم به تعطیلی کشانده شود. اگرچه اعتصابات گسترده ماه می بابازگشت ژنرال دوگل به قدرت خاتمه یافت اما فستیوال کن در سال ۱۹۶۸ هرگز به طور کامل برگزار نشد.

شصت و ششمین دوره فستیوال فیلم کن که از ۲۳ اردیبهشت تا ۴ خرداد در کن برگزار شد، مثل تمامی دوره های قبلی مهم ترین جشنواره سینمایی جهان در بردارنده تعدادی از مورد توجه ترین فیلم ها و مطرح ترین هنرمندان سینما بود. برادران کوئن، استیون سودبرگ، سوفیا کاپولا، رومن پولانسکی و... اصغر فرهادی از جمله مهمانان برجسته این دوره از جشنواره کن بودند.

فیلم تحسین شده گذشته اصغر فرهادی



گذشته برنده بهترین بازیگر نقش اول زن جشنواره کن



۱ روز خود را با نوشیدن آب و آلبیمو آغاز کنید

نوشیدن آلبیمو و آب در وعده صبحانه مزایا و فواید بسیار زیادی دارد. زیرا آلبیمو و آب تاثیرات بسیار زیادی روی بدن ما می گذارند. آب لیمو خون را تصفیه می کند و وقتی با آب ترکیب می شود به دفع سموم بدن کمک می کند و در نهایت باعث می شود که پوست سالم تر و روشن تری داشته باشیم و لکه ها و چین و چروک های کمتری در پوست ما ایجاد شود. لیمو یک ضد عفونی کننده طبیعی است. لیمو سرشار از ویتامین C است. بنا بر این به شما کمک می کند که از بروز التهابات گلو و لوزه پیشگیری کنید و حتی می تواند این التهابات را را درمان کند. ویتامین C به کاهش آلرژی ها و به رفع علائم آسم نیز کمک می کند. همچنین نوشیدن ترکیب آب و آلبیمو در وعده صبحانه موجب کاهش سریع تر وزن می شود زیرا دفع سموم بدن باعث آب شدن چربی نیز می شود.

۵ رفع سلولیت با مصرف پیاز

ایجاد سلولیت در ناحیه ی باسن و ران یکی از پیامدهای تجمع آب در بدن است. وقتی مایع اضافی در فضای بین سلولی جمع می شود بافت پیوندی پوست به شکل برآمدگی های ناخوشایند ظاهر می شود اما شما می توانید با افزودن پیاز به تمامی وعده های غذایی تان به طور چشمگیری از میزان سلولیت بکاهید. پیاز ماده ی مدرملیمی است که باعث دفع آب اضافی از سلول ها و کاهش سلولیت می شود. پیاز همچنین کلسیم و سلنیوم دارد که این مواد معدنی مانع رسوب چربی ها شده و روند سوخت و ساز را تسهیل می کند.

۲ با مصرف میوه و سبزی زیباتر شوید

بر اساس تحقیقات انجام شده، افرادی که روزانه میوه و سبزیجات بیشتری مصرف می کنند از پوستی شفاف تر برخوردارند. زیرا در میوه ها و سبزیجات ماده ای به نام کاروتنوئید موجود است. کاروتنوئید نوعی آنتی اکسیدان است که از فشار اضطراب و ناراحتی های روزمره می کاهد. رنگ قرمزی که در میوه یا سبزیجاتی همچون هویج و گوجه فرنگی یافت می شود نیز برای سیستم دفاعی بدن موثر است. برای برنزه شدن شما می توانید با مصرف میوه ها و سبزیجات به پوستی دلفریب و خوش رنگ دست یابید بی آنکه نیاز داشته باشید به سراغ آفتاب بروید که می تواند آسیب های جدی به پوست شما برساند. به گفته پژوهشگران، رنگ دانه های موجود در این میوه ها آنتی اکسیدان های قوی هستند که می تواند پوست شما را بهبود بخشد و شمارا در چشم اطرافیان جذاب تر سازد. اگر تا کنون به دلایل گوناگون برای مصرف میوه و سبزی تشویق نشده اید به یقین از امروز برای زیباتر شدن انگیزه ای دو چندان خواهید داشت.

۳ نیم رخی زیبا با مصرف تخم مرغ

گاه بافت های اطراف چشم، گونه ها و چانه فرجه تراز حد عادی به نظر می آید که اغلب علت آن تجمع آب است، نه چاقی صورت. در این صورت باز گرداندن این بافت ها به وضع سفت و عادی خود بسیار ساده است. شما می توانید با خوردن ساندویچ تخم مرغ یا املت برای وعده های صبحانه این مشکل را برطرف سازید. تخم مرغ سرشار از پروتئین است که موجب رشد بافت ماهیچه ای می شود و با این عمل سوخت و ساز بدن را تسریع و مایعات اضافی را از بدن دفع می کند. با مصرف سه عدد تخم مرغ در هفته می توانید همواره نیم رخی زیبا داشته باشید.

۴ با مصرف انبه روزانه صد کالری

بیشتر بسوزانید

اگر پس از خوردن غذا، احساس نفخ و سنگینی آزارتان می دهد، انبه میل کنید این میوه ی گرمسیری حاوی آنزیمی خاص به نام پاپاین است که به شکسته شدن پروتئین در بدن کمک می کند و موجب می شود شما احساس راحتی کنید. زیرا نفخ زمانی به وجود می آید که باکتری های روده از پروتئین هضم نشده تغذیه می کنند علاوه بر آن انبه سرشار از ویتامین است که به سوخت و ساز بدن کمک می کند و موجب می شود روزانه به راحتی صد کالری بیشتر بسوزانید.

۱ توت فرنگی به سلامت قلب کمک می کند

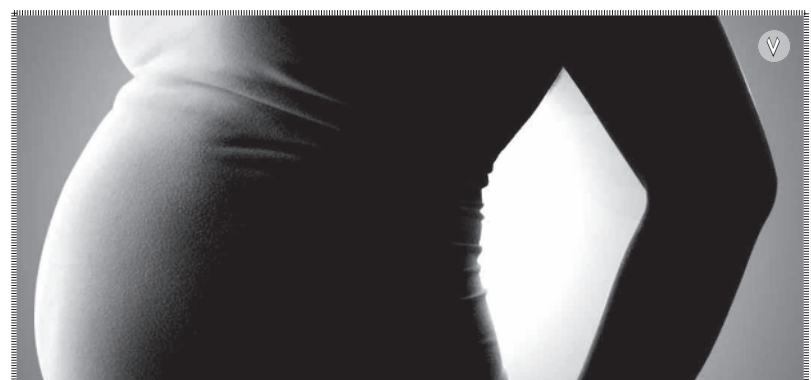
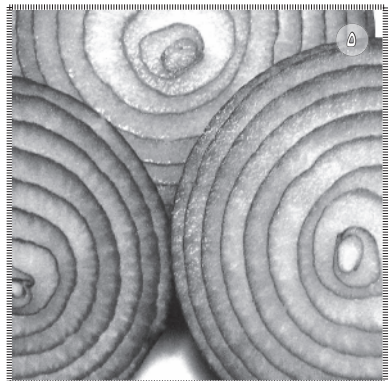
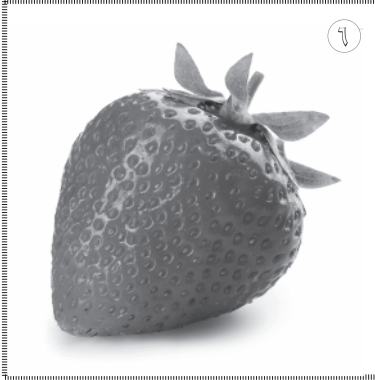
انجمن قلب امریکا اعلام کرد مصرف توت فرنگی برای سلامت قلب بسیار مفید است. بر اساس این گزارش، زنانی که بیش از سه بار در هفته توت فرنگی می خورند، سه برابر کمتر از دیگران به حمله ی قلبی دچار می شوند. محققان معتقدند انواع توت ها با داشتن ترکیبی به نام فلاونوئید می توانند با تغییرات ایجاد شده در رگ های خونی که به حملات قلبی منجر می شوند، مقابله و از قلب محافظت کنند. به گفته ی این پژوهشگران، افزودن میوه های قرمز و آبی رنگ و همچنین سبزیجات به رژیم غذایی می تواند خطر وقوع حمله ی قلبی را کاهش دهد.

۷ حد مجاز افزایش وزن در دوران بارداری

نشریه ی زنان و زایمان امریکا اعلام کرد بر اساس آخرین تحقیقات انجام شده، زنان بارداری که توده ی بدنی BMI آن ها پیش از بارداری زیر عدد ۵/۱۸ بوده است، در هنگام بارداری مجازند بین ۱۲ تا ۱۸ کیلوگرم افزایش وزن پیدا کنند. بر اساس همین گزارش زنانی که پیش از بارداری میزان شاخص توده ی بدنی آن ها بین ۲۵ تا ۵/۲۹ بوده است، تنها می توانند بین ۷ تا ۱۱ کیلوگرم اضافه وزن پیدا کنند و زنانی که قبل از حاملگی چاق بوده اند و شاخص توده ی بدنی نزدیک به ۳۰ و بالاتر از آن داشته اند، باید مراقب باشند که وزنشان تنها ۵ تا ۹ کیلوگرم افزایش یابد.

۸ خانم های جوان نان شیرینی قهوه ای بخورند

امروزه بیش از ۹۰ درصد خانم ها با مشکل بزرگ شدن شکم مواجه اند که از جمله نشانه های جسمی قبل از قاعدگی است. حال آن که می توانند با خوردن نان شیرینی قهوه ای (نوعی نان شیرینی حاوی شکلات و گردو) این مشکل را حل کنند. شکلات و انواع مغزها مثل گردو سرشار از منیزیم است. منیزیم ماده ای معدنی است که می تواند ۴۰ درصد از ورم ناشی از قاعدگی را کاهش دهد. پس خانم های عزیز از این پس همراه یک هفته مانده به موعد قاعدگی، خود را به یک نان شیرینی قهوه ای مهمان کنید.



□ المقال الافتتاحي : الزمن الفائت! اشرف گرامی زادگان

۵۳

□ المرأة و حکومت الحكمة و الأمل مریم جهانی

۵۴

□ حوار خاص مع الدكتور شهلا معظمی :
لماذا يميل الناس الى الجريمة؟ هذه سوال ابحت عن جوابها دائما سيده سكينه موسوى

۵۶

□ حوار خاص مع السيده آريا اقبال شكوهی :
الرسم غيرت مسير حياتي نسرین پاينده، آيدا آل طاها

۵۷

□ قسم العربی : مهرداد علمداری

حقوق المرأة

مجلة اجتماعية ■ فترة جديدة

الرقم ۳۱ ■ يونيو ۲۰۱۳

صاحبة الامتياز و مديره المسؤولة: اشرف گرامی زادگان

مدير الشؤون المالية و التنفيذية: همايون كوچكزاده

المستشارة القانونية: شهيندخت مولوردی

المديرة الفنية: مریم فرزامی فرد

الجرافيك: بهار محمدزاده

■ صندوق البريد: ۱۳۸۴ - ۱۵۸۱۵

■ الهاتف: ۸۸۳۱۸۹۴۹ - ۱۳۰۲۷۷۵ ۰۹۱۲

■ تليفاكس: ۸۸۳۱۸۶۳۷

■ الرقم المسلسل الدولي: ۱۵۶۱ - ۳۶۷۴

■ البريد إلكتروني: h_q_zanan@yahoo.com

الزمن الفائت!

نبدء باسم الله الرحمن الرحيم، لكي يساعدنا و يرزقنا حلاوه العدل و الانصاف و القيم الانسانيه. كل انسان يدعو بهذا الدعاء من الله سبحانه و تعالى و دون شك فان الله جل جلاله سيحول الصعاب الى الفرح و الامل .

الجميع يعلم ان القوانين و الاحكام فى كل مجتمع، لابد ان تكون سببا لراحه البال و الارتياح النفسى لدى ابناء المجتمع و خلافا لذلك فان القلق و التوتر المستمر سوف لا يترك للشعب سوى التشويش و التوتر.

و مازلنا نشاهد القلق الدائم لدى شريحة من نساء المجتمع، ان لم نقل الجميع؛ سيما لدى الفتيات اللواتى يواجهن قلقا دائما وهو ما هى التغييرات و التطورات القادمه؟

التغييرات التى تتصورها النساء بان غالبيتها سلبيه، كما ان الكثير منهن لم يفكرن ابدا بصوره ايجابيه لان التجارب الماضيه اظهرت بان القوانين و القرارات الصادره بقراءه شخصيه دون الاخذ بنظر الاعتبار لظروف المجتمع الحديثه و العلوم و التجارب البشريه. و الى اى مدى من شأنها ان تترك الغموض على مستقبلهن و يبعث روح الياس فى نفوسهن ازاء عمليه التخطيط لمستقبلهن.

فالقوانين تسن لمثل هذه المناسبات لكي يبشرنا بانه يمكننا ان نفكر بالمستقبل و ان نقوم بالتخطيط له. و المفروض ان يحل الاستقرار فى المجتمع و ان يكون القانون حاميا لكافه ابناء المجتمع.

يبدو ان قسما كبيرا من احباط الشباب يعود الى حقل التعليم. ان الاملاء الثقافى من دون دراسات موجهه يرسم مستقبلا غير مطلوب لهم. كما نشاهد فرض القيود فى اختيار الفروع العلميه فى الجامعه من بينها التمييز و الفصل بين الجنسين او الامور التى تهتمش النساء فى المجتمع .

هذا البيت هو بيت الجميع يجب الاهتمام بمصالح الجميع. ان الفصل الذى يتعارض مع دستورنا و يطبق وفقا لاذواقنا ينبغى لا يتم الموافقه عليها. هذا البيت يجب ان لا يكون مكانا للذين يضحون بمصالح الشعب العامه عبر التجريىء و الخطا و اذواقهم الشخصيه.

لقد مضت سنوات من صياغه الدستور فى البلاد و كان لابد من احقاق قسم كبير من حقوق المراه خلال هذه الفتره.

و رغم التطورات و الانجازات التى حققتها المراه فى المجتمع و اهتمامها بالمجالات التعليميه او المجالات الاخرى، مع الاسف لم يزل الطريق مفتوحا امام المراه، حيث نرى بالمجتمع هناك جدار يسمح لدخول البعض و يمنع من دخول الاخرين.

و هذه السوالاات مطروحه الان:

- كيف يمكن لهذا المجتمع المنقسم ومع هذه الثقافه ان يحقق التطور؟
 - كيف يمكننا تعبئه طاقانا البشريه بهدف الاعمار و ارساء الاستقلال؟
 - كيف نمكن ان نتحرك صوب رويه واضحه و موثقه؟
 - هل بإمكاننا ان نصل الى الوحده و التعامل رغم هذه القراءات الشخصيه و المفروضه علينا؟
- فاذا نحن قادرين على استخدام الفرص و الطاقات الموجوده فى البلد - من النساء و من الرجال سواء- و نعمل بدون رفع شعارات سطحيه، فل الجواب الى هذه الاسئله فى متناول ايدينا. فى غير هذه الحاله تمر الفرص مره اخرى.

علينا ان ناخذ الدروس من التجارب الماضيه. ليس مقبولا لنا ان نفوت الزمان. لقد تاخرنا عن مجتمعنا. يجب ان نعوض عن هذا التاخر و نعترف بان النساء فى خندق واحد مع الرجال فى المجتمع. على امل يوم ان يسير الحق و القانون فى حياه جميعنا ■

اشرف گرامى زادگان



المرأة وحكومة الحكمه والامل

مریم جهانلی

ليس مكان الاعتقالات و الضغوط. انها تحضى التنظيم والهيكلة الخاصه لها. مشاكل الثقافيه يجب ان تحل فى هذه الاطار و بأداء ثقافيه.

٢- وزاره المرأة:

تمت تخطيط لتأسيس وزاره شؤون المراه فى حكومه الحكمه و الامل حتى يعيد حقوق النساء الضاعه اليهن.

٣- إعادة النظر فى الفقه الاسلامي

الحكومه القادمه تعتقد ان الفقه الاسلامي فى الظروف الراهنه تحتاج لاعادة النظر و اذن نحن نطلب من حوزات العلميه ان يبذلوا اهتماما اكثر به اصول الزمان و المكان. لايجوز عقاب طفله عمرها ٩ سنه اذا ارتكبت جريمه و إعفاء ولد ١٤ سنه.

ينبغي إعادة النظر فى العلاقة بين بلوغ السياسى و الاقتصادى و الاجتماعى و الفكرى و بين بلوغ عبادى. حكومه الحكمه و الامل يقدم لمجلس الشورا لوائح فى اطار الفقه، وفقا لظروف الزمان و المكان لحمايته النساء.

٤- الاسره:

حكومه الحكمه و الامل يعتبر تعزيز الاسره و تحسين العلاقات و الرضاء فى حيات العاليله باعتبارها واحده من اهم اصولها فى برنامجها و تخطيطاتها.

بجمعيه النساء كنصف من اعضاء المجتمع. فضلا عن ذلك يجب اختصاص حصه للنساء فى بعض المناسبات الادارى. نحن الان نواجه تاخرا تاريخيا مزمنيا فى هذا المجال. يجب ان نعوض عن هذا التاخر. فى حكومته الحكمه و الامل سوف لا يكون الجنس معيارا لتعيين المناصب.

العده هى اعطاء الفرص المتساويه فى نشاطات و مجالات علميه، اجتماعيه و سياسيه. و حكومته الحكمه و الامل سوف يتوفر هذه الظروف للرجال و للنساء سواء.

الحكومه القادمه هى حكومه بهيئه فرص متساويه للرجال و للنساء. مادام هنالك دور متساوى للنساء فى نمو الاجتماعى و التنميه، فلا بد ان يكون لهن حقوقا و فرص متساويا جنبا الى جنب الرجال.

نسائنا يرفضن التمييز و الجنس لا يمكن ان يعتبر معيارا لتصدى المسؤوليات و المناصب فى المجتمع. لا بد ان هناك دورا لنساء فى صنع و اتخاذ القرارات، كما يكون للرجال.

أقوم به وظيفتى حتى يشعرون الفتيات بالأمان. لا اسمح بان ضابط مجهول يقوم به سؤال و تحقيق من احد. فتياتنا هن حافظات على حجابهن و عفافهن.

الثقافه لها عالم واسع. مجال الثقافه

تمت دوره الحادى عشر من انتخابات الرئاسه الجمهوريه الايرانيه بفوز حجت الاسلام و المسلمين حسن روحانى من بين ثمانيه مرشح بعد ما اعلنت نتايج فرز الاصوات فى المرحله الاولى.

من بين ٧٠٠ شخصا سجلوا كمرشحين فى الانتخابات، ثلاثين منهم كانوا من النساء و على الرغم من بيان آيت الله يزدى عضو مجلس صيانه الدستور بان لايجوز حضور النساء كمرشح فى الانتخابات الرئاسيه، لم يتوقف عمليه التسجيل النساء. و هذه ما يحدث و يكرر فى كل دوره من الانتخابات الرئاسيه، طالما لم يثبت تفسير عباره "الرجل السياسى" فى الدستور به معنى "شخصيه سياسيه" كما وردت فى اول ايام تشريعه.

فى ما يلى نقدم لكم آراء و وجهات نظر الرئيس روحانى. نامل بان نشاهد تحقيق حقوق المراه و الاطفال و الاسره فى مستقبل مجتمع الايرانى و لرئيس الجديد يقدم ردا ايجابيا و موثرا لمتطلبات نساء مجتمعنا، حتى لا يخيب آمالهن.

١- خلق الفرص المتساويه:

نظرا للظروف الحاليه و حاجه المجتمع لتحرك نحو النمو و التطور، ينبغى الاهتمام



٤- يجب على الحكومة توفير الاحتياجات الأساسية للأسر المحتاجة. هذه الاحتياجات تشمل على الغذاء و الملابس و السكن حسب الدستور.

٥- تعزيز اعضاء الاسره، تعليم المهارات الحياتية، المشورة القانونية، احياء الاخلاق و ثقافه الاكرام و دعم المسنين و المعوقين الجسدى و الذهني فى الاسر، يعد من ابرز برنامج و مخططات الحكومه القادمه.

٦- الاهتمام بالاتفاقيات الدولية حول المراه و العثور على الطرق المناسبه اقتراحهما و لاتخاذ القرارات المناسبه.

٧- الاهتمام بقانون التامين للجميع حسب القانون الصادره عن المجلس الشورى الاسلاميه منذ عشر سنوات و تامين ربات البيوت و استمرارها، مع اعطاء الاولويه للنساء الاتى تعول الاسره.

٨- إلغاء التمييز و توفير الامن الوظيفى فى المجتمع النساء العامله و الغاء الحرمان من النساء الريفيات، عن طريق تعيين حصه ثابتة من التسهيلات و الائتمانية الريفيه.

٩- زيادة السكان نظرا لرغبات الزوجين فى الانجاب و عدم التدخل فى هذه المجال ■

النساء. هذا ما يحسن معيشة الناس. ما ورد أعلاه كان تصريحات الدكتور حسن روحانى خلال حملاته الانتخابيه و برنامجه المعلنه، فى ما يلى وجهات النظر لدكتوراه دادانديش، مساعد لشؤون المراه فى مقر الانتخابيه الرئيسى لحسن روحانى؛ نقدا مقتطفا من وكالات الانباء.

١- يجب ان يحسب قيمه العمل المراه فى البيت به شكل علميه و تحسب ضمن الناتج المحلى الاجمالي. لكن حاليا يعد منظمه احصائيات ربات البيوت من بين العاطلين من العمل و هذا ما يودى الى ارتقاء رقم البطاله.

جدير بالذكر ان ٦١ فى المئه من النساء الايرانى هن من ربات البيوت و كل منهن تمارسن وظائف مختلفه فى البيت. إذا كانت المرأة لا تفعل هذه الوظائف، يجب للرجال ان يدفعوا ثمنا لكى يتم اداءها. و لذا لا بد ان تحسب قيمه العمل فى المنزل.

٢- ينبغى أن ترصد الحكومة على حقوق المهنيه للمراه- سواء فى القطاع العام او الخاص - حتى لا يضيع حقوقهن.

٣- هناك العديد من النساء فى الوزارات الحكوميه و ولكن القليل منهن يوظفن كمدير او فى مناصب عاليه.

■ وينبغى النظر فى مشكله المرأة لانها ناشطه و فعاله فى المجتمع. ولكن كثيرا ما تتلقى النساء أجور مختلفه مقابل العمل المتساوى.

٥- اشتغال المراه:

■ حكومتنا يهتم بتعزيز مكانته المراه و النظر المتساوى الى مواهبها العلميه و الدراسيه و السياسيه و الاجتماعيه و الاقتصاديه. والمرأة هى التى تختار العمل خارج او داخل المنزل. لا ينبغى ان نتعين لهن دورهن و هن قادرات على ذلك.

■ فى سنوات الخمس الاخيره انخفض ٢٣ بالمئه من نسبه نساء الموظفين. يجب ان هذه النسبه يتعادل مع نسبه نساء المتعلم فى الجامعات و المدارس. و سوف يعود هذا التعادل فى حكومه القادمه.

٦- الفصل بين الجنسين و حرمان

فى اى اصل من الدستور نجد جوازا للفصل بين الجنسين فى الجامعات و حرمان المراه من بعض الفروع الجامعيه؟ مشروع الفصل بين الجنسين لا يوفده نظرات الخبراء و لا يلائم مع المجتمع الايرانى.

٧- الخدمات التامين

الخدمات التامين يجب ان يشتمل كل نساء الجامعه، سيما اللواتى تراس الاسره. حكومته الحكمه و الامل يوفّر تغطية التامين لجميع



حوار خاص مع الدكتور شهلا معظمي

سيدة سكبينه موسوي

مع دوره رئاسه الجمهوريه السيد محمد خاتمي، معظمي بدأت نشاطاتها كمساعد في موسسه علم الجريمه في جامعه تهران، برئاسه دكتور محمد عاشوري.

الدكتور شهلا معظمي قامت بتأليف خمسة كتب حتى الان :

١- حقوق الأسرة في الاسلام، ١٩٩٠، شركة النشر والتوزيع الكتب المدرسيه.

٢- تعليم الحقوق للفتيات، ١٩٩٢، جامعه الزهراء.

٣- تعليم الحقوق للمراهقين، ١٩٩٣، شركة النشر والتوزيع الكتب المدرسيه.

٤- لماذا يهرب البناب؟ ١٩٩٣، نشر گرايش.

٥- الجرائم المنظمه، ٢٠٠٥، نشر دادگستر.

دكتور شهلا معظمي تنشط كعضوا لهيئه التحريريه مجله "الدراسات في المرأة" (مطالعات زنان) و مجله العلميه و الارشاديه "دراسات في وقايه الجريمه" تابع لقوات الشرطه في قسم الوقايه من الجرائم و مجله "العلوم الجنائيه" تابع لموسسه "الجزء و علم الجرائم".

الدكتور شهلا معظمي يدرس حاليا في جامعه تهران في مجالات جنوح الأطفال، المحاكمه بخصوص اطفال و علم الجرائم الجنائيه. منظمي قد اجريت العديد من المشاريع الدراسيه و التحقيقيه من بينهم الدراسات في ظاهره قتل الزوج يعد من أفضل مشاريعها من ناحيه انجازاتها و تجاربها المبدعه ■

ستجدون النص الكامل لهذه الحوار في القسم الفارسي من المجله.

ذهبت لزياره شهلا معظمي، السيده العالمه و الناشطه في مجال حقوق المراه لكي اقدم لكم لمحات من تجاربها و انجازاتها العلميه و الدراسيه و الدينيه في مجالات حقوق النساء. جاء باستقبالنا في مكتبتها بجامعه تهران؛ انها مكان لطلاب الجامعه اللذين يعشقون استاذهم و يرونها كرمز لحل مشاكلهم الاكاديميه و الشخصيه.

يرن هاتفها الجوال في حين و في آخر عندما نحاور الاستاذ و احيانا نسمع صوت امراه يبحث عن العمل بعد مرور سنوات من عمرها في السجن. و آخر صوت ام يبحث عن حمايه اقتصاديه لاولادها... وهم يعرفون بان طلبهم لايرفض.

معظمي يعرف مدى قدرات و كفاءت طلابها و يعين لكل منهم وظيفه و رساله و هم يمارسون التكاليف الاستاذ من اعماق قلوبهم حتى ينصرون استاذهم في اهدافها الانسانيه، لانهم ما سمعوا منها الا كلاما ليئا و ايجابيا.

ولد معظمي في اسره كثيره الاولاد و مولع بالعلم و المعرفه. تمت دراساتها الثانويه في اصفهان و دخل جامعه تهران في سنه ١٩٦٦ في فرع الحقوق. حصل على شهاده الماجستير في نفس الفرع و كان من بين اول خريجي كليه الحقوق نالت بشهاده الدكتوراه في فرع الجزا و دراسه الجريمه.

تزامنا مع ولاده طفلها الاول استخدمت في قسم الحقوق في وزاره المسكن. بعد وقوع الثوره الثقافيه في الجامعات و ولاده طفلها الثاني، افادت رساله به عنوان "وضعيه خطيره" تحت اشراف الدكتور محمد عاشوري. في سنه ١٩٤٨.

في سنه ١٩٨٨ رفض الجامعه طلبها لتدريس و لكن تزامن

الحوار مع آريا اقبال شكوهى: الرسم غيرت مسير حياتى

■ نسرين پاينده / أيدا آل طه



به سبب وقوع الثورة الثقافية لم يتمكن من الدخول بالجامعة فى ذلك الحين، بل دخلت الجامعة بعد عامين، اى عام ١٩٨٤. لهذا كانت ضمن اول فئه دخلوا الجامعات بعد افتتاح المجدد.

فى سنة ١٩٩٢ تمكنت من افتتاح معرض "آريا" و فى سنة ٢٠٠٢ أسست مدرسة آريا للتدريب الفنون البصرية. بالإضافة إلى معرض آريا هى تعمل فى ادارة معرض "ماه مهر" بالاشتراك مع زميلاته الهه جواهرى و مجگان والى بور.

شكوهى متزوجة و لها ابناء. أحد أبناء سيتخرج قريبا من الجامعة فى فرع الهندسة الكهربائية و الالكترونيات. ابنها الآخر يدرس فى المدرسة الثانوية ■

ستجدون نص الكامل لهذا الحوار فى قسم الفارسى من المجله فى هذه النسخه.

السيدة آريا شكوهى، مديرة معرض "آريا"؛ لها أكثر من ٢٠ عاما الخبرة المهنية و تعتبر من النساء اللواتى غيروا مسيرهن بالجهود و النشاطات المكثفه.

مع هذه عندما نسميها احد من ابرز النساء الناجحات فى ادارة المعارض الفنية فى قسم الرسم، تجيب بكل تواضع بانها لاتحسب نفسها ناجحا فحسب. مشيرا الى معناه الانسان الناجح، تضيف شكوهى: "ليس للاجتماع ان يوفر كل شى لنا. بل يجب لنا الاهتمام و بذل الجهود، حتى لو كانت هناك مشاكل و الظروف غير ملائمة... هذه ما قمت به انا."

مواليد سنة ١٩٦٢ خرجت شكوهى من جامعة "الزهر" فى سنة ١٩٨٩ مع الشهادة البكلوريوس فى الرسم. فى الواقع شكوهى اخذت الشهادة الثانويه فى سنة ١٩٨١ لكن



Ms Arya Shokouhi Eghbal: My life changed with painting

■ By: Nasrin Payandeh/ Ayda Aletaha

Ms Arya Eghbal Shokouhi is the director of Arya Art Gallery. She has more than 20 years experience and is among women who were able to pave the way by her attempts and constant efforts. With all her modesty, she does not know herself as successful. She believes successfulness has a relative definition and the importance goes to efforts and attempts. She continues: "It is not the society which provides us with everything, I mean it should, but if it was not prepared, the person should do it and I did the same as well."

We asked her to introduce her and brief us on her efforts:

"I was born in 1962. I have studied painting and took my Bachelor from Alzahra University, in Tehran, in 1989. I graduated from high school in 1980. The delay in studying

in higher education was due to universities closedown during Cultural Revolution. So I entered the university in 1983 as the first students accepted in universities after re-opening. In 1992, I inaugurated "Araya" Gallery and in 2002, I established "Arya" Training School of Visual Arts. It is eight years that with two of my colleagues: Elahesh Javaheri and Mozghan Valipour, I run the Cultural Institute of "Mah-e-Mehr" which is an independent institute from Arya Training School.

I am married and have two sons. One is the senior student in Electronics and the other, the one you met, is studying at middle school...."

The full text of interview is published in Farsi section ■

Exclusive Interview with Dr. Shahla Moazami

■ By: Seyedeh Sakineh Mousavi



I visited an enlightened pragmatic woman to fulfill my responsibility in introducing some of her experiences and achievements in improving women's rights. Her office in University of Tehran is the meeting place of students and graduates who love her and believe she is always there to solve their education and non-education problems. Her mobile phone non-stop rings. From time to time, you hear a woman's tired voice, released from prison, and looks for a job or loan. Sometimes it is the voice of children seeking assistance to free their mothers from jail. They are sure of receiving an assisting hand.

She knows students' capabilities, one by one; and appoints appropriate tasks for each. The students, who never hear "no" of her, try their best to give a hand to her in humanitarian attempts.

Shahla Moazami was born in an open-minded populated family. She passed her school time in Isfahan. In 1966, she started her stud-

ies in Law in University of Tehran. In 1971, she took her master degree in same field. In 1973, as the first group of PhD students in Criminology, she continued her studies in University of Tehran. Following the birth of her first daughter, she started working in Law Directorate of Ministry of Housing. After Cultural Revolution and re-opening of universities, and the birth of her second child, she defended her PhD thesis, "Dangerous Posture", supervised by Dr. Mohammad Ashouri.

In 1988, she was rejected from teaching in the university. However in 1997, during the Presidency of Seyed Mohammad Khatami; she started her career as the Deputy to Institute of Criminology in University of Tehran. So far, Dr Moazami, has compiled five books:

- Family Rights in Islam, 2000, Iran Textbooks Publishing Company,
- Law Training for Girls, 2002, Alzahra Publications,
- Law Training for Juveniles, 2003, Iran Textbooks publishing Company,
- Girls' Escape, Why? 2003, Gerayesh Publications,
- The Institutional Crime, 2005, Dadgostar Publications.

Dr. Shahla Moazami is the member of Editorial Board of : scholarly-research magazine of "Women's Studies" affiliated to Iranian Council of "Women' Studies", scholarly-advocacy Quarterly of "Studies on Crime Prevention", Journal of "Preventive Police in Disciplinary Forces", and the Journal of "Criminal Science" affiliated to the Institute of Criminology.

As a professor in University of Tehran, at the moment, Dr Moazami teaches "Children Criminology", "Criminal Law Procedure for Children" and "Criminology".

Dr Moazami has carried out various research projects. Considering the outcomes and the methodology, her research on spouse-killing can be considered as the best among others.

The full text of the interview is published in Farsi Section ■



time and the place. We cannot say if a nine-year-old girl performs a misdeed, she should be punished but a 14-year-old boy should not.

- The relations among political, economic, social, mental and religious maturities should be reviewed. In the framework of Islamic jurisprudence, by considering time and place dynamics, the Government of Wisdom and Hope will submit legislations to the Islamic Consultative Assembly (Parliament) in support of women.

4. The Family

Strengthening the family foundation, and improving the satisfaction with family life will be a principle in the Government of Wisdom and Hope.

5. Womens Employment

- Womens issues should be heeded. Women are active in the society. They work. However for equal work [with men] they enjoy unequal rights.

- The improvement of women's status and have an equal look to scientific, research, political, social and economic capabilities of women will be taken into consideration. The basis of considering "whether women prefer to work in or outside the house's unappealing. Women should choose themselves and they do not need any guardians in their choice.

- In last five years, there has been a decrease of 23% of employed women. Women's employment should be in proportion with women who are educating. In upcoming government, the gap will be narrowed down.

6. Gender Segregation and Deprivation

Where does the Constitution talk about gender segregation in universities and depriving women from education in some university courses? The scheme of gender segregation is a non-professional plan and is not in compatible with Iranian society.

7. Social Security Services

The social security coverage should be ex-

panded among all women especially women headed households. In Government of Wisdom and Hope, the social security services will have the coverage on women. Peoples livelihood, especially women's, will be improved.

The points highlighted in below were in Dr Dadandis's statements, published in news agencies. She was deputy of women's affairs at Dr Rohars's election campaign.

- Appraise the value of house chores carried out by housewives who include 61% of Iranian women,

- Heed women employment rights both in governmental and non-governmental sections, which should be monitored by the Government,

- The employment of many women in ministries but holding few managerial posts by them,

- The Government's responsibility to provide families principle needs, which according to the Constitution include: food, clothing and housing,

- Include empowering family members, life skills trainings, access to legal counseling, improving ethics and respect attitude, supporting the elderly and the disabled in families in Dr Rohars's programs,

- Take an approach towards international women's conventions and find strategies for correct decision-makings,

- Heed National Insurance Act, adopted ten years ago by Islamic Assembly and the social security scheme for housewives and its continuity with priority of women headed households,

- Remove discrimination and job insecurity among women laborers and poverty elimination among rural women by appropriation a certain share of rural credits and facilities to them,

- Increase the population based on couples' decisions and not by interfering policies on childbearing ■



Women and the Government of Wisdom and Hope

■ By: Maryam Jahani

The eleventh presidential election, with eight candidates on June 14, was finalized by counting votes and announcing the result in favor of Hojat-ol-Eslam Hassan Rohani.

Among 700 individuals registered for Presidential candidacy, 30 were women.

Although following the comments of Ayatollah Yazdi, the member of Guardian Council on prohibition of women to be President, many women objected the idea; due to ambiguity of the Constitution, women continued registering as candidates so that similar to the time of compiling the Constitution, the translation of “political men” be consolidated as “political figures” in the text of the law.

Relying the elected President’s opinions, mentioned below, we wish the women’s society to gain their rights and be witness of attaining the rights of children, families and in general the Iranian society.

The following was among Dr Hassan Rohani’s statements during the election propaganda and in his announced program for the government:

1. Equal Opportunities

■ Today that there is a need to move the society towards improvement; we should heed the 50% of the population, women. Women’s share should be taken into consideration in managerial positions. We face a historical chronic reversion in this regard which needs to be compensated. The “gender” is not an indicator for the Government of Wisdom and Hope in managerial sphere.

■ The Justice means equal opportunities in

scientific, social and political activities. The Government of Wisdom and Hope provides this equality between men and women.

■ The upcoming government is the one which creates equal opportunities for men and women. If women have equal roles [with men] in social improvement and the development, so they have to enjoy equal rights in opportunities as well.

■ Discrimination against women is not acceptable. The “gender” is not an appropriate criterion in taking social responsibilities. In decisions and in decision-makings women should have equal roles as men.

■ I will manage in a way that girls [young women] feel secure. I do not let unknown agents interrogate any one. Girls in society are safe guards of Hijab and chastity themselves.

■ The culture is vast. There are no musts in cultural issues. The world of the culture has a cultural mechanism. In the cultural world, issues should be solved out by the culture and through cultural tools. It is not possible to solve cultural challenges with police forces.

2. Women’s Ministry

In order to return the spoiled rights of women, the Ministry for Women’s Affairs has been anticipated in the Government of Wisdom and Hope.

3. Review the Islamic Jurisprudence

■ The upcoming Government believes the Islamic jurisprudence needs to be reviewed by the Islamic Seminary. We ask the Islamic seminaries to heed the dynamics of the

The Time which Lost!

We start with the name of God to assist us and bestow on us the justice, equality and humane values. This is a prayer who every human being may request God. No doubt, God will change hardships to happiness and hopes.

Everybody assumes rules and regulations are to lead into peace and the mind and soul comfort. If not, with minute to minute tensions there will be neither peace nor comfort.

However some people have to always experience the anxiety. If not all, some of women especially girls suffer from a constant worry that what will be the outcome of changes for them?

They believe most of changes would be negative. Most of them do not think optimistically. By-laws and circulars adopted through personal lenses, with no knowledge and without taking benefits from previous experiences, have drowned their future in ambiguity and disappointed them of planning for future.

The law is enforced to promise the future, and to enable people to plan their lives as it is supposed the stability rules the society and the law supports all.

It seems today the part of despair among youth goes back to education. Lack of expertise in cultural impositions has drawn an unpleasant future for the youth. We are witness of limitations in university courses, discrimination, gender segregation and justifications which all deprive women from society.

This house, the society, is for all. The benefit and gain for all should be taken into account. There is no place to en-

force segregations which are contrary to the Constitution and are based on personal tastes. This house is not a place of parade for those who scarify public benefits with personal trials and errors, those who are ignorant to the law.

Years passed since compiling the Constitution. Most of women's right should have been achieved. Despite developments women gained by their attempts in education and other fields, instead of having a paved way, various justifications are taking these developments away. Still red lights are turned on. It is as if there is wall around the society, some are let inside some not.

The question is:

- How can a two parted society with mentioned culture achieve the development?
- How can we mobilize our power towards development and consolidating of independency?
- How can we go towards the light documented Prospect?
- Can we pass personal interpretations and imposed opinions and achieve the unity and empathy?

Taking benefit from all potentials of the country, women and men, practicing and not just talking, we can reach answers; otherwise still we will lose the time.

Let's review the past. It is not acceptable to lose the time any more. We are far from social indicators. The lag should be compensated. We should believe women are men's comrades in the society.

Hope a day in which the law and the justice rule and stream into lives ■

Directing Manager

Contents

62

- **Editorial: The Time which Lost!** Ashraf Geramizadegan

61

- **Women and the Government of Wisdom and Hope** Maryam Jahani

59

- **Exclusive Interview with Dr Shahla Moazami:**
I Was Always to Find out the Reason Some People Become Criminals?
..... Seyedeh Sakineh Mousavi

58

- **Exclusive Interview with Ms Arya Eghbal Shokouhi :**
Painting Changed My Life
..... Nasrin Payandeh/ Ayda Aletaha

- **English Section** Leila Onsori

Women's Rights

Social Journal ■ New Serials

July 2013 ■ No. 31

Concessionaire and Managing Director: Ashraf Geramizadegan

Finance and Administration Manager: Homayoun Kouchakzaadeh

Legal Adviser: Shahindokht Molaverdi

Art Director: Maryam Farzamifard

Graphic Designer: Bahar Mohammadzadeh

■ Mailbox: 15815-1384

■ Tel: (+98) (0) 912 1302777/ (+98) (021) 88318949

■ Fax: +98) (021) 88318637

■ International Serial No: 3674-1561

■ Email Address: h_q_zanan@yahoo.com

